



روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضایی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR
WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۴۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۲	دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی	۱۴۰۰/۵/۱۹	رأی شماره ۱۴۱۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۱ قسمت (ب) مصوبه شماره ۱۹/ت/۴۸۷ - ۱۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۸ شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی
۳	شورای عالی هماهنگی ترابری کشور	۱۴۰۰/۶/۲	رأی شماره ۱۴۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۲ مصوبه شماره ۲۰۵ - ۱۳۹۷/۵/۲۱ شورای عالی هماهنگی ترابری کشور
۴	وزارت نیرو	۱۴۰۰/۶/۲	رأی شماره ۱۴۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۳ بخشنامه به شماره ۱۰۰/۵۰/۹۳/۴۴۴۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۴ وزیر نیرو از تاریخ تصویب
۶	سازمان امور مالیاتی کشور	۱۴۰۰/۶/۲	رأی شماره ۱۴۱۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال عبارت «کارفرمایان بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی می‌توانند صرفاً از کسر سهم حق بیمه درمان پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده از حق بیمه» در بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۴۴ - ۱۳۹۸/۵/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور
۷	سازمان امور مالیاتی کشور	۱۴۰۰/۶/۲	رأی شماره ۱۴۱۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال تذکر شماره ۱ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۴۴ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور
۸	هیأت وزیران	۱۴۰۰/۶/۲	رأی شماره ۱۴۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری (موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۴۲۹۵/۲۰۴۶۱ - ۱۳۸۹/۱/۳۱ هیأت وزیران)
۹	سازمان تعزیرات حکومتی	۱۴۰۰/۶/۲	رأی شماره ۱۴۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال صدور اطلاعیه آزمون تبدیل وضعیت اداری کارکنان رسمی و پیمانی به پست رئیس شعبه سازمان تعزیرات حکومتی در سال ۱۳۹۹ از تاریخ تصویب
۱۰	شورای اسلامی شهر بوشهر	۱۴۰۰/۶/۲	رأی شماره ۱۴۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال مصوبه جلسه ۱۵۷ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۱ شورای اسلامی شهر بوشهر از تاریخ تصویب
۱۱	شورای اسلامی شهر اشنویه	۱۴۰۰/۶/۲	رأی شماره ۱۴۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بندهای (الف، ب، ج، ح) ماده ۱۹ از دفترچه تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۰ شورای اسلامی شهر اشنویه
۱۲	شورای اسلامی تاکستان	۱۴۰۰/۶/۲	رأی شماره ۱۴۲۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال تعرفه شماره ۱۴ - ۲ عوارض محلی شورای اسلامی تاکستان در سال ۱۳۹۸ (تحت عنوان عوارض تبدیل غیرمجاز ملک)
۱۳	شهرداری ارومیه	۱۴۰۰/۶/۶	رأی شماره ۱۴۲۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ماده ۶ دفترچه عوارض محلی سال ۱۳۹۹ شهرداری ارومیه (تحت عنوان عوارض تأمین پارکینگ) از تاریخ تصویب
۱۴	سازمان امور مالیاتی کشور	۱۴۰۰/۶/۶	رأی شماره ۱۴۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: با اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی نسبت به دادنامه شماره ۱۶۹۹ - ۱۳۹۹/۱۱/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موافقت شد و اعتبار حقوقی مصوبه شماره ۱۷۳۰۸۵/ت/۱۳۹۷ - ۵۶۳۴۲ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۲ هیأت وزیران و بخشنامه شماره ۱۴/۹۸/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۲/۳۱ سازمان امور مالیاتی کشور مورد تأیید قرار گرفت
۱۵	شورای اسلامی شهر بوکان	۱۴۰۰/۶/۶	رأی شماره ۱۴۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۲ تعرفه شماره ۲۱ - ۲ سال ۱۳۹۶، بند ۲ تعرفه شماره ۱۹ - ۲ سال ۱۳۹۷، بند ۲ تعرفه شماره ۱۷ - ۲ سال ۱۳۹۸، بند ۲ تعرفه شماره ۱۷ - ۲ سال ۱۳۹۹، بند (الف) ماده ۷ و تبصره ۱ بند (ب) ماده ۷ سال ۱۳۹۶، بند (الف) و تبصره ۱ بند (ب) ماده ۱۴ سال ۱۳۹۷، بند (الف) و تبصره ۱ بند (ب) ماده ۱۳ سال ۱۳۹۸ و بند (الف) و تبصره ۱ بند (ب) ماده ۱۳ سال ۱۳۹۹ از تعرفه عوارض و بهای خدمات محلی مصوب شورای اسلامی شهر بوکان از تاریخ تصویب

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۱۷	شورای اسلامی شهر اردبیل	۱۴۰۰/۶/۶	رأی شماره ۱۴۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ردیف ۵ بند ۱ ماده ۱۲ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۹ شورای اسلامی شهر اردبیل
۱۹	صندوق کارآفرینی امید	۱۴۰۰/۶/۶	رأی شماره ۱۴۳۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ماده ۲۰ دستورالعمل شماره ۳۰۸۴ - ۳ - ۱۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۷/۵ صندوق کارآفرینی امید از تاریخ تصویب
۲۰	شورای اسلامی شهر اراک	۱۴۰۰/۶/۶	رأی شماره ۱۴۴۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ماده ۱۴ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ و ماده ۵ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۹ شهرداری اراک مصوب شورای اسلامی شهر اراک از تاریخ تصویب
۲۱	سازمان امور مالیاتی کشور	۱۴۰۰/۶/۶	رأی شماره ۱۴۴۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بندهای ۲ و ۳ نامه شماره ۲۰۰/۴۶۲۲ ص - ۱۳۹۹/۴/۲ سازمان امور مالیاتی کشور
۲۳	صندوق تأمین خسارت‌های بدنی	۱۴۰۰/۶/۹	رأی شماره ۱۴۶۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ماده ۶ دستورالعمل نحوه رسیدگی، پرداخت و باز یافت خسارت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مصوب ۱۳۸۹/۸/۳۰ مجمع عمومی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مصوب ۱۳۸۹/۸/۳۰ مجمع عمومی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی
۲۴	شهرداری اراک	۱۴۰۰/۶/۹	رأی شماره ۱۴۶۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ماده ۳۲ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۸ و ماده ۳۰ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۹ شهرداری اراک (تحت عنوان بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی) از تاریخ تصویب
۲۵	شرکت ملی نفت ایران	۱۴۰۰/۶/۹	رأی شماره ۱۴۷۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال جزء (الف) از بند ۷ قسمت ۲-۱-۱۹ مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان شرکت ملی نفت ایران
۲۶	بنیاد شهید و امور ایثارگران	۱۴۰۰/۶/۹	رأی شماره ۱۴۷۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال جدول امتیازات بخشنامه شماره ۱۰۴۱۷/ص/۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۳ مدیر کل اشتغال و کارآفرینی بنیاد شهید
۲۸	سازمان بهزیستی کشور	۱۴۰۰/۶/۹	رأی شماره ۱۴۷۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۱ ماده ۲ دستورالعمل شرایط و ضوابط اختصاصی مراکز توانبخشی معلولان (غیردولتی روزانه آموزشی و توانبخشی خانواده و کودک مبتلا به اختلالات شنوایی) مصوب شورای مدیران حوزه توانبخشی سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۹۶
۲۹	شورای اسلامی شهر قم	۱۴۰۰/۶/۹	رأی شماره ۱۴۷۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال جدول شماره ۴ مشاغل گردشگری و سایر از مصوبه ۸۴۸۱ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۳ شورای اسلامی شهر قم مبنی بر حق پذیره و عوارض از مهمانپذیر، هتل آپارتمان و هتل
۳۰	دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری	۱۴۰۰/۶/۹	رأی شماره ۱۴۷۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال مواد ۲ و ۳ و بخش‌های سوم، چهارم و پنجم از بخشنامه شماره ۵۳۶۷۹/۵۳۴۰۰/۹۵ مورخ ۱۳۹۵/۸/۱۱ مقررات اجرایی - انضباطی فعالیت دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری

قوانین و مقررات عمومی

شماره ۹۹۰۳۲۴۴

۱۴۰۰/۶/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۱۱ مورخ ۱۴۰۰/۵/۱۹ با موضوع: «ابطال بند ۱ قسمت (ب) مصوبه شماره ۱۹/ت/۴۸۷ - ۱۹ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۸ شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۵/۱۹ شماره دادنامه: ۱۴۱۱ شماره پرونده: ۹۹۰۳۲۴۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: خانم مهدیه حسینقلی زاده آلاشتی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۱ قسمت (ب) مصوبه شماره ۱۹/ت/۴۸۷ -

۱۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۸ شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۱ قسمت (ب) مصوبه شماره

۱۹/ت/۴۸۷ - ۱۹ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۸ شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی را خواستار

شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

اینجانب مهدیه حسینقلی زاده آلاشتی دانشجوی دکتری ورودی سال ۱۳۹۲ برق -

کنترل دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی به شماره دانشجویی ۹۲۲۰۲۹۶ هستم. در

دستورالعمل اجرایی دوره دکترا ورودی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ (مصوبه ۱۳۹۰/۳/۳۱) شرط دفاع از

رساله دکترا داشتن حداقل دو مقاله در مجلات علمی پژوهشی معتبر و دارای نمایه

بین‌المللی است. در حالی که شورای آموزشی تحصیلات تکمیلی دانشگاه در اطلاع‌رسانی شماره ۱۹/ت/۴۸۷ - ۱۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۸ شرط دفاع از رساله دکترا را در بند ۱ تغییر داده است و الزام کرده است که حداقل یکی از مقالات باید در مجلات با نمایه ISI باشند. با این کار قانون ورودی ۱۳۹۲ در سال ۱۳۹۷ تغییر کرده است و این کار طبق ماده ۴ قانون مدنی خلاف قانون است و عطف بمسابق شده است که کاری باطل است. شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه با تصویب این مصوبه تغییر قانون دفاع دوره اینجانب با درخواست دفاع اینجانب با دو مقاله علمی پژوهشی و دارای نمایه بین‌المللی مخالفت کرد.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«صورتجلسه شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه»

شماره ۱۹/ت/۴۸۷ - ۱۹ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۸

ب - مصوبات عمومی مقاطع تحصیلات تکمیلی:

ردیف	موضوع	مصوبه
۱	بررسی شرایط مقالات دانشجویان دکتری ۸۹ الی ۹۳	موضوع مقالات قابل قبول برای صدور مجوز دفاع از رساله دانشجویان دکتری ورودی سال‌های ۸۹ الی ۹۳ مطرح و پس از بحث و تبادل نظر، مقرر گردید حداقل یکی از مقالات باید در مجلات با نمایه ISI و دارای ضریب تأثیر در گزارش JCR باشد.

در پاسخ به شکایت مذکور، معاون اداری و مالی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی به موجب لایحه شماره ۲۹۱۶/م - ۱۴۰۰/۲/۷ توضیح داده است که:

“بازگشت به نامه شماره پرونده ۹۹۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۲۴۸۲ - ۹۹۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۲۴۸۲ در خصوص نسخه دوم دادخواست خانم مهدیه حسینقلی زاده آلاشتی مبنی بر درخواست

ابطال مصوبه ۱۹/ت/۴۸۷ - ۱۹ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۸ مقطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه به استحضار می‌رساند براساس تبصره ۳ ماده ۸ آیین‌نامه آموزشی مقطع دکتری مصوب

شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (سال ۱۳۸۸)، احراز کفایت دستاوردهای علمی رساله تابع دستورالعملی است که به تصویب شورای مؤسسه

از نکات جالب توجه اینکه: ۱- طبق نامه شماره ۹۷/۴۰۱/۴۴۷۹۱ - ۱۳۹۷/۶/۶ بیمه مرکزی، شرکت آتیه‌سازان حافظ تحت نظر بیمه مرکزی فعالیت نمی‌نماید و فعالیت آن به عنوان بیمه‌گر در بخش بیمه تکمیلی، فاقد مجوز قانونی است. ۲- طبق نامه ۱۳۹۷/۱۱/۲۱ مدیرکل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت کار، کانون شرکت‌های حمل و نقل کالا و شرکت آتیه‌سازان حافظ، فاقد صلاحیت در زمینه انعقاد چنین قراردادی می‌باشند. ۳- روزانه صدها میلیون تومان پول به دستور مدیران کل استانی، توسط شرکت‌های حمل و نقل بایستی به حساب کانون - شرکت آتیه‌سازان حافظ واریز شود، در صورتی که هیچ نوع کنترلی بر آن ندارند.

شاکی در پاسخ به اخطار رفع نقص به موجب لایحه شماره ۹۹/۲۸۰۱ - ۱۳۹۹/۱/۵ اعلام کرده است که:

"هیچ قانونی وجود ندارد که بیمه تکمیلی درمان را اجباری کرده باشد و شورای عالی هماهنگی ترابری کشور در مقام قانونگذاری نیست. در عین اینکه طبق اصل ۲۶ قانون اساسی، عضویت در کانون اختیاری است، شرکت‌ها چه الزامی به تبعیت از قراردادهای غیرقانونی آن دارند؟ کانون صنفی انجمن‌های کارفرمایی شرکت‌های حمل و نقل که بر اساس ماده ۱۳۱ قانون کار به صورت داوطلبانه و برای دفاع از منافع صنفی اعضا شکل گرفته، نه فضولتاً، نه نیابتاً و نه وکالتاً حق نداشته که از طرف این شرکت و سایر شرکت‌های حمل و نقل چنین قرارداد تعهدآوری را امضاء کند. حال که از طرف خود امضاء کرده، خودش هم باید حق بیمه را بپردازد. شورای عالی هماهنگی ترابری کشور با این مصوبه خود، با اجباری کردن پرداخت حق بیمه این قرارداد غیرقانونی توسط شرکت‌ها، به آن وجهه قانونی داده است. مبلغ حق بیمه اخذ شده از شرکت‌ها در یک سال و نیم گذشته چندین بار تغییر کرده به نحوی که با یک حساب سرانگشتی، در سال دوم قرارداد (یعنی از مرداد ۱۳۹۸ تا مرداد ۱۳۹۹) حدود ۷۰ میلیارد تومان اضافه بر مبلغ قرارداد از شرکت‌ها اخذ می‌شود و معلوم نیست این پول کجا می‌رود. رانندگان و کامیون‌داران که عموماً به صورت خویش فرما هستند و تابع قانون تأمین اجتماعی می‌باشند، اگر مایل به بیمه تکمیلی درمان و عمر باشند، باید خود اقدام کنند و کانون مذکور در این زمینه هیچ سمتی ندارد. مزید بر آن که هیچ رابطه کارگری و کارفرمایی بین شرکت‌های حمل و نقل و کامیون‌داران و رانندگان وجود ندارد."

متن مقررره مورد شکایت به شرح زیر است:

"۲- پیشنهاد سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای در مورد برقراری پوشش بیمه تکمیلی رانندگان بخش بار برون شهری مطرح گردید و با توجه به گزارش دبیرخانه شورا مبنی بر توافق انجام شده بین سازمان یاد شده و کانون انجمن‌های صنفی شرکت‌ها و مؤسسات حمل و نقل داخلی کالا، به شرح زیر به تصویب رسید: «کلیه شرکت‌ها و مؤسسات حمل بار برون شهری موظفند در موارد انعقاد قرارداد بیمه تکمیلی رانندگان از سوی تشکلهای صنفی کشوری یا استانی شرکت‌های مذکور، نسبت به پرداخت سهم حق بیمه مربوطه اقدام نمایند.»"

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی وزارت راه و شهرسازی به موجب لایحه شماره ۲۷۷۷۹/۷۳۰ - ۱۳۹۹/۳/۲۴ به طور خلاصه توضیح داده است که:

"الف) مبانی قانونی مصوبه ۲۰۵: طبق بند (الف) ماده ۲ آیین‌نامه ترکیب شورای عالی هماهنگی ترابری کشور، بررسی و تصویب ضوابط پیشنهادی وزارت راه و ترابری در مورد روابط بین مؤسسات ترابری و کامیونداران و اتوبوس‌داران به شورای مذکور محول گردیده است و آن شورا نیز طبق صلاحیت خود اقدام به تصویب بند ۲ مصوبه ۲۰۵ نموده است و در نهایت با انعقاد قرارداد بین کانون انجمن‌های صنفی کارفرمایان مؤسسات و شرکت‌های حمل و نقل کالاهای داخلی کشور و شرکت بیمه آتیه‌سازان حافظ، بیمه تکمیلی رانندگان عملیاتی شده است.

ب) عدم انطباق خواسته ستون دادخواست با مندرجات آن: شاکی درخواست ابطال بند ۲ مصوبه ۲۰۵ را کرده است، اما در شرح شکایت خود، دلیلی دال بر غیرقانونی بودن مصوبه مذکور یا صلاحیت شورای عالی هماهنگی ترابری در تصویب آن را ارائه نکرده و صرفاً به نحوه اجرا و انتخاب شرکت بیمه‌گر بیمه تکمیلی رانندگان و مواردی از این قبیل اشاره کرده است. حال آن که نحوه اجرای مقررات نمی‌توانند منجر به ابطال آن شوند.

ج) پاسخ به اظهارات شاکی: شرکت بیمه آتیه‌سازان حافظ، زیر مجموعه سازمان بیمه سلامت ایران (با تأمین از محل منابع مربوط) می‌باشد و در چارچوب قوانین از جمله قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و طبق اساسنامه خود از سال ۱۳۸۰ در حوزه بیمه‌های تکمیلی درمان فعالیت می‌نماید. سازمان دخالتی در تعیین محاسبه مبالغ واریزی بابت بیمه تکمیلی رانندگان ندارد. این مبالغ طبق هماهنگی به عمل آمده بین «کانون انجمن‌های صنفی کارفرمایان مؤسسات و شرکت‌های حمل و نقل کالای داخلی کشور» و «شرکت بیمه آتیه‌سازان حافظ» از محل درآمد مؤسسات و شرکت‌های حمل و نقل بوده و طبق مصوبه در سامانه مدیریتی کنترل بارنامه از ۱۳۹۷/۵/۱۵ محاسبه می‌شود.

رسیده باشد. بر این اساس دستورالعمل اجرایی دوره دکتری در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۳۱ به تصویب شورای دانشگاه رسید و مجدداً بند مربوط به مقالات در جهت شفافیت امر برای دانشجویان تا پیش از رسیدن به مرحله دفاع از رساله و همچنین ایجاد وحدت رویه در دانشکده‌ها، در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۸ شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه مطرح و وضوح آن مورد تأکید قرار گرفت طی نامه شماره ۱۳۹۹/۷/۱۳ - ۱۸۶۹۰/۱ جهت رعایت ابلاغ شده است. لذا هر آنچه که شاکی مغایر با مصوبات مذکور دانسته و خواهان ابطال نامه فوق‌الذکر شده است بر اساس اختیارات مصوب و در چارچوب قوانین و مقررات شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت عتف بوده است از طرف دیگر در این خصوص پرونده‌ای تحت شماره ۹۹۰۹۹۸۰۹۰۲۰۴۹۵۰ در شعبه ۳۵ دیوان عدالت اداری مطرح و در جریان رسیدگی است لذا رد شکایت مطروحه مورد استدعاست.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۵/۱۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

برمبنای ماده ۸ آیین‌نامه دوره دکتری مصوب ۱۳۸۹/۸/۸ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزش عالی که بر دانشجویان ورودی قبل از سال تحصیلی ۱۳۹۶ - ۱۳۹۵ حاکم است، دانشجوی پس از تدوین رساله و تأیید استاد راهنما و به شرط کفایت دستاوردهای علمی رساله (چاپ حداقل یک مقاله برای دانشجویان در شیوه آموزشی - پژوهشی و دو مقاله برای دانشجویان شیوه پژوهشی در مجلات علمی - پژوهشی دارای نمایه معتبر بین‌المللی) موظف است در حضور هیأت داوران از رساله خود دفاع کند. بنا به مراتب فوق، بند (۱) قسمت «ب» مصوبه شماره ۱۹/ت/۴۸۷ - ۱۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۸ شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی که براساس آن صدور مجوز دفاع برای دانشجویان دکتری ورودی سالهای ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ به چاپ حداقل یکی از مقالات در مجلات با نمایه ISI و دارای ضریب تأثیر در گزارش JCR منوط شده، خارج از حدود اختیار مرجع تصویب‌کننده آن است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۸۰۴۱۰۶

۱۴۰۰/۶/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۱۳ مورخ ۱۴۰۰/۶/۲ با موضوع: «ابطال بند ۲ مصوبه شماره ۲۰۵ - ۱۳۹۷/۵/۲۱ شورای عالی هماهنگی ترابری کشور» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۲ شماره دادنامه: ۱۴۱۳ شماره پرونده: ۹۸۰۴۱۰۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: شرکت حمل و نقل بزرگ سپهر

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۲ مصوبه شماره ۲۰۵ - ۱۳۹۷/۵/۲۱

شورای عالی هماهنگی ترابری کشور

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال بند ۲ مصوبه شماره ۲۰۵ -

۱۳۹۷/۵/۲۱ شورای عالی هماهنگی ترابری کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"کانون انجمن‌های صنفی شرکت‌های حمل و نقل کالا، که بر اساس ماده ۱۳۱ قانون کار به وجود آمده برای دفاع از منافع صنفی اعضا، به طور غیرقانونی اقدام به انعقاد قرارداد بیمه تکمیلی رانندگان کامیون در کل کشور با شرکت آتیه‌سازان حافظ نموده به شماره ۹ - ۱۳۹۷/۵/۱۴؛ در صورتی که اصولاً رانندگان عضو این کانون نمی‌باشند و برای خود انجمن و کانون جداگانه کارگری دارند. شورای عالی هماهنگی ترابری کشور در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۲۱ (یعنی ۷ روز بعد از امضاء آن قرارداد غیرقانونی) طبق مصوبه شماره ۲۰۵ شرکت‌های حمل و نقل را موظف به پرداخت حق بیمه مترتب بر این قرارداد، نموده و در واقع به یک قرارداد غیرقانونی وجهه رسمی و قانونی داده و شرکت‌ها موظف شده‌اند حق بیمه قراردادی را که غیرقانونی است بپردازند و اگر نپردازند، مدیران میانی سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای با استفاده از «فورس حکومتی» آنها را به تعطیلی می‌کشاند زیرا عدم صدور حواله بارنامه به معنی تعطیل شدن یک شرکت است.

نیرو ندارد و مقررات و مواد قانونی استناد شده از سوی شاکی از جمله مواد قانون کار و رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مربوط به پاداش سنوات استحقاقی است و نه پاداش سنوات تشویقی.

۲- بخشنامه معترض عنه به منظور نگهداشت نیروی انسانی شاغل در مشاغل سخت و زیان آور صادر گردیده و بنا به مقرر آن کارکنان در صورت درخواست بازنشستگی اختیاری، مطابق جدول بند ۱ علاوه بر پاداش سنوات استحقاقی و تکلیفی کارفرما، از پاداش سنوات تشویقی نیز بهره مند می‌شوند.

۳- بند ۳ بخشنامه معترض عنه (مبنای محاسبه پاداش سنوات) دارای ۲ بخش است: ۱- پاداش سنوات استحقاقی که به میزان سنوات اشتغال در شرکت می‌باشد. ۲- پاداش سنوات تشویقی که مازاد بر سنوات استحقاقی پرداخت می‌شود. از آنجا که نحوه پرداخت سنوات استحقاقی بر اساس دادنامه‌های شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۳۳۲۸ - ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۸۹۹ - ۱۳۹۹/۸/۵ هیأت تخصصی کار با بیمه و تأمین اجتماعی و بند (ب) ماده ۳۷ قانون کار جمهوری اسلامی ایران تعیین گردیده است لذا دادنامه مذکور طی نامه شماره ۹۹/۱۱۴۷۵/۵۳۰ - ۱۳۹۹/۱/۲۷ و بند ۱۶ بخشنامه شماره ۹۹/۱۲۴۰۰/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۹/۱/۲۷ وزارت نیرو به کلیه شرکت‌های مادر تخصصی جهت اجرا ابلاغ گردیده است، همچنین طی بند ۴ مصوبات جلسه شماره ۷۱ - ۱۳۹۹/۴/۱۰ کمیته سرمایه انسانی، پاداش سنوات استحقاقی کلیه کارکنان شاغل در شرکت‌های مذکور (اعم از عادی و یا سخت و زیان آور) به میزان کلیه اقلام مندرج در قرارداد کار یا حکم کارگزینی که حقوق نامیده می‌شود، پرداخت می‌شود. این در وضعیتی است که بند ۳ بخشنامه یاد شده صرفاً در خصوص پاداش سنوات تشویقی که مازاد بر پاداش استحقاقی است، قابلیت اجرا دارد. به عبارت دیگر پاداش تشویقی به عنوان مازاد بر پاداش استحقاقی که بنا به درخواست و اعلام رضایت کارکنان انجام می‌پذیرد تفاوتی در ماهیت وجود ندارد که به صورت مبلغ مقطوع یا مبنای دیگری برای پرداخت آن منظور گردد.

۴- پاداش سنوات تشویقی در چارچوب توافقات طرفین و در راستای مواد ۱۰ و ۲۳۱ قانون مدنی صورت می‌پذیرد، لذا با توجه به رضایت حاصله، ادعای ابطال اقدامات صورت گرفته از زمان تصویب فاقد توجیه و محمل قانونی است.

علیهذا با عنایت به مراتب فوق و اینکه بخشنامه معترض عنه فاقد هرگونه ایراد شرعی و قانونی بوده و دلیلی بر مغایرت مصوبه مورد شکایت با قوانین جاری کشور ارائه نگردیده، لذا اتخاذ تصمیم شایسته دایر بر رد شکایت مطروحه توسط آن مرجع مورد استدعاست. ضمناً خواهشمند است دستور فرمایند نمایندگان وزارت نیرو جهت ادای توضیحات لازم در جلسه رسیدگی حضور یابند.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: براساس رأی شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۳۳۲۸ - ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و رأی شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۸۹۹ - ۱۳۹۹/۸/۵ هیأت تخصصی کار، بیمه و تأمین اجتماعی دیوان عدالت اداری و با عنایت به مفاد مواد ۲۴، ۳۱، ۳۴ و ۳۵ قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۹ پاداش سنوات استحقاقی به میزان کلیه اقلام مندرج در قرارداد کار یا حکم کارگزینی که حقوق نامیده می‌شود، تعیین می‌گردد. ثانیاً: در بند ۳ بخشنامه معترض عنه، علی‌الاطلاق مبنای محاسبه جهت تعیین پاداش سنوات اعم از استحقاقی و تشویقی (حقوق مینا + فوق‌العاده جذب) بیان گردیده و دلیلی مبنی بر اینکه این مبنای محاسبه مختص پاداش تشویقی است و پاداش استحقاقی را در برنمی‌گیرد، وجود ندارد. ثالثاً: در بخشنامه شماره ۹۹/۱۲۴۰۰/۵۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۸۶/۵/۷ وزیر نیرو نیز که بند ۳ بخشنامه مورد شکایت مبنای محاسبه پاداش سنوات را به آن بخشنامه ارجاع داده، هیچ تفکیکی بین تعیین پاداش سنوات اعم از استحقاقی و تشویقی صورت نگرفته و صرفاً علی‌الاطلاق با احتساب فوق‌العاده جذب و نگهداری در محاسبه پاداش پایان خدمت و اضافه کاری جهت مشمولین قانون کار که شاغل هستند، موافقت شده است. بنا به مراتب فوق، اطلاق بند ۳ بخشنامه شماره ۹۹/۱۲۴۰۰/۵۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۴ که علی‌الاطلاق مبنای محاسبه جهت تعیین پاداش سنوات اعم از استحقاقی و تشویقی را حقوق مینا + فوق‌العاده جذب بیان داشته، مغایر با قوانین و مقررات مذکور و خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب‌کننده آن است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

باشد و بخشنامه خلاف قانون منشاء اثر نیست. متأسفانه وزارت نیرو به استناد بخشنامه فوق‌الذکر و دفتر توسعه منابع انسانی شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی به‌موجب نامه شماره ۹۹/۵/۵۴/۹۷۶۸ - ۱۳۹۹/۶/۱۵ اقدام به صدور بخشنامه خلاف قانون نموده و نحوه پرداخت سنوات پایان کار را صرفاً حقوق مینا و فوق‌العاده جذب تعیین و اجرا کرده. در همین راستا بخشنامه‌های مشابه خلاف قانون کار پرداخت پاداش سنوات بازنشستگان اختیاری شماره ۹۴/۲۱۳۸۸/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۴/۴/۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری طی دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۳۳۲۸ - ۱۳۹۹/۱۱/۲۹ که مبنای محاسبه جهت پاداش سنوات (حقوق مینا + فوق‌العاده جذب) را غیرقانونی تشخیص داده و آن را ابطال می‌کند. ب - وزیر نیرو نیز در راستای تمکین دادنامه شماره ۳۳۲۸ - ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اقدام به صدور بخشنامه جدید تحت شماره ۹۹/۱۳۴۰۰/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۹/۱/۷ نمود. در بند ۱۷ این بخشنامه، بخشنامه سابق موضوع دادنامه ۳۳۲۸ با اصلاحات بعدی آن را لغو نموده است و طبق بند ۱۶ این بخشنامه وزیر نیرو به کلیه شرکت‌های مادر تخصصی و شرکت‌های وابسته (غیردولتی) دستور داد که مکلفند پاداش سنوات پایان کار با رعایت دادنامه شماره ۳۳۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری پرداخت نمایند. اما متأسفانه شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی مطابق نامه شماره ۹۹/۵/۵۴/۹۷۶۸ - ۱۳۹۹/۶/۱۵ و نامه شماره ۹۹/۱۴۵۷/۵۴۰/۱۴۵۷ - ۱۳۹۹/۸/۲۸ و شرکت مدیریت تولید برق شازند نیز مطابق نامه شماره ۳۴۹۵/۲۰۰۰ اعلام می‌دارند که دادنامه شماره ۳۳۲۸ موضوع بخشنامه بازنشستگی عادی و اختیاری) می‌باشد و بخشنامه معترض عنه را مشمول دادنامه ۳۳۲۸ هیأت عمومی نمی‌داند. لذا بخشنامه معترض عنه بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور تاکنون ابطال و اصلاح نشده. بر همین اساس سنوات پایان کار مطابق بند ۳ آن صرفاً حقوق مینا + فوق‌العاده جذب پرداخت می‌شود.

۴- طبق اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی، مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود و همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و طبق ماده ۳۸ قانون کار، برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود، تبعیض در تعیین میزان مزد بر اساس سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است حال چرا وزارت نیرو و شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی شرکت مدیریت تولید برق شازند برخلاف مواد فوق‌الذکر و رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری علی‌الخصوص رأی وحدت رویه شماره ۱۸۶ - ۱۳۹۸/۲/۱۷ و دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۳۳۲۸ - ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ و بخشنامه جدیدالصدور وزارت نیرو به شماره ۹۹/۱۲۴۰۰/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۹/۲/۷ بند ۱۶ از پرداخت واقعی سنوات پایان کار استنکاف نموده و سنوات قانونی اینجانب و امثالهم را نقض و تضییع می‌نمایند. لذا با تقدیم این شکایت و نظر به بند ۲۴ شرح حکم بازنشستگی درخواست رسیدگی و ابطال بند ۳ بخشنامه شماره ۹۹/۵/۵۴/۹۷۶۸/۱۰۰ را از زمان تصویب مورد استدعا می‌باشد.

متن بخشنامه مورد اعتراض به شرح زیر است:

کلیه شرکت‌های مادر تخصصی

موضوع: بازنشستگی مشاغل سخت شرکت‌های وابسته

به منظور نگهداشت نیروی انسانی شاغل در مشاغل سخت و زیان آور شرکت‌های وابسته غیردولتی (مدیریت تولید برق، توزیع نیروی برق، آب و فاضلاب شهری و استانی، بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی) و در راستای افزایش انگیزش و بهره‌وری مطلوب نیروی انسانی که واجد شرایط بازنشستگی اختیاری می‌باشند، موافقت می‌گردد موارد زیر از تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱ اعمال شود.

۳- مبنای محاسبه جهت تعیین پاداش سنوات در چارچوب بخشنامه شماره ۹۹/۵/۵۴/۹۷۶۸/۱۰۰ - ۱۳۸۶/۵/۷ (حقوق مینا + فوق‌العاده جذب) می‌باشد.

مسئولیت اجرای این بخشنامه در شرکت‌های وابسته (غیردولتی) به عهده مدیرعامل شرکت و مسئولیت نظارت بر حسن اجرا، به عهده مدیران عامل شرکت‌های مادر تخصصی و مجامع عمومی ذیربط می‌باشد. - وزیر نیرو

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی وزارت نیرو به موجب لایحه شماره ۹۹/۴۹۲۶۸/۴۱۰ - ۱۳۹۹/۱۲/۲۰ توضیح داده است که:

۱- مطابق بند (پ) ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، شاکی باید در درخواست خود حکم شرعی یا مواد قانونی که ادعای مغایرت مصوبه با آن شده است و همچنین مطابق بند (ت) همان ماده باید «دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب‌کننده» را تصریحاً بیان نماید، در حالی که مستندات قانونی مورد نظر شاکی اساساً هیچ گونه ارتباطی با موضوع بخشنامه صادره توسط وزارت

شماره ۹۹۰۲۶۶۸

۱۴۰۰/۶/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰/۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۱۵ مورخ ۱۴۰۰/۶/۲ با موضوع: «ابطال عبارت «کارفرمایان بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی می‌توانند صرفاً از کسر سهم حق بیمه درمان پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده از حق بیمه» در بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۴۴ - ۱۳۹۸/۵/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۲ شماره دادنامه: ۱۴۱۵ شماره پرونده: ۹۹۰۲۶۶۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای شاهین امیرقاسمی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال عبارت «کارفرمایان بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی می‌توانند صرفاً از کسر سهم حق بیمه درمان پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده از حق بیمه» در بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۴۴ - ۱۳۹۸/۵/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال عبارت «کارفرمایان بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی می‌توانند صرفاً از کسر سهم حق بیمه درمان پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده از حق بیمه» در بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۴۴ - ۱۳۹۸/۵/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«بیمه تأمین اجتماعی به عنوان یک بیمه پایه شناخته شده در جامعه است که ماهیت اجباری دارد و هدف آن ارائه بخشی از خدمات عمومی دولت در حوزه تأمین رفاه اجتماعی است که منابع آن از مالیات جدا شده و در قالب بیمه اجباری از حقوق شاغلان کسر می‌گردد. حق بیمه پرداختی هر کارگر (منظور کارکنان تحت پوشش تأمین اجتماعی است) معادل ۳۰٪ حقوق وی است که ۲۳٪ آن توسط کارفرما و ۷٪ دیگر را کارگر پرداخت می‌کند. کل مبلغ بیمه پرداختی سهم کارفرما ۲۳٪ به عنوان هزینه‌های جاری در دفاتر ثبت و از درآمد مشمول مالیات شرکت کسر می‌شود. در حقیقت از مبلغ پرداختی سهم شرکت به سازمان تأمین اجتماعی مالیاتی کسر نمی‌شود. از سهم بیمه پرداختی کارگران ۷٪ به سازمان تأمین اجتماعی بر طبق بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۴۴ - ۱۳۹۸/۵/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور که بعد از آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۵۹۱ - ۱۳۹۸/۴/۱۱ صادر گردیده است، فقط بخشی از آن که بابت درمان است قابل کسر از درآمد مشمول مالیات دانسته شده است و باقیمانده به عنوان درآمد کارگر مشمول مالیات می‌شود. بر طبق بند (ج) ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم حق بیمه سهم کارکنان و کارفرما دریافتی سازمان تأمین اجتماعی از پرداخت مالیات معاف است و همان طور که در بند اول شرح شکایت نیز ذکر شده است منابع مالی سازمان تأمین اجتماعی از مالیات جدا شده است ولی سازمان امور مالیاتی کشور قبل از پرداخت سهم بیمه کارگر به سازمان تأمین اجتماعی که جنبه مستمر و اجباری دارد مالیات آن را به عنوان درآمد کارگر کسر می‌کند. لذا با توجه به موارد ذکر شده از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خواهشمند است که نسبت به تصحیح بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۴۴ سازمان امور مالیاتی کشور رأی مقتضی صادر نماید به طوری که در سطر پنجم بند ۱ بخشنامه فوق‌الذکر جمله «صرفاً با کسر سهم حق بیمه درمان پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده» حذف شده و به جای آن جمله «با کسر حق بیمه پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده» جایگزین گردد.»

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری برای شاکي ارسال شده بود، وی به موجب نامه مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸، ابطال بند ۱ از بخشنامه مورد اعتراض را خواستار شده بود.

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

شماره ۱۳۹۸/۵/۱۴ - ۲۰۰/۹۸/۴

بخشنامه

م	۱۳۷	۹۸	۴۴
---	-----	----	----

مخاطبان/دینفعان	امور مالیاتی شهر و استان تهران
موضوع	کسر هزینه‌ها و انواع بیمه‌های عمر و زندگی و درمانی از درآمد مشمول مالیات ادارات کل امور مالیاتی

نظر به اصلاح ماده ۱۳۷ قانون مالیات‌های مستقیم به موجب اصلاحیه مورخ ۱۳۹۴/۴/۳۱ که بر اساس ماده ۲۸۱ آن از ابتدای سال ۱۳۹۵ لازم‌الاجرا می‌باشد و جایگزین شدن عبارت «انواع بیمه‌های عمر و زندگی» به جای عبارت «بیمه عمر» در ماده مذکور بدین وسیله ضمن ارسال آیین‌نامه شماره ۶۸ مصوب شورای عالی بیمه در خصوص بیمه‌های زندگی و اصلاحات بعدی آن مقرر می‌دارد:

۱- کسر حق بیمه‌های پرداختی درمانی حقوق‌بگیر و افراد تحت تکفل و حق بیمه پرداختی بابت انواع بیمه‌های عمر و زندگی شخص حقوق‌بگیر از درآمد مشمول مالیات حقوق بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی و سازمان خدمات درمانی و سایر مؤسسات بیمه‌گر که پرداخت حقوق آنان معمولاً به صورت ماهیانه صورت می‌پذیرد توسط کارفرمایان ذیربط و با ارائه اسناد مربوط فاقد اشکال است. کارفرمایان بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی می‌توانند صرفاً با کسر سهم حق بیمه درمان پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده از حق بیمه موضوع مواد ۳، ۷، ۲۸ و ۲۹ قانون تأمین اجتماعی و کارفرمایان بیمه‌شدگان سازمان خدمات درمانی و سایر مؤسسات بیمه‌گر ایرانی نیز می‌توانند با کسر کل سهم حق بیمه پرداختی درمانی حقوق‌بگیران بیمه شده خود از درآمد مشمول مالیات حقوق آنان و قید میزان آن در فهرست‌های حقوق تسلیمی به اداره امور مالیاتی ذیربط، مالیات متعلق را محاسبه نمایند.»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی و قراردادهای مالیاتی (وزارت امور اقتصادی و دارایی) به موجب لایحه شماره ۲/۱۲/۲۰۶۱۱ - ۱۳۹۹/۱۲/۱۷ توضیح داده است که:

«در خصوص پرونده کلاسه ۹۹۰۲۶۶۸ و به شماره پرونده ۹۹۰۹۹۸۰۹۰۲۲۰۱۲۷۹ موضوع دادخواست آقای شاهین امیرقاسمی به خواسته اصلاح عبارت «صرفاً با کسر سهم حق بیمه درمان پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده از بند ۱ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۴۴ - ۱۳۹۸/۵/۱۴، موارد زیر را اعلام می‌دارد:

الف - ایراد شکلی مربوط به خواسته شاکي: پس از ابلاغ اخطار رفع نقض به شاکي در اجرای بند ۳ ماده ۸۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، ایشان موضوع درخواست خود را اصلاح عبارتی از بند ۱ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۴۴ - ۱۳۹۸/۵/۱۴ عنوان کرده است، لیکن اصلاح مصوبات دولتی از مصادیق مقرر در بند ۱ ماده ۱۲ قانون پیش گفته از حیث موارد صلاحیت و وظایف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شمار نمی‌آید از این روی درخواست نامبرده در هیأت عمومی دیوان قابل رسیدگی نمی‌باشد.

ب - توضیح درباره مستندات قانونی بند ۱ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۴۴ - ۱۳۹۸/۵/۱۴: بر اساس ماده ۸۳ قانون مالیات‌های مستقیم «درآمد مشمول مالیات حقوق عبارت است از حقوق (مقرری یا مزد یا حقوق اصلی) و مزایای مربوط به شغل اعم از مستمر یا غیرمستمر قبل از وضع کسور و پس از کسر معافیت‌های مقرر در این قانون». به موجب مفاد ماده ۱۳۷ قانون مالیات‌های مستقیم: «هزینه‌های درمانی پرداختی هر مودی بابت معالجه خود و یا همسر، اولاد، پدر، مادر، برادر و خواهر تحت تکفل در یک سال مالیاتی ... همچنین حق بیمه پرداختی هر شخص حقیقی به مؤسسات بیمه‌ایرانی بابت انواع بیمه‌های عمر و زندگی و بیمه‌های درمانی از درآمد مشمول مالیات مودی کسر می‌گردد...»

با توجه به مراتب فوق از آنجا که در ماده ۱۳۷ یاد شده به کسر حق بیمه درمان پرداختی حقوق‌بگیران اشاره شده است، بنابراین صرفاً حق بیمه مذکور قابل کسر از درآمد مشمول مالیات خواهد بود و به صراحت ماده ۸۳ صدرالذکر سایر کسورات که در قانون معافیتی برای آن پیش‌بینی نشده است، قابل کسر از درآمد مشمول مالیات حقوق نمی‌باشد. ضمناً با توجه به اصل ۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مقرر می‌دارد: «هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود.» کسر کل حق بیمه پرداختی کارکنان از درآمد مشمول مالیات (مازاد بر حق بیمه درمان)، نیازمند تصویب آن از سوی مرجع قانون‌گذاری می‌باشد. خاطر نشان می‌گردد مقررات بند (ج) ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم صرفاً ناظر بر اعمال معافیت بر درآمد صندوق‌های بازنشستگی سازمان بیمه خدمات درمانی و سازمان تأمین اجتماعی و صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر بوده و فاقد حکم خاص در خصوص مالیات بر درآمد حقوق می‌باشد. مندرجات صدر بخشنامه مورد اشاره (۲۰۰/۹۸/۴۴ - ۱۳۹۸/۵/۱۴) نیز به صراحت گویای این نکته است که مقررات بخشنامه مذکور با امعان نظر به اصلاح ماده ۱۳۷ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ تدوین شده است. با توجه به توضیحات یاد شده و عدم قابلیت رسیدگی به درخواست اصلاح بخشنامه در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اتخاذ تصمیم شایسته مبنی بر رد درخواست نامبرده مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

به موجب ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم: «هزینه‌های درمانی پرداختی هر مؤدی بابت معالجه خود یا همسر و اولاد و پدر و مادر و برادر و خواهر تحت تکفل در یک سال مالیاتی به شرط اینکه اگر دریافت‌کننده مؤسسه درمانی یا پزشک مقیم ایران باشد دریافت وجه را گواهی نماید و چنانچه به تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به علت فقدان امکانات لازم معالجه در خارج از ایران صورت گرفته است پرداخت هزینه مزبور به گواهی مقامات رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران در کشور محل معالجه یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده باشد، همچنین حق بیمه پرداختی هر شخص حقیقی به مؤسسات بیمه‌ای بابت انواع بیمه‌های عمر و زندگی و بیمه‌های درمانی از درآمد مشمول مالیات مؤدی کسر می‌گردد. در مورد معلولان و بیماران خاص و صعب‌العلاج علاوه بر هزینه‌های مذکور هزینه مراقبت و توانبخشی آنان نیز قابل کسر از درآمد مشمول مالیات معلول یا بیمار یا شخصی که تکفل او را عهده‌دار است، می‌باشد.»

نظر به اینکه به موجب حکم این ماده در مورد کسر حق بیمه پرداختی هر شخص حقیقی به مؤسسات بیمه‌ای از درآمد مشمول مالیات مؤدی، قانونگذار در مقام بیان میان انواع بیمه‌های عمر و زندگی و بیمه‌های درمانی تفاوتی قائل نشده است و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز به موجب رأی شماره ۲۷۹ - ۱۴۰۰/۲/۲۸ خود این امر را مورد تأیید قرار داده، بنابراین عبارت «کارفرمایان بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی می‌توانند صرفاً با کسر سهم حق بیمه درمان پرداختی حقوق بگیران بیمه شده از حق بیمه...» در بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۴۴ - ۱۳۹۸/۵/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور که پذیرش حق بیمه پرداختی (به عنوان کسر از مأخذ مالیات) را منحصر به حق بیمه درمان کرده، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۲۹۹۵

۱۴۰۰/۶/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰/۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۱۶ مورخ ۱۴۰۰/۶/۲ با موضوع: «ابطال تذکر شماره ۱ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۴۴ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۲ شماره دادنامه: ۱۴۱۶ شماره پرونده: ۹۹۰۲۹۹۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای بهمن زبردست

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تذکر شماره ۱ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۴۴

مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال تذکر شماره ۱ بخشنامه شماره

۲۰۰/۹۸/۴۴ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور را خواستار شده و در جهت

تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«با سلام و احترام به استحضار می‌رساند در ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم مقرر شده «حق بیمه پرداختی هر شخص حقیقی به مؤسسات بیمه‌ای بابت انواع بیمه‌های عمر و زندگی و بیمه‌های درمانی از درآمد مشمول مالیات مودی کسر می‌گردد. عبارت: «انواع بیمه‌های عمر و زندگی» که به موجب بند ۳۳ ماده واحده قانون اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ جایگزین عبارت «بیمه عمر» شده نشان از تأکید مقنن در خصوص کسر هرگونه پرداختی بابت انواع بیمه‌های عمر و زندگی از درآمد مشمول مالیات مودی است. با این همه در تذکر ۱ بند ۳ بخشنامه مورد اعتراض مقرر شده «صرفاً حق بیمه پرداختی بابت پوشش خطر اصلی انواع بیمه‌های عمر و زندگی موضوع بندهای (الف، ب، ج، د) ماده ۲ آیین‌نامه پیوست قابل کسر از درآمد مشمول مالیات است و حق بیمه‌های پرداختی مازاد جهت پوشش تکمیلی خطرات اضافی یا پوشش تکمیلی بیمه‌های مزبور موضوع تبصره‌های اصلاحی موضوع آیین‌نامه شماره ۶۸/۳ پیوست قابل کسر نمی‌باشد.» آنچه که با عنوان «پوشش تکمیلی خطرات اضافی یا پوشش تکمیلی بیمه‌های مزبور موضوع تبصره‌های اصلاحی موضوع آیین‌نامه شماره ۶۸/۳» مستثنی شده براساس تبصره ۲ آیین‌نامه شماره ۶۸/۳ مذکور عبارت است از «تعهدپرداخت سرمایه یا مستمری اضافی در صورت فوت یا نقص عضو ناشی از حادثه پرداخت سرمایه و یا معافیت از پرداخت

حق بیمه در صورت از کارافتادگی دائم (اعم از کلی یا جزئی)» به هر علت پرداخت بخشی از سرمایه فوت در صورت ابتلا به بیماریهای خاص و جبران هزینه پزشکی ناشی از حادثه» لذا از آنجا که این نوع بیمه هم صرفاً یکی از انواع بیمه‌های عمر و زندگی است و سازمان امور مالیاتی مانند انواع بیمه‌های درمانی تکمیلی که صرف نظر از نوع و میزان پوشش کسر هزینه‌های آن از درآمد مشمول مالیات را می‌پذیرد. در مورد بیمه‌های عمر و زندگی نیز باید به همین شیوه عمل می‌کرد، درخواست ابطال عبارت «صرفاً حق بیمه پرداختی بابت پوشش خطر اصلی انواع بیمه‌های عمر و زندگی موضوع بندهای (الف، ب، ج، د) ماده ۲ آیین‌نامه پیوست قابل کسر از درآمد مشمول مالیات است و حق بیمه‌های پرداختی مازاد جهت پوشش تکمیلی خطرات اضافی یا پوشش تکمیلی بیمه‌های مزبور موضوع تبصره‌های اصلاحی موضوع آیین‌نامه شماره ۶۸/۳ پیوست قابل کسر نمی‌باشد» از بخشنامه را به دلیل مغایرت با متن مصرح ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم و نیز خارج از حدود اختیارات بودن ذکر چنین استثنایی دارم.

متن بخشنامه مورد اعتراض به شرح زیر است:

«بخشنامه

۴۴	۹۸	۱۳۷	م
----	----	-----	---

مخاطبان/ذینفعان	امور مالیاتی شهر و استان تهران
موضوع	کسر هزینه‌ها و انواع بیمه‌های عمر و زندگی و درمانی از درآمد مشمول مالیات
ادارات کل امور مالیاتی	

نظر به اصلاح ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم به موجب اصلاحیه مورخ ۱۳۹۴/۴/۳۱ که براساس ماده ۲۸۱ آن از ابتدای سال ۱۳۹۵ لازم‌الاجرا می‌باشد و جایگزین شدن عبارت «انواع بیمه‌های عمر و زندگی» به جای عبارت «بیمه عمر» در ماده مذکور بدین وسیله ضمن ارسال آیین‌نامه شماره ۶۸ مصوب شورای عالی بیمه در خصوص بیمه‌های زندگی و اصلاحات بعدی آن مقرر می‌دارد:

تذکر ۱- حق بیمه انواع بیمه‌های عمر و زندگی بابت افراد تحت تکفل مشمول مقررات این ماده نخواهد بود و صرفاً حق بیمه پرداختی بابت پوشش خطر اصلی انواع بیمه‌های عمر و زندگی موضوع بندهای (الف، ب، ج، د) ماده ۲ آیین‌نامه پیوست قابل کسر از درآمد مشمول مالیات است و حق بیمه‌های پرداختی مازاد جهت پوشش تکمیل خطرات اضافی یا پوشش تکمیلی بیمه‌های مزبور موضوع تبصره‌های اصلاحی موضوع آیین‌نامه شماره ۶۸/۳ پیوست قابل کسر نمی‌باشد.» - رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی و قراردادهای مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور به موجب لایحه شماره ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ ص - ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ توضیح داده است که:

«بر اساس ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم اصلاحی مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱: «هزینه‌های درمانی پرداختی هر مودی بابت معالجه خود و یا همسر، اولاد، پدر، مادر، برادر و خواهر تحت تکفل، در یک سال مالیاتی به شرط اینکه اگر دریافت‌کننده مؤسسه درمانی یا پزشک مقیم ایران باشد دریافت وجه را گواهی نماید و چنانچه به تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به علت فقدان امکانات لازم معالجه در خارج از ایران صورت گرفته است پرداخت هزینه مزبور به گواهی مقامات رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران در کشور محل معالجه یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده باشد، همچنین حق بیمه پرداختی هر شخص حقیقی به مؤسسات بیمه‌ای بابت انواع بیمه‌های عمر و زندگی و بیمه‌های درمانی از درآمد مشمول مالیات مودی کسر می‌گردد...» بر اساس قسمت اخیر ماده یاد شده حق بیمه پرداختی هر شخص حقیقی به مؤسسات بیمه‌ای بابت انواع بیمه‌های عمر و زندگی از درآمد مشمول مالیات مودی مورد حکم واقع شده است، در حالی که به موجب مفاد تبصره ۲ ماده ۲ آیین‌نامه شماره ۶۸/۳ مصوب شورای عالی بیمه: مؤسسات بیمه زندگی و مستمری مجاز به صدور مستقل پوشش‌های تکمیلی مذکور در این تبصره از قبیل: قبول تعهد پرداخت سرمایه یا مستمری اضافی در صورت فوت یا نقص عضو ناشی از حادثه پرداخت سرمایه و ... نیستند و شرایط این گونه پوشش‌های بیمه‌ای باید حسب مورد منطبق با شرایط عمومی مربوط مصوب شورای عالی بیمه یا شرایط عمومی مورد تأیید بیمه مرکزی باشد. بنابراین با توجه به اینکه به موجب مقررات تبصره ۲ یاد شده در خصوص سایر تعهدات در بیمه‌های عمر و زندگی برای مؤسسات بیمه ممنوعیت پیش‌بینی شده است، پذیرش هزینه‌های مربوط به حق بیمه‌های پرداختی مازاد جهت پوشش تکمیلی خطرات اضافی یا پوشش تکمیلی بیمه‌های مزبور به دلیل فقد مجوز قانونی امکان پذیر نمی‌باشد. در پایان لازم به ذکر است برخلاف مقایسه و ادعای شاکي مبنی بر اینکه هزینه‌های مربوط به بیمه درمان تکمیلی توسط سازمان امور مالیاتی از درآمد مشمول مالیات مودی کسر می‌شود، با توجه به صدور دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۲۸۹۵ - ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۲۸۹۵ هیأت عمومی دیوان عدالت

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال مواد ۱۷ و ۱۶ آیین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری (موضوع تصویب نامه شماره ۴۴۲۹۵/۲۰۴۶۱ - ۱۳۸۹/۱/۳۱ هیأت وزیران) را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که:

" ماده ۱۲۰ قانون مدیریت خدمات کشوری «مأموریت» را یکی از حالات کارمندان رسمی تعیین کرده است و تسری آن به سایر وضعیت‌های استخدامی از جمله پیمانی و قراردادی بر خلاف ماده مذکور است. ماده ۷ قانون مدیریت نیز کارمند دستگاه اجرایی را تعریف کرده است و در ماده ۵ قانون مذکور نیز دستگاه اجرایی تعریف شده است لذا مأمور شدن کارمندان در مؤسسات غیردولتی مغایر با خدمت کارمند در دستگاه اجرایی موضوع تعریف ماده ۷ قانون مذکور است چرا که عملاً منفصل کننده مأمور از خدمت در دستگاه اجرایی خواهد بود و کارمند به شغلی مشغول می‌شود که در ساختار سازمانی موضوعیتی ندارد. در بند (ب) ماده ۱۱۶ قانون مدیریت خدمات کشوری از وظایف شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی موافقت با مأموریت کارکنان به مؤسسات غیردولتی نمی‌باشد و وظایف آن شورا همخوان با شکل و ماهیت آنچه که در مقررات مورد شکایت تحمیل شده نمی‌باشد و این اقدامی خارج از حدود اختیار و مغایر با قانون می‌باشد."

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

" «معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور:

«آیین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری»

.....

ماده ۱۷ - اعزام کارمندان مشمول قانون به صورت مأمور به سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی که مأموریت به آنها در قالب این آیین نامه امکان پذیر نباشد، حسب مورد بنا به پیشنهاد سازمان یا مؤسسه ذی ربط و تصویب شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی امکان پذیر است. مرجع پرداخت حقوق و فوق العاده‌ها و سقف تعداد کارمندان مأمور و حفظ یا عدم حفظ پست سازمانی این قبیل مأموران در مصوبه شورا تعیین خواهد شد. در پاسخ به شکایت مذکور، معاون امور حقوقی دولت به موجب لایحه شماره ۴۴۱۳۶/۱۴۰۸۵۰ - ۱۳۹۹/۱۲/۳، نامه شماره ۲۷۷۶۵۴ - ۱۳۹۹/۹/۱۵، رئیس امور حقوقی و مجلس سازمان اداری و استخدامی کشور را ارسال کرده است که متن آن به طور خلاصه به قرار زیر است:

" ۱- بند (الف) ماده ۲ دستورالعمل اجرایی نحوه انتخاب و انتصاب مدیران حرفه‌ای دستگاه‌های اجرایی کشور مصوب شورای عالی اداری از جمله شرایط عمومی انتصاب مدیران حرفه را داشتن رابطه استخدام رسمی، پیمانی و قراردادی در سقف ماده ۳۲ قانون مدیریت در نظر گرفته است ۲- حفظ پست سازمانی شخص مأمور به معنای تصدی آن نمی‌باشد چرا که صرفاً آن پست سازمانی بلوکه شده و قابل انتصاب به شخص دیگری نمی‌باشد و حفظ پست سازمانی - انی به جهت جنبه حمایتی و ایجاد امنیت شغلی کارمند است. ۳- در ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری آیین نامه نحوه انتقال و مأموریت برای کلیه کارمندان مشمول آن قانون بر شمرده شده نه صرفاً کارمندان رسمی ۴- پیش بینی شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی به عنوان مرجع تصویب و اعزام و مأموریت کارمندان مشمول قانون موصوف در ماده ۱۷ آیین نامه به منظور ایجاد وحدت رویه و استفاده از توان فنی و تخصصی کارمندان در سایر بخش‌ها بوده و این اختیارات برگرفته از جزء ۵ ردیف (ب) ماده ۱۱۶ قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشد ۵ - مقرر مورد شکایت از سوی هیچ یک از مراجع نظارتی و قانونی مغایر با قانون واقع نشده و ابطال نشده است."

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی استخدامی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۹۷ - ۱۴۰۰/۴/۱۹ - ۱۶ آیین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری (موضوع تصویب نامه شماره ۴۴۲۹۵/۲۰۴۶۱ - ۱۳۸۹/۱/۳۱ هیأت وزیران) را مغایر با قانون یا خارج از حدود اختیارات ندانسته و قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان قطعیت یافت. «رسیدگی به ماده ۱۷ آیین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری (موضوع تصویب نامه شماره ۴۴۲۹۵/۲۰۴۶۱ - ۱۳۸۹/۱/۳۱ هیأت وزیران) در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: به موجب ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶، امکان انتقال و مأموریت کارمندان مشمول قانون مذکور به سایر دستگاه‌های اجرایی پیش‌بینی

اداری که در پی درخواست اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری سازمان امور مالیاتی کشور نسبت به دادنامه ۴۳۲ - ۱۳۹۶/۵/۱۰ هیأت عمومی مبنی بر عدم ابطال بخشنامه سازمان امور مالیاتی مبنی بر شمول مالیات بر ارزش افزوده به بیمه تکمیلی صادر گردید، سازمان امور مالیاتی کشور هزینه‌های مربوط به بیمه درمان تکمیلی مودی را نیز از درآمد مشمول مالیات وی کسر نمی‌نماید. با توجه به مراتب فوق استدعای رسیدگی و رد شکایت را دارد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس ماده ۱۳۷ قانون مالیات‌های مستقیم: «هزینه‌های درمانی پرداختی هر مؤدی بابت معالجه خود یا همسر و اولاد و پدر و مادر و برادر و خواهر تحت تکفل در یک سال مالیاتی به شرط اینکه اگر دریافت کننده مؤسسه درمانی یا پزشک مقیم ایران باشد دریافت وجه را گواهی نماید و چنانچه به تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به علت فقدان امکانات لازم معالجه در خارج از ایران صورت گرفته است پرداخت هزینه مزبور به گواهی مقامات رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران در کشور محل معالجه یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده باشد، همچنین حق بیمه پرداختی هر شخص حقیقی به مؤسسات بیمه‌ایرانی بابت انواع بیمه‌های عمر و زندگی و بیمه‌های درمانی از درآمد مشمول مالیات مؤدی کسر می‌گردد.» نظر به اینکه برخلاف عموم حکم مقرر در ماده مذکور، به موجب تذکر شماره ۱ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۴۴ - ۱۳۹۸/۵/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور مقرر شده است که: «... صرفاً حق بیمه پرداختی بابت پوشش خطر اصلی انواع بیمه‌های عمر و زندگی موضوع بندهای (الف، ب، ج، د) ماده ۲ آیین نامه پیوست قابل کسر از درآمد مشمول مالیات است و حق بیمه‌های پرداختی مازاد جهت پوشش تکمیلی خطرات اضافی یا پوشش تکمیلی بیمه‌های مزبور موضوع تبصره‌های اصلاحی موضوع آیین نامه شماره ۶۸/۳ پیوست قابل کسر نمی‌باشد» و این در حالی است که در تبصره‌های اصلاحی ماده ۲ آیین نامه بیمه‌های زندگی و مستمری (موضوع آیین نامه مکمل بیمه‌های زندگی و مستمری مصوب ۱۳۹۶/۵/۲۹ شورای عالی بیمه) به تعهد پرداخت سرمایه یا مستمری اضافی در صورت فوت یا نقص عضو ناشی از حادثه، پرداخت سرمایه و یا معافیت از پرداخت حق بیمه در صورت از کارافتادگی دائم (اعم از کلی و جزئی) به هر علت و پرداخت بخشی از سرمایه فوت در صورت ابتلا به بیماریهای خاص و جبران هزینه پزشکی ناشی از حادثه به عنوان تعهدات قابل اجرا توسط مؤسسات بیمه زندگی و مستمری تصریح شده است و این موارد هم از مصادیق بیمه‌های عمر و زندگی هستند، لذا مقرر مورد شکایت به دلیل خارج کردن این موارد از شمول حکم مقرر در ماده ۱۳۷ قانون مالیات‌های مستقیم مبنی بر کسر حق بیمه پرداختی بابت بیمه‌های عمر و زندگی از درآمد مشمول مالیات مؤدی، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتهلی مظفری

شماره ۹۹۰۱۹۰۷

۱۴۰۰/۶/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۱۷ مورخ ۱۴۰۰/۶/۲ با موضوع: «ابطال ماده ۱۷ آیین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری (موضوع تصویب نامه شماره ۴۴۲۹۵/۲۰۴۶۱ - ۱۳۸۹/۱/۳۱ هیأت وزیران)» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۲ شماره دادنامه: ۱۴۱۷ شماره پرونده: ۹۹۰۱۹۰۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای سجاد کریمی پاشاکی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۱۷ آیین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری (موضوع تصویب نامه شماره ۴۴۲۹۵/۲۰۴۶۱ - ۱۳۸۹/۱/۳۱ هیأت وزیران)

دیوان عدالت اداری می‌باشد بنابراین تقاضای ابطال کل مقرره مورد شکایت (آزمون و اطلاعیه آن) از تاریخ تصویب را دارم.

متن مقرره مورد اعتراض به شرح زیر است:

"اطلاعیه آزمون تبدیل وضعیت اداری کارکنان رسمی و پیمانی سازمان تعزیرات حکومتی به پست رئیس شعبه سال ۱۳۹۹

به اطلاع همکاران متقاضی ثبت نام و شرکت در آزمون تبدیل وضع اداری به رییس شعبه در سال ۱۳۹۹ می‌رساند، ثبت نام در این آزمون منحصراً به صورت اینترنتی از طریق درگاه اطلاع‌رسانی سازمان سنجش آموزش کشور به نشانی: www.sanjesh.org از روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۷ شروع و در روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۳ پایان می‌پذیرد. بر این اساس ضروری است تمامی متقاضیان در مهلت در نظر گرفته شده، پس از مطالعه دقیق شرایط و ضوابط عمومی و اختصاصی آزمون و فراهم نمودن مدارک مورد نیاز، نسبت به ثبت نام اقدام نمایند.

ب - شرایط اختصاصی:

....

۲- وضعیت استخدامی:

کارمندان رسمی و پیمانی سازمان تعزیرات حکومتی با رعایت ضوابط ذیل می‌توانند برای شرکت در آزمون ثبت نام نمایند:

۱- ۲- حداقل سابقه خدمت مورد نیاز برای شرکت در آزمون تبدیل وضعیت (تا تاریخ برگزاری آزمون) ۲ سال تمام می‌باشد. بدیهی است چنانچه کارمندی با سابقه کمتر از ۲ سال در آزمون شرکت نماید، (حتی در صورت کسب نمره قبولی آزمون) امتیاز ایشان کان لم یکن تلقی گردیده و متقاضی واجد بالاترین نمره بعدی جایگزین خواهد شد.

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس امور حقوقی و مجلس سازمان اداری و استخدامی کشور به موجب لایحه شماره ۱۳۳۸۲-۱۳۳۸۲/۳/۱۸-۱۴۰۰ توضیح داده است که:

"بازگشت به شماره پرونده ۹۹۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۲۵۷۰-۱۴۰۰/۲/۱۳ به استحضار می‌رساند: با توجه به هماهنگی به عمل آمده با امور آمار، برنامه‌ریزی و تأمین نیروی انسانی این سازمان این نتیجه حاصل شد که طبق بررسی به عمل آمده، آزمون تبدیل وضع کارمندان اداری کارکنان رسمی و پیمانی سازمان تعزیرات حکومتی به پست رئیس شعبه سال ۱۳۹۹ سازمان مذکور که نامبرده نسبت به آن شکایت کرده است، آزمون استخدامی و جذب نیروی انسانی جدید نبوده بلکه آزمون فوق مربوط به انتصاب کارمندان رسمی و پیمانی شاغل در پست‌های سازمانی اداری به پست سازمانی رئیس شعب در سازمان فوق‌الذکر بوده است که با توجه به ضوابط و مقررات مورد عمل در آن سازمان صورت گرفته است و سازمان متبوع نقشی در آگهی مربوطه و انتصاب کارکنان رسمی و پیمانی به پست رئیس شعبه و همچنین آزمون یاد شده نداشته است. با توجه به مراتب فوق رد شکایت ایشان مورد استدعاست."

همچنین معاون وزیر و رئیس سازمان سنجش و آموزش کشور به موجب لایحه شماره ۱۱۳۹۴-۱۴۰۰/۲/۲۹ در پاسخ به شکایت مذکور توضیح داده است که:

"احتراماً بازگشت به کلاسه پرونده ۹۹۰۳۲۷۵-۹۹۰۰/۲/۱۳ در خصوص شکایت خانم مریم کرمی به طرفیت سازمان سنجش آموزش کشور با عنوان «ابطال اطلاعیه آزمون تبدیل وضعیت کارکنان سازمان تعزیرات حکومتی» به استحضار می‌رساند، طبق ماده ۲۲ قانون وصول بخشی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد مشخص به این سازمان اجازه داده شده برای اشخاص حقیقی و حقوقی خدمات آزمون و پژوهشی ارائه دهد بر این اساس آزمون تبدیل وضعیت اداری کارکنان رسمی و پیمانی سازمان تعزیرات حکومتی به پست رئیس شعبه در سال ۱۳۹۹ به این سازمان محول گردید تعهدات سازمان متبوع صرفاً برگزاری آزمون و اعلام نتیجه اولیه بوده و در تدوین مقررات و شرایط و ضوابط آن هیچ نقشی نداشته است لذا با توجه به عدم توجه شکایت صدور قرار رد شکایت مورد تقاضا است."

التهایه مدیرکل حقوقی و نظارت قضایی سازمان تعزیرات حکومتی به موجب لایحه شماره ۱۴۰۰/۳/۱۸-۱۴۰۰/۳/۵ مبنی بر شکایت مذکور به طور خلاصه این گونه توضیح داده است که:

"۱- فرایند جذب و انتصاب رئیس شعبه تعزیرات حکومتی فرایندی متفاوت از آزمون استخدامی بوده و به استناد بند (ب) و تبصره ۱ ماده ۱۱ و ماده ۷۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تابع ضوابط خاص مقرر در آیین‌نامه جذب، انتصاب و پرداخت فوق‌العاده ویژه رؤسا و اعضای شعب سازمان تعزیرات حکومتی می‌باشد، بنابراین الزاماتی که برای برگزاری امتحان عمومی و تخصصی برای استخدام افراد در دستگاه‌های اجرایی وجود دارد در خصوص آزمون جذب و انتصاب رؤسای شعب تعزیرات حکومتی جاری نمی‌باشد. ۲- برابر ماده ۱۵ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳ امور معاملاتی، استخدامی و نظام پرداخت سازمان صرفاً تابع این آیین‌نامه و مقرراتی است که

شده و شیوه انجام آن به تدوین و تصویب آیین‌نامه اجرایی از سوی هیأت وزیران موکول شده است و هیأت وزیران در راستای اعمال اختیار فوق به تصویب آیین‌نامه اجرایی تبصره (۲) ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری اقدام نموده است. ثانیاً: با عنایت به حکم مقرر در ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، دستگاه اجرایی مذکور در ماده ۱۲۱ این قانون، شامل کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکتهای دولتی و کلیه دستگاههایی است که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانکها و بیمه‌های دولتی و به موجب ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری نیز، مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی، واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از پنجاه درصد بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد و عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد، بنابراین و با توجه به موازین قانونی فوق، تعریف فوق از مؤسسه و نهاد عمومی غیردولتی شامل سازمانها و مؤسسات غیردولتی خصوصی که از شمول تعریف نهاد عمومی غیردولتی خارج هستند، نمی‌شود و در نتیجه اطلاق ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی تبصره (۲) ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری در مواردی که اعزاز به مأموریت به سازمانها و مؤسسات خصوصی خارج از تعریف مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی را تجویز کرده، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۳۲۷۵

۱۴۰۰/۶/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۱۸ مورخ ۱۴۰۰/۶/۲ با موضوع: «ابطال صدور اطلاعیه آزمون تبدیل وضعیت اداری کارکنان رسمی و پیمانی به پست رئیس شعبه سازمان تعزیرات حکومتی در سال ۱۳۹۹ از تاریخ تصویب» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۲ شماره دادنامه: ۱۴۱۸ شماره پرونده: ۹۹۰۳۲۷۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: خانم مریم کرمی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال صدور اطلاعیه آزمون تبدیل وضعیت اداری

کارکنان رسمی و پیمانی به پست رئیس شعبه سازمان تعزیرات حکومتی در سال ۱۳۹۹ گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال صدور اطلاعیه آزمون تبدیل وضعیت اداری کارکنان رسمی و پیمانی به پست رئیس شعبه سازمان تعزیرات حکومتی در سال ۱۳۹۹ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که:

"۱- سازمان سنجش با همکاری سازمان تعزیرات حکومتی در سال ۱۳۹۹ بدون اخذ مجوز از سازمان اداری و استخدامی کشور اقدام به انتشار اطلاعیه و برگزاری آزمون تبدیل وضع اداری کارمندان رسمی و پیمانی به پست رئیس شعبه نموده است در حالی که سازمان تعزیرات از دستگاه‌های اجرایی زیر مجموعه وزارت دادگستری است و مکلف به تبعیت از مقررات قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشد. ۲- به موجب تبصره ۱ بند (ب) ماده ۱۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، نحوه جذب و انتصاب رؤسا و اعضاء مطابق آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب هیأت وزیران می‌رسد که به موجب مواد ۳ و ۴ آیین‌نامه جذب، انتصاب و پرداخت فوق‌العاده ویژه رؤساء و اعضای شعب سازمان تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۹۳ هیأت وزیران، جذب داوطلبان تصدی ریاست و عضویت شعبه از میان متقاضیان دارای شرایط عمومی و اختصاصی و از طریق آزمون عمومی کتبی و مصاحبه تخصصی و حرفه‌ای، با نظارت کمیسیون موضوع ماده (۴) صورت می‌پذیرد. درحالی که رعایت این مقررات در آزمون مورد اعتراض صورت نگرفته ۳- در قوانین و مقررات، تبدیل وضعیت از رسمی و پیمانی به رئیس شعبه سازمان تعزیرات پیش‌بینی نشده است. با عنایت به این که آزمون تصدی سمت رئیس شعبه می‌بایستی از طریق آزمون عمومی برای کلیه اشخاص واجد صلاحیت برگزار شود و تبدیل وضعیت نیروهای سازمان به ریاست شعبه موجب تضییع حق سایر داوطلبان استخدام که در سازمان تعزیرات مشغول نیستند می‌شود و از سوی دیگر اصول برابری فرصت‌ها و شایسته سالاری را نقض می‌کند که مورد تأکید آرای متعدد هیأت عمومی

شماره ۹۹۰۲۹۷۵

۱۴۰۰/۶/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۷/۱۲/۲۱ شورای اسلامی شهر بوشهر از تاریخ تصویب «جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد».

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - بدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۲ شماره دادنامه: ۱۴۱۹ شماره پرونده: ۹۹۰۲۹۷۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای سیدسعید ریاضی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه جلسه ۱۵۷ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۱ شورای اسلامی شهر بوشهر

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال مصوبه جلسه ۱۵۷ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۱

شورای اسلامی شهر بوشهر را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: "احتراماً به استحضار می‌رساند اخیراً مشاهده گردیده مبالغی در قبوض آب شهروندان بوشهری تحت عنوان تبصره ۳ علاوه بر آب بها از مشترکین مطالبه می‌گردد که مصوبه این تبصره توسط شورای اسلامی شهر بوشهر، خلاف قانون و خارج از حیطه اختیارات این شورا بوده است چرا که به موجب تبصره ۳ قانون ایجاد تسهیلات برای توسعه طرح‌های فاضلاب و بازسازی شبکه‌های آب شهری مصوب سال ۱۳۷۷ مبنی بر اینکه «تا زمان تشکیل شورای اسلامی شهر اجازه داده می‌شود هیأت‌های مرکب از استاندار، رئیس سازمان برنامه بودجه استان، مدیرعامل آب و فاضلاب استان و یک نفر از نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس، راهکارهای مشارکت مالی مردم و سایر بخشها و ایجاد تسهیلات برای اجرای طرح‌های آب و فاضلاب شهرها را بر اساس پیشنهاد شرکت آب و فاضلاب استان بررسی و تأیید نموده تا پس از تصویب وزیر نیرو توسط شرکت‌های آب و فاضلاب به اجرا درآید. هیأت مذکور تا زمانی اختیار داشته که شورای اسلامی شهر ایجاد نشده باشد. همان گونه که ملاحظه می‌گردد در این قانون هیچ اشاره‌ای به اینکه بعد از تشکیل شورا اختیارات این هیأت به عهده شورا گذاشته می‌شود ذکر نگردیده است. ضمن اینکه به موجب ماده ۳ قانون هدفمندی یارانه‌ها مصوب سال ۱۳۸۸ مجلس شورای اسلامی مقرر شده دولت مجاز است با رعایت این قانون قیمت آب، کارمزد جمع‌آوری فاضلاب را تعیین کند. بنابراین بر فرض محال که اختیار فوق بعد از تشکیل شوراها به آنها واگذار گردیده باشد. قطعاً پس از تصویب قانون هدفمندی یارانه‌ها عملاً این اختیار از شورا سلب و به دولت واگذار گردیده است. لذا از آن مقام ابطال مصوبه مورد اعتراض را از زمان تصویب استعفا دارم. در تأیید اظهارات خود استناد می‌گردد به دادنامه شماره ۱۳۲۷ الی ۱۳۳۱ - ۱۳۹۷/۵/۲۳ همچنین دادنامه شماره ۸۵۳ - ۱۳۹۸/۴/۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال مصوبات شوراهای شهر ابوزید آباد و همدان"

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکي ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۹ - ۲۹۷۵ - ۲ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۷ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده، توضیح داده است که:

"احتراماً اینجانب سیدسعید ریاضی شاکي پرونده کلاسه ۹۹۰۲۹۷۵ در پاسخ به درخواست رفع نقص مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۵ به استحضار می‌رساند مصوبه مورد شکایت مغایر با ماده ۳ قانون هدفمندی یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸ می‌باشد که این ماده به صراحت اعلام می‌نماید: ماده ۳ - دولت مجاز است با رعایت این قانون قیمت آب و کارمزد جمع‌آوری و دفع فاضلاب را تعیین کند.

الف - میانگین آب برای مصارف مختلف با توجه به کیفیت و نحوه استمصال آن در کشور به گونه‌ای تعیین شد که به تدریج تا پایان برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معادل قیمت تمام شده آن باشد.

تبصره ۱ - دولت مکلف است قیمت تمام شده آب را با در نظر گرفتن هزینه‌های تأمین، انتقال و توزیع با رعایت بازده تعیین کند. تبصره ۲ - تعیین قیمت ترجیحی و پلکانی برای مصارف مختلف آب با لحاظ مناطق جغرافیایی، نوع و میزان مصرف مجاز خواهد بود.

ب - کارمزد خدمات جمع‌آوری و دفع فاضلاب بر اساس مجموع هزینه‌های نگهداری و بهره‌برداری شبکه پس از کسر ارزش ذاتی فاضلاب تحویلی و کمکه‌های دولت در بودجه سنواتی (مربوط به سیاستهای تشویقی) تعیین می‌گردد.

به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب هیأت وزیران می‌رسد و از شمول قوانین محاسبات عمومی، استخدام کشوری، مدیریت خدمات کشوری و سایر مقررات عمومی مستثنی است و این ماده به موجب رأی وحدت رویه شماره ۳۷۰ - ۱۳۹۲/۵/۲۸ دیوان عدالت اداری خلاف قانون تشخیص نشده و دادنامه شماره ۵۸۱۱۸۸۱ - ۱۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۸۸۱ - ۱۲/۱۲/۱۹ صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مبنی بر ابقای ماده ۱۵ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی دایر بر عدم شمول قانون مدیریت خدمات کشوری بر سازمان تعزیرات حکومتی است. ۳ - پست‌های رئیس شعبه سازمان تعزیرات حکومتی مطابق ضوابط طرح طبقه بندی مشاغل، زیرمجموعه رشته شغلی (شغل) مدیر امور حقوقی طبقه بندی شده‌اند که برابر بند آخر ماده ۲ مصوبه شورای عالی اداری در خصوص دستورالعمل اجرایی نحوه انتخاب و انتصاب مدیران حرف‌های مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۷ دارا بودن رابطه استخدامی رسمی، پیمانی یا قرارداد معین با دستگاه از شرایط عمومی لازم برای انتخاب و انتصاب اشخاص در سمت‌های مدیریتی قلمداد گردیده است. با عنایت به این که رؤسای شعب سازمان تعزیرات حکومتی دارای پست مدیریتی مطابق ضوابط طبقه بندی مشاغل می‌باشند، یکی از شرایط عمومی انتصاب اشخاص در این پست دارا بودن رابطه استخدامی با دستگاه می‌باشد؛ بنابراین اشخاص خارج از سازمان بایستی ابتدا به ساکن از طریق شرکت در آزمون‌های استخدامی که این سازمان با اخذ مجوز از سازمان امور استخدامی و اداری برگزار می‌نمایند در پست‌های اداری به کار گمارده شوند و سپس در صورت تمایل به شرط دارا بودن شرایط مصرح در ماده ۱ آیین‌نامه جذب، برای شرکت در آزمون‌های آتی تصدی شعبه تعزیرات حکومتی ثبت نام نمایند. ۴ - مطابق ماده ۴ آیین‌نامه جذب، اختیار تعیین نحوه برگزاری آزمون کتبی به منظور جذب رؤسای شعب به کمیسیون جذب و انتصاب رؤسا و اعضای شعب سازمان واگذار گردیده است. به عبارت دیگر نحوه برنامه‌ریزی، تعیین منابع آزمون، طرح سوالات آزمون، تعداد سوالات و تعیین مجری و نحوه اجرای آن تماماً در اختیار سازمان تعزیرات حکومتی (با نظارت کمیسیون ماده ۴) بوده و سازمان در ارتقاء کارکنان به منظور تأمین نیازهای تخصصی خود نسبت به برگزاری آزمون کتبی و مصاحبه حضوری اقدام نموده است."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس تبصره ۱ بند «ب» ماده ۱۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۲، «نحوه پرداخت و نیز جذب و انتصاب رؤسا و اعضا مطابق آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد وزیر دادگستری ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد» و به موجب ماده ۲ آیین‌نامه جذب، انتصاب و پرداخت فوق‌العاده ویژه رؤسا و اعضای شعب سازمان تعزیرات حکومتی (موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۰۵۱۵۷ ت ۵۰۷۵۹ هـ - ۱۳۹۳/۹/۱۱ هیأت وزیران): «رؤسا و اعضای شعبی که قبل از تصویب این آیین‌نامه در سازمان شاغل بوده و هم اکنون نیز در سازمان شاغل می‌باشند، ظرف سه سال از تاریخ ابلاغ این آیین‌نامه با مقررات موضوع ماده ۱ این آیین‌نامه مورد تطبیق قرار می‌گیرند و در صورت انطباق و موفقیت در مصاحبه حسب شرایط به عنوان رئیس یا عضو شعبه پذیرفته خواهند شد...» و مطابق ماده ۳ آیین‌نامه مذکور: «جذب داوطلبان تصدی ریاست و عضویت شعبه از میان متقاضیان دارای شرایط عمومی و اختصاصی و از طریق آزمون عمومی کتبی و مصاحبه تخصصی و حرفه‌ای، با نظارت کمیسیون موضوع ماده ۴ صورت می‌پذیرد.» بنا به مراتب فوق و صرف نظر از اینکه سازمان تعزیرات حکومتی صلاحیت مستقلی برای وضع ضابطه در خصوص نحوه جذب متقاضیان تصدی پست رئیس و عضو شعبه تعزیرات حکومتی ندارد، اطلاعیه آزمون تبدیل وضعیت اداری کارکنان رسمی و پیمانی به پست رئیس شعبه سازمان تعزیرات حکومتی در سال ۱۳۹۹، با پیش‌بینی برگزاری آزمون داخلی برای تبدیل وضعیت کارمندان رسمی و پیمانی سازمان تعزیرات حکومتی به پست رئیس شعبه سازمان تعزیرات حکومتی، در مقام وضع ضابطه‌ای صادر شده که خارج از دو ضابطه موجود برای تصدی پست رئیس شعبه تعزیرات حکومتی به شرح مقرر در مواد ۲ و ۳ آیین‌نامه جذب، انتصاب و پرداخت فوق‌العاده ویژه رؤسا و اعضای شعب سازمان تعزیرات حکومتی است و در نتیجه صدور اطلاعیه آزمون تبدیل وضعیت اداری کارکنان رسمی و پیمانی به پست رئیس شعبه سازمان تعزیرات حکومتی در سال ۱۳۹۹ با توجه به مغایرت با ضوابط مقرر در مواد ۲ و ۳ آیین‌نامه جذب، انتصاب و پرداخت فوق‌العاده ویژه رؤسا و اعضای شعب سازمان تعزیرات حکومتی است و کلاً خارج از حدود اختیار سازمان تعزیرات حکومتی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

با عنایت به اینکه مبنای قانونی تفکیک اراضی داخل در محدوده خدمات شهری ماده ۱۰۱ از قانون شهرداری و تبصره‌های ذیل آن به شرح زیر است تعیین هر نوع عوارض بیش از مقدار تعیین شده برخلاف مقررات مذکور و مواد ۳۰ و ۳۱ از قانون مدنی و ماده ۴ از قانون نحوه تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت است و اخذ املاک اشخاص از مصادیق اکل مال به باطل و برخلاف آیه شریفه [حدیث نبوی] الناس مسلطون علی اموالهم است.

ماده ۱۰۱ - (اصلاحی مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۲۸): ادارات ثبت اسناد و املاک و حسب مورد دادگاهها موظفند در موقع دریافت تقاضای تفکیک یا افراز اراضی واقع در محدوده و حریم شهرها از سوی مالکین، عمل تفکیک یا افراز را بر اساس نقشه ای انجام دهند که قبلاً به تأیید شهرداری مربوط رسیده باشد. نقشه‌ای که مالک برای تفکیک زمین خود تهیه نموده و جهت تصویب در قبال رسید، تسلیم شهرداری می‌نماید، باید پس از کسر سطوح معابر و قدرالسهم شهرداری مربوط به خدمات عمومی از کل زمین، از طرف شهرداری حداکثر ظرف سه ماه تأیید و کتباً به مالک ابلاغ شود. بعد از انقضای مهلت مقرر و عدم تعیین تکلیف از سوی شهرداری مالک می‌تواند خود تقاضای تفکیک یا افراز را به‌دادگاه یا رعایت حداکثر نصابهای مقرر در خصوص معابر، شوارع و سرانه‌های عمومی با اخذ نظر کمیسیون ماده ۵ به موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم می‌نماید.

تبصره ۱- رعایت حد نصابهای تفکیک و ضوابط و مقررات آخرین طرح جامع و تفصیلی مصوب در محدوده شهرها و همچنین رعایت حد نصابها، ضوابط، آیین نامه‌ها و دستورالعملهای مرتبط با قوانین از جمله قوانین ذیل، در تهیه و تأیید کلیه نقشه‌های تفکیکی موضوع این قانون توسط شهرداریها الزامی است.

تبصره ۲- در مورد اراضی دولتی، مطابق تبصره ۱ ماده ۱۱ قانون زمین شهری مصوب سال ۱۳۶۶ اقدام خواهد شد.

تبصره ۳- در اراضی با مساحت بیشتر از پانصد مترمربع که دارای سند شش‌دانگ است شهرداری برای تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی تا سقف بیست و پنج درصد ۲۵٪ و برای تأمین اراضی مورد نیاز احداث شوارع و معابر عمومی شهر در اثر تفکیک و افراز این اراضی مطابق با طرح جامع و تفصیلی با توجه به ارزش افزوده ایجاد شده از عمل تفکیک برای مالک، تا بیست و پنج درصد از باقیمانده اراضی را دریافت می‌نماید. شهرداری مجاز است با توافق مالک قدرالسهم مذکور را بر اساس قیمت روز زمین طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری دریافت نماید.

تبصره ۴- کلیه اراضی حاصل از تبصره ۳ و معابر و شوارع عمومی و اراضی خدماتی که در اثر تفکیک و افراز و صدور سند مالکیت ایجاد می‌شود، متعلق به شهرداری است و شهرداری در قبال آن هیچ وجهی به صاحب ملک پرداخت نخواهد کرد. در مواردی که امکان تأمین انواع سرانه، شوارع و معابر از زمین مورد تفکیک و افراز میسر نباشد، شهرداری می‌تواند باتصویب شورای اسلامی شهر معادل قیمت آن را به نرخ کارشناسی دریافت نماید.

تبصره ۵ - هرگونه تخلف از موضوع این قانون در تفکیک یا افراز اراضی، جرم تلقی شده و متخلفین، طبق قانون مجازات اسلامی و قانون تخلفات اداری تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت. البته نظیر به اینکه وظایف قانونی شهرداری و شورای اسلامی شهر به‌موجب قانون شوراها و قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراها و شورای اسلامی و انتخاب شهرداران احصا شده و قانونگذار اختیار وضع قاعده و تعیین عوارض برای تفکیک املاک را به شهرداری و یا شورای اسلامی واگذار ننموده است. لذا شهرداری اشنویه خارج از حدود اختیارات قانونی خود مبادرت به تعیین عوارض به شرح فوق نموده و ابطال تعرفه عوارض محلی تعداد کثیری از شهرداریهای کشور که برخلاف مقررات مذکور خارج از حدود اختیارات شهرداری و شورای اسلامی تصویب شده به موجب آرای وحدت رویه متعددی از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره‌های ۱۹۹۳-۱۳۹۷/۱۰/۱۸، ۱۰۸۹-۱۳۹۶/۱۰/۲۶، ۶۰۷ و ۶۰۸ و ۶۰۹-۱۳۹۶/۶/۲۸، ۷۸۳-۱۳۹۴/۳/۲۵، ۳۵۰-۱۳۹۲/۶/۱۷، ۶۲۷ و ۶۳۴-۱۳۹۱/۹/۲۰، ۲۷۵-۱۳۹۱/۵/۱۶، ۵۸۰-۱۳۹۹/۹/۷، ۶۱۸-۱۳۹۹/۵/۲۵، ۴۶۸-۱۳۹۹/۴/۱۵ و ۳۲۳-۱۳۹۹/۳/۱۳ به کرات ابطال شده‌اند به‌استناد ماده ۹۲ از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری رسیدگی خارج از نوبت و ابطال تعرفه‌های مذکور مورد استدعاست.

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

ماده ۱۹: تفکیک اراضی و املاک داخل در محدوده قانونی مصوب شهر
تعریف تفکیک: قطعه بندی اراضی و املاک بزرگ به قطعات کوچکتر را تفکیک گویند.
بر اساس ماده ۱۰۱ از قانون شهرداری ها: گذرها رایگان به شهرداری تعلق خواهد گرفت و عوارض تفکیک در کاربری مسکونی و در حد مجاز قطعات به شرح ذیل می‌باشد.
الف - عوارض تفکیک زمینهای دارای سند شش دانگ پس از رعایت گذرها به شرح زیر خواهد بود.

- ۱- مساحت ملک با پانصد مترمربع ۱۰٪ قیمت کارشناسی روز
- ۲- مساحت ملک از ۵۰۱ مترمربع تا ۱۰۰۰ مترمربع ۱۲٪ قیمت کارشناسی روز

بنابراین در زمان تصویب مصوبه مورد شکایت شورای اسلامی شهر بوشهر صلاحیتی در این خصوص نداشته و این امر طبق ماده ۳ قانون فوق‌الذکر به دولت واگذار گردیده است.
متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

جناب آقای سیدنورالدین امیری

شهردار محترم بندر بوشهر

سلام علیکم

نامه شماره ۹۷/۱۰/۴۶۲۴ - ۱۳۹۷/۱۱/۱۰ مدیر عامل آب و فاضلاب استان بوشهر در خصوص افزایش رضایت‌مندی مردم دسترسی به آب سالم و مداوم و نهایتاً خارج نمودن شهر از حیره بندی استفاده از مشارکت مردمی در این امر حیاتی در قالب استفاده از چهارچوب و مقررات قانونی از جمع تبصره ۳ ماده واحده قانون ایجاد تسهیلات برای توسعه طرح‌های فاضلاب و بازسازی شبکه‌های آب شهری مصوب ۱۳۷۷/۳/۲۴ مجلس شورای اسلامی و همچنین منابع حاصل از ماده ۷ مصوبات شورای اقتصاد «قیمت‌گذاری محلی خدمات آب و فاضلاب» می‌باشد که مبالغ پیشنهادی (به پیوست) جهت اعمال در قبوض مشترکین تحت عنوان تبصره‌های فوق‌الذکر لحاظ گردد، موضوع در یکصد و پنجاه و هفتمین (۱۵۷) جلسه علنی شورا مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۱ مطرح گردید.

درخواست فوق با شش (۶) رأی موافق (از شش نفر حاضر در جلسه) مشروط به نظارت یک نفر از اعضای شورا، مورد موافقت و تصویب قرار گرفت. مراتب جهت اجرا رعایت موارد مندرج در ماده ۸۰ قانون شورای اسلامی کشور و ... ۱۳۹۷/۳/۱ ابلاغ می‌گردد. - رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر

علی رغم ارسال و ابلاغ نسخه دوم دادخواست و ضمائم آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده هیچ پاسخی واصل نشده است.
هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس ماده ۳ قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مصوب سال ۱۳۸۸ دولت مجاز است با رعایت این قانون قیمت آب و کارمزد جمع‌آوری و دفع فاضلاب را تعیین کند و بر مبنای آرای شماره ۱۷۱۹ - ۱۳۹۹/۱۱/۱۴ و شماره ۱۷۲۹ - ۱۳۹۹/۱۱/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، شوراها و شوراهای اسلامی شهر صلاحیتی برای وضع وجهی تحت عنوان عوارض و وجوه موضوع تبصره ۳ ماده واحده قانون ایجاد تسهیلات برای توسعه طرح‌های فاضلاب و بازسازی شبکه‌های آب شهری مصوب سال ۱۳۷۷ ندارند. بنا به مراتب فوق، مصوبه جلسه شماره ۱۵۷ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۱ شورای اسلامی شهر بوشهر با موضوع طرح‌های فاضلاب و بازسازی شبکه‌های آب شهری به تصویب رسیده، مغایر با ماده ۳ قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و آرای فوق‌الاشاره هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است و مستند بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۱۶۶۰

۱۴۰۰/۶/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۲۰-۹۹۰۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۲۰ مورخ ۱۴۰۰/۶/۲ با موضوع: «ابطال بندهای (الف، ب، ج، ح) ماده ۱۹ از دفترچه تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۰ شورای اسلامی شهر اشنویه» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۲ شماره دادنامه: ۱۴۲۰ شماره پرونده: ۹۹۰۱۶۶۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای بهمن حریری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بندهای (الف، ب، ج، ح) ماده ۱۹ از دفترچه

تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۰ شورای اسلامی شهر اشنویه

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بندهای (الف، ب، ج، ح) ماده ۱۹ از

دفترچه تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۰ شورای اسلامی شهر اشنویه را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه در آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۳۱۵ - ۱۳۹۶/۴/۱۳ این هیأت، وضع عوارض برای تفکیک در تمام اشکال آن توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص و ابطال شده و بر مبنای ماده ۱۰۱ قانون شهرداری نحوه اخذ حق السهم شهرداری مشخص شده است، بنابراین بندهای (الف)، (ب)، (ج) و (ح) ماده ۱۹ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۰ شهرداری اشنویه که به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۰۴۰۴

شماره ۱۴۰۰/۶/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۲۱ مورخ ۱۴۰۰/۶/۲ با موضوع: «ابطال تعرفه شماره ۱۴ - ۲ عوارض محلی شورای اسلامی تاکستان در سال ۱۳۹۸ (تحت عنوان عوارض تبدیل غیرمجاز ملک)» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۲ شماره دادنامه: ۱۴۲۱ شماره پرونده: ۹۹۰۰۴۰۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای مصطفی محمدطاهری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تعرفه شماره ۱۴ - ۲ عوارض محلی شورای

اسلامی تاکستان در سال ۱۳۹۸ (تحت عنوان عوارض تبدیل غیرمجاز ملک)

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال تعرفه شماره ۱۴ - ۲ عوارض محلی شورای اسلامی تاکستان در سال ۱۳۹۸ (تحت عنوان عوارض تبدیل غیرمجاز ملک) را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"به موجب ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ اخذ هرگونه وجه از مردم به تجویز قانون‌گذار منوط شده است. بر اساس ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب سال ۱۳۵۱، شورای اسلامی شهر صلاحیتی برای تغییر کاربری ندارد و به طریق اولی نمی‌تواند در این خصوص به وضع عوارض مبادرت نماید. در همین رابطه به عنوان نمونه می‌توان به دادنامه شماره ۷۱۷ - ۱۳۹۱/۱۰/۱۱ و دادنامه شماره ۱۴۰۰ - ۱۳۹۷/۶/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری استناد نمود."

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای

شاکي ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای مورخ ۱۳۹۹/۸/۱۸ پاسخ داده است که:

"لایحه زیر به موجب اخطار رفع نقض ابلاغی به حضور تقدیم می‌گردد: پیرو دادخواست تقدیمی با موضوع ابطال جدول ۲-۱۴ دفترچه اخذ عوارض با عنوان عوارض بهره‌برداری در کاربری‌های غیرمرتبط (عوارض تبدیل غیرمجاز ملک) عنوان می‌داریم اخذ این عوارض به دلایل زیر غیرقانونی است:

۱- نظر به اینکه مطابق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰، اخذ هرگونه وجه، کالا و خدمات توسط دستگاه‌های اجرایی به تجویز قانون‌گذار موکول شده است، لذا اخذ عوارض تغییر کاربری اموال مردم در قبال وجه و یا قسمتی از زمین به نحو رایگان، مغایر حکم قانون‌گذار است و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر تاکستان است.

۲- بر اساس ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب سال ۱۳۵۱، بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان به کمیسیون خاص محول شده است و از طرفی وظایف شورای اسلامی شهرها در ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی تعیین شده است و در این ماده قانونی امر تغییر کاربری اراضی در صلاحیت شورای اسلامی شهر پیش‌بینی نشده است. با توجه به مراتب شورای اسلامی شهر که صلاحیتی برای تغییر کاربری اراضی ندارد به طریق اولی نمی‌تواند در این خصوص به وضع قاعده و اخذ قسمتی از اراضی اشخاص در قبال تغییر کاربری مبادرت کند.

۳- مساحت ملک از ۱۰۰۱ مترمربع تا ۲۰۰۰ مترمربع ۱۵٪ قیمت کارشناسی روز
۴- مساحت ملک از ۲۰۰۱ متر لغایت ۳۰۰۰ مترمربع ۲۰٪ کل زمین یا معادل قیمت کارشناسی روز آن

۵ - مساحت ملک از ۳۰۰۱ مترمربع لغایت ۵۰۰۰ مترمربع ۲۵٪ درصد قیمت کارشناسی روز

۶ - مساحت ملک از ۵۰۰۱ مترمربع لغایت ده هزار مترمربع ۳۰٪ زمین بعد از رعایت گذرها

۷ - مساحت ملک از ده هزار مترمربع به بالا ۳۵٪ درصد زمین بعد از رعایت گذرها
ب: عوارض تفکیک و افزاز یک قطعه زمین از سند شش دانگ منوط به رعایت ماده ۱۰۱ از قانون شهرداریها و رعایت ضوابط شهرسازی در مورد عرض درها به شرح زیر می‌باشد.

۱- مساحت زمین قطعه جدا شده تا ۵۰۰ مترمربع ۷٪ کل سند عوارض تفکیک محاسبه خواهد شد.

۲- مساحت زمین قطعه جدا شده از ۵۰۱ متر تا ۱۰۰۰ مترمربع ۱۰٪ کل سند عوارض تفکیک محاسبه خواهد شد.

۳- مساحت زمین قطعه جدا شده از ۱۰۰۱ مترمربع لغایت ۲۰۰۰ مترمربع ۱۵٪ کل سند عوارض تفکیک محاسبه خواهد شد.

۴ - مساحت زمین قطعه جدا شده از ۲۰۰۱ مترمربع لغایت ۳۰۰۰ مترمربع ۲۰٪ کل سند عوارض تفکیک محاسبه خواهد شد.

۵ - مساحت زمین قطعه جدا شده از ۳۰۰۱ مترمربع لغایت ۴۰۰۰ مترمربع ۲۵٪ کل سند عوارض تفکیک محاسبه خواهد شد.

۶ - مساحت زمین قطعه جدا شده از ۴۰۰۱ مترمربع لغایت ۵۰۰۰ مترمربع ۳۰٪ کل سند عوارض تفکیک محاسبه خواهد شد.

۷ - مساحت زمین از ۵۰۰۱ مترمربع تا ده هزار مترمربع ۳۵٪ کل سند عوارض تفکیک محاسبه خواهد شد.

۸ - مساحت زمین قطعه جدا شده از یک هکتار به بالا ۴۰٪ کل سند عوارض تفکیک محاسبه خواهد شد.

ج: در زمینهایی که دارای کاربریهای مختلط باشد به شرطی که بخشی از کاربری مسکونی باشد به شرح زیر اقدام خواهد شد.

۱- کاربری مختلط به معنی وجود کاربریهای دیگری غیر از مسکونی و فضای سبز می‌باشد.

۲- عوارض سهم تفکیک شهرداری از کاربری‌های مختلط ۵۰٪ سهم شهرداری از کاربری فضای سبز و یا تأسیسات شهری یا مسکونی خواهد بود.

ح - گذرهای زیر ۱۲ متری از سهم مالک و گذرهای بالای ۱۲ متری از سهم شهرداری کسر خواهد شد و حداقل عرض ۸ متر خواهد بود و نباید از ۰/۱ طول آن کمتر باشد."

در پاسخ به شکایت مذکور، شهردار شهر اشنویه به موجب لایحه شماره ۹۹۰/۶/۳۸۴۷ - ۱۳۹۹/۸/۲۴ توضیح داده است که:

"شهرداری برابر درخواست آقای بهمن حریری وکیل مالک آقای محمد عطار نسبت به تفکیک پلاک ۲۷۸۷ به مقدار ۷۰۴۶/۵ مترمربع اقدام نموده است و شهرداری در راستای ماده ۱۰۱ قانون شهرداریها قبل از اصلاحیه سال ۱۳۹۰ نسبت به تفکیک ملک موصوفی اقدام نموده است و اینکه خواهان مدعی می‌باشد که تعرفه عوارضات محلی سال ۱۳۹۰ قابلیت اجرایی ندارد به استناد بند ۱۴ ماده ۷۱ قانون شهرداریها مصوب سال ۱۳۸۲ هرگونه معاملات در راستای مصوبه شورای اسلامی شهر قابلیت اجرایی دارد و از طرفی تعرفه عوارضات محلی سال شهرداریها، هر سال توسط شهرداریها تنظیم و بعد از تصویب توسط شورای اسلامی شهر جهت تأیید مصوبه به بالاترین مقام استانی یعنی استاندار خواهد رسید حالیه شهرداری در راستای مصوبه شورای اسلامی شهر، نسبت به تفکیک اقدام نموده و بعد از تعیین سهم و مشخص شدن قدرالسهم طرفین طی صورتجلسه شماره ۲۲۶۴ - ۱۳۹۰/۳/۲ با ایشان مصالح - ه نموده است و قرارداد فی‌مابین در قالب صلح بوده و به صورت مصالحه‌ای انجام پذیرفته است که عقد مصالح عقدی صحیح و با رضایت طرفین می‌باشد (لازم به ذکر است که خواهان قبلاً به نحوی دیگر در خواست ابطال صورتجلسه مصالحه فی‌مابین شماره ۲۲۶۴ - ۱۳۹۰/۳/۲ را از دیوان درخواست نموده و برابر دادنامه شماره ۸۷۰ شعبه ۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری شکایت ایشان رد گردیده است) لذا از دادگاه تقاضای رد دعوی خواهان را خواستار است."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

شماره ۹۹۰۲۹۰۸

۱۴۰۰/۶/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۲۲/۱۳۹۹/۹۹۷۰۹۰۵۸۱ مورخ ۱۴۰۰/۶/۶ با موضوع: «ابطال ماده ۶ دفترچه عوارض محلی سال ۱۳۹۹ شهرداری ارومیه (تحت عنوان عوارض تأمین پارکینگ) از تاریخ تصویب» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - بدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۶ شماره دادنامه: ۱۴۲۲ شماره پرونده: ۹۹۰۲۹۰۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای خیراله هوسی سوسی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۶ دفترچه عوارض محلی سال ۱۳۹۹

شهرداری ارومیه (تحت عنوان عوارض تأمین پارکینگ)

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال ماده ۶ دفترچه عوارض محلی سال ۱۳۹۹ شهرداری ارومیه (تحت عنوان عوارض تأمین پارکینگ) را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که:

اینجانب در پاییز سال ۱۳۹۹ درخواست وصل انشعاب فاضلاب منزل مسکونی خود را نمودم و اداره آب و فاضلاب نیز نامه درخواست مجوز تخریب آسفالت را به شهرداری منطقه ۲ ارومیه ارسال نمود. شهرداری منطقه ۲ قبل از صدور مجوز تخریب آسفالت اقدام به بازدید از منزل بنده نمود و کارشناس مربوطه در گزارش خود اعلام نمود که بنده به میزان ۸۲ متر از فضای انباری زیرزمین خود را به مسکونی تبدیل نموده و تغییر کاربری داده‌ام. فارغ از اینکه نفس این نظریه اشتباه بوده و هیچ تغییر کاربری صورت نگرفته و موضوع از مراجع مربوطه در حال پیگیری می‌باشد نظریه کارشناسی شهرداری منطقه ۲ ارومیه به کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری ارجاع گردید و کمیسیون مربوطه پس از تشکیل جلسه در مورخ ۱۳۹۹/۹/۱۳ اقدام به صدور رأی شماره ۹۹ - ۳۴۰۵ نمود و طی آن بنده محکوم به پرداخت مبلغ ۱/۷۹۳/۷۵۰ ریال جریمه تغییر کاربری انباری به مسکونی گشتم. پس از ابلاغ رأی به بنده شهرداری منطقه ۲ ارومیه فاکتور محاسبات شهرسازی و درآمد با شماره ارجاع ۱۱۷۳۵۵۴ - ۱۳۹۹/۱۰/۷ را صادر و از بنده علاوه بر جریمه کمیسیون ماده ۱۰۰ عوارض کسری پارکینگ نیز مطالبه می‌نماید و این عوارض نیز بر اساس ماده ۶ دفترچه عوارض محلی سال ۱۳۹۹ شورای اسلامی شهر ارومیه محاسبه می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در بررسی مصوبات شورای اسلامی سایر شهرها در باب عوارض کسری و حذف پارکینگ به کرات نسبت به صدور رأی مبنی بر ابطال مصوبات معترض عنده اقدام نموده که به عنوان مثال می‌توان به آراء ذیل اشاره نمود: الف) بند (و) رأی شماره ۱۴۷۷ الی ۱۴۸۱ - ۱۳۸۶/۱۲/۱۲ در ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر یزد. ب) رأی شماره ۷۷۰ - ۱۳۹۱/۱۰/۱۸ در ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر بوشهر. ج) رأی شماره ۱۱۶ - ۱۳۹۲/۲/۱۶ در ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر شیروان. د) رأی شماره ۸۶۹ - ۱۳۹۴/۷/۱۴ در ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر یزد. ه) رأی شماره ۹۷۷ - ۱۳۹۴/۸/۵ در ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر ملایر. و) رأی شماره ۱۷۹۴ - ۱۳۹۷/۹/۶ در ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر اراک، لذا با توجه به آراء یاد شده و مغایرت آشکار مصوبه معترض عنده با اصول ۲۶ و ۵۱ قانون اساسی و تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها و ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و همچنین با توجه به سابقه ابطال چنین مصوباتی در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تقاضای اعمال ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و رسیدگی خارج از نوبت و نهایتاً بر اساس بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال مصوبه معترض عنده را از تاریخ تصویب دارم.

متن مقرر در مورد اعتراض به شرح زیر است:

تعارف عوارض و بهای خدمات شهرداری ارومیه و سازمان‌های تابع سال ۱۳۹۹

ماده ۶: عوارض تأمین پارکینگ برای واحدهای مسکونی، تجاری، اداری و غیره به‌ازای هر مترمربع

ردیف	عنوان	مأخذ و نحوه محاسبه عوارض
۱	واحدهای مسکونی	۱۲×p
۲	واحدهای تجاری	۲۰×p
۳	واحدهای اداری	۲۵×p
۴	سایر کاربریها	۱۵×p

۳- دیوان عدالت اداری در آرای مختلف اخذ عوارض با عنوان تغییر کاربری و بهره‌برداری در کاربری‌های غیرمرتبط و عناوین مشابه را از جمله در دادنامه‌های شماره ۷۱۷ - ۱۳۹۱/۱۰/۱۱ و شماره ۴ - ۱۳۹۱/۲/۲ و شماره ۱۴۰۰ - ۱۳۹۷/۶/۱۳ ابطال نموده است.

با توجه به اینکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آرای مشابه اخذ چنین وجوهی در شهرهای دیگر را خلاف قانون قلمداد کرده حفظ حقوق شهروندی و اصل برابری افراد در برابر قانون و اصل عدالت و عدم ترجیح بلامرجح (بند ۱۴ اصل ۳ و اصل ۲۰ قانون اساسی) و قاعده «هماهنگی و اصل وحدت رویه و ایجاد یکنواختی در نظام عوارض» مستند به ماده ۱۴ آیین‌نامه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای شهرها سال ۱۳۷۸ نیز اقتضا می‌کند وقتی اخذ عوارضی از شهروندان بخشی از این سرزمین که در مغایرت با قانون شناخته شده نمی‌توان اخذ همان وجه را از مردمان شهروندان دیگر جایز و قانونی قلمداد کرد و همچنین به استناد ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ مقرر شده است که: «چنانچه مصوبه ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است. هرگاه مراجع مربوط مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان عدالت اداری موضوع را خارج از نوبت، بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ قانون مذکور و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده در هیأت عمومی مطرح می‌نماید.» لذا درخواست ابطال مصوبه مورد خواسته را از محضر گراندقدر هیأت عمومی دیوان دارم.

متن مقرر در مورد شکایت به شرح زیر است:

تعارف شماره (۱۴ - ۲) عوارض تبدیل غیرمجاز ملک

ردیف	عنوان تعارف عوارض	مأخذ و نحوه محاسبه عوارض ۹۶	مأخذ و نحوه محاسبه عوارض ۹۷	مأخذ و نحوه محاسبه عوارض ۹۸k	توضیحات
	عوارض تبدیل غیرمجاز ملک داخل محدوده خدماتی شهر	۲۰	۷۷	۸۴	این عوارض در صورت صدور رأی کمیسیون ماده صد مبنی بر ابقاء قبیل دریافت است
	عوارض تبدیل غیرمجاز ملک داخل حریم شهر	۱۵	۱۶	۱۸	

مترائ عرصه یا اعیان *p* k

رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد و پرونده در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی ارجاع شد. طرف شکایت علیرغم ارسال و ابلاغ نسخه دوم دادخواست و ضمائم آن تا زمان رسیدگی به پرونده هیچ گونه پاسخی ارسال نکرده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: براساس ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان به وسیله کمیسیون موضوع آن ماده انجام می‌شود و تعیین عوارض تبدیل غیرمجاز ملک قبل از طرح در کمیسیون موضوع ماده مذکور و یا بدون اخذ مجوز از مراجع ذیربط قانونی مغایر با قانون بوده و این امر در رأی شماره ۲۰۱ - ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز مورد تأکید قرار گرفته است. ثانیاً: بر مبنای تبصره بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری، در صورتی که برخلاف مندرجات پروانه ساختمانی در منطقه غیرتجاری محل کسب یا پیشه دایر شود، شهرداری مورد را در کمیسیون مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ این قانون مطرح می‌نماید و کمیسیون در صورت احراز تخلف مالک یا مستأجر با تعیین مهلت مناسب که نباید از دو ماه تجاوز نماید، در مورد تعطیلی محل کسب یا پیشه و یا تجارت ظرف مدت یک ماه اتخاذ تصمیم می‌کند، بنا به مراتب فوق و با لحاظ اینکه رسیدگی کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و صدور حکم مبنی بر اخذ جریمه در آن مجوزی برای تغییر کاربری نیست، تعارف شماره ۱۴ - ۲ از تعارف عوارض محلی شهر تاکستان در سال ۱۳۹۸ که تحت عنوان عوارض تبدیل غیرمجاز به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

گردش کار: ۱- معاون وزیر و رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل وزارت راه و شهرسازی به موجب نامه شماره ۹۸۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۲۵۸۶/ص/۱۴۰۰/۲۹۶۳-۳۹۰۰/۳/۲۲-۱۴۰۰/۳/۲۲ به معاون قضایی دیوان در امور هیأت عمومی، اعلام کرده است که:

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۹۸۰۳۳۸۰ (به شماره پرونده ۹۸۰۲۵۸۶/ص/۱۴۰۰/۲۹۶۳) موضوع شکایت سازمان بازرسی کل کشور و آقای بهمن زبردست به خواسته ابطال تصویب نامه شماره ۱۷۳۰۸۵/ت/۵۶۳۴۲-هـ-۱۳۹۷/۱۲/۲۲ هیأت وزیران که در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری منجر به صدور دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۶۹۹-۱۳۹۹/۱۱/۱۴ مبنی بر ابطال مصوبه مذکور شده است، به استحضار می‌رساند: این شرکت (وزارت راه و شهرسازی) تقاضای اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ را مطرح نموده و هم اکنون موضوع با عنایت به دستور رئیس دیوان عدالت اداری در هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری در حال بررسی و رسیدگی است. علیهذا با توجه به حساسیت موضوع و توجهاً به این امر که آثار مترتب بر موضوع واجد اهمیت فراوانی بوده و در برخی موارد منجر به ممنوعیت خروج تعدادی از مدیران و اعضای هیأت مدیره شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید و شرکتهای تابعه از کشور شده است و با عنایت به دستور ریاست دیوان عدالت اداری مبنی بر اعمال ماده ۹۱ پیش گفته خواهشمند است دستور فرمایید به منظور ادای توضیحات، تمهیداتی در راستای حضور نمایندگان مطلع این شرکت در جلسه رسیدگی هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری به موضوع، اتخاذ گردد. ضمناً تصویری از تقاضای اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری جهت مزید استحضار به پیوست تقدیم می‌گردد. بدو از بذل توجه آن مقام کمال امتنان و تشکر را دارد.

۲- متن رأی شماره ۱۶۹۹-۱۳۹۹/۱۱/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به قرار زیر است:

هر چند به موجب قسمت اخیر تبصره ماده ۵ قانون ایجاد شهرهای جدید مصوب ۱۳۸۰/۱۰/۱۶: «سرمايه‌گذاري از منابع داخلي شرکت برای ایجاد فضاهای آموزشی، خدماتی، فرهنگی و مذهبی به حساب مالیات‌های قطعی شده شرکت منظور خواهد شد»، ولی بر مبنای ماده ۲۷۳ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی مقرر شده: «از تاریخ اجرای این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر به استثنای احکام مالیاتی مقرر در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دوران برنامه مزبور و نیز ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ و استفساریه مصوب ۱۳۷۴/۱/۲۱ قانون اخیرالذکر لغو می‌گردد»، لذا با توجه به عدم پیش‌بینی معافیت مقرر در قسمت اخیر تبصره ماده ۵ قانون ایجاد شهرهای جدید در قانون مالیات‌های مستقیم، حکم مقرر در تبصره مذکور با وضع ماده ۲۷۳ قانون مالیات‌های مستقیم نسخ شده و این امر در بخشنامه شماره ۱۵۴۲۸/۲۰/ص-۱۳۹۲/۹/۲ سازمان امور مالیاتی کشور و دادنامه شماره ۲۲۸-۱۳۹۶/۱۱/۲ هیأت تخصصی اقتصادی مالی دیوان عدالت اداری نیز مورد تأیید قرار گرفته است. بنا بر مراتب مصوبه شماره ۱۷۳۰۸۵/ت/۵۶۳۴۲-هـ-۱۳۹۷/۱۲/۲۲ هیأت وزیران و بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۱۴-۱۳۹۸/۲/۳۱ سازمان امور مالیاتی کشور که متضمن تأیید مجدد معافیت مقرر در قسمت اخیر تبصره ماده ۵ قانون ایجاد شهرهای جدید است، خلاف قانون و خارج از اختیار وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

۳- معاون نظارت و بازرسی دیوان عدالت اداری به موجب گزارش شماره ۹۰۰/۵۵۸۳۱۴/۲۰۰-۱۳۹۹/۱۲/۲۳ اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به رأی مذکور به رئیس وقت دیوان عدالت اداری پیشنهاد می‌کند. استدلال مصرح در نامه معاونت نظارت و بازرسی به قرار زیر است:

احتراماً در خصوص نامه شماره ۵۵۸۳۱۴ موضوع درخواست اعمال ماده ۹۱ مشاور مدیرعامل شرکت عمران شهرهای جدید نسبت به رأی شماره ۱۶۹۹-۱۳۹۹/۱۱/۱۴ هیأت عمومی به استحضار می‌رساند: هیأت عمومی در رأی شماره ۱۶۹۹-۱۳۹۹/۱۱/۱۴ چنین مقرر نموده است: هر چند به موجب قسمت اخیر تبصره ماده ۵ قانون ایجاد شهرهای جدید مصوب ۱۳۸۰: «سرمايه‌گذاري از منابع داخلي شرکت برای ایجاد فضاهای آموزشی، خدماتی، فرهنگی و مذهبی به حساب مالیات‌های قطعی شده شرکت منظور خواهد شد»، ولی بر مبنای ماده ۲۷۳ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی مقرر شده: «از تاریخ اجرای این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر به استثنای احکام مالیاتی مقرر در قانون برنامه سوم توسعه در دوران برنامه مزبور و نیز ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی مصوب ۱۳۷۲ و استفساریه مصوب ۱۳۷۴/۱/۲۱ قانون اخیرالذکر لغو می‌گردد»، لذا با توجه به عدم پیش‌بینی معافیت مقرر در قسمت اخیر تبصره ماده ۵ قانون ایجاد شهرهای جدید در قانون مالیات‌های مستقیم حکم مقرر در تبصره مذکور با وضع ماده ۲۷۳ قانون مالیات‌های مستقیم نسخ

تبصره ۱: بر اساس ضوابط طرح‌های توسعه شهری احداث و تأمین پارکینگ برای ساختمان‌ها ضروری می‌باشد.

تبصره ۲: در موارد استثنایی از جمله موارد ذیل شهرداری می‌تواند بر اساس ضوابط طرح‌های توسعه شهری یا مجوز مراجع قانونی (کمیسیون‌های ماده ۵) با اخذ عوارض تأمین پارکینگ، پروانه ساختمانی صادر نماید:

۱- ساختمان در بر خیابان‌های سریع‌السیر به عرض ۴۵ متر و بیشتر قرار گرفته و دسترسی به محل اتومبیل رو نداشته باشد.

۲- ساختمان در فاصله یکصد متری تقاطع خیابان‌های به عرض ۲۰ متر و بیشتر واقع شده و دسترسی به محل اتومبیل رو نداشته باشد.

۳- ساختمان در محلی قرار گرفته باشد که ورود به پارکینگ مستلزم قطع درختان کهن باشد که شهرداری اجازه قطع آن را نداده است.

۴- ساختمان در بر کوچه‌هایی قرار گرفته باشد که به علت عرض کم کوچه، امکان عبور اتومبیل نباشد.

۵- ساختمان در معبری قرار گرفته باشد که به علت شیب زیاد احداث پارکینگ در آن از نظر فنی مقدور نباشد که بر اساس ضوابط فنی و شهرسازی تعیین می‌گردد.

۶- در صورتی که وضع و فرم زمین زیر ساختمان به صورتی باشد که از نظر فنی نتوان در سطح طبقات احداث پارکینگ نمود.

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر ارومیه به موجب لایحه شماره ۹۹/۳۳۱۵-۱۳۹۹/۱۲/۲۷ به طور خلاصه و اجمالاً توضیح داده است که:

«مطابق بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۷۵ و تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها و تبصره ۱ ماده ۶ دفترچه عوارض و بهای خدمات شهرداری ارومیه سال ۹۹ و دادنامه‌های شماره ۵۸۷-۱۳۸۳/۱/۲۵ و ۴۸-۱۳۸۵/۲/۳- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و تبصره ۲ ماده ۶ دفترچه عوارض سال ۱۳۹۹ ارومیه و ... رد شکایت را خواسته است.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۱۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه بر اساس آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه‌های شماره ۹۷ الی ۱۰۰-۱۳۹۲/۲/۱۶ و شماره ۵۷۳-۱۳۹۶/۶/۱۴ وضع عوارض برای کسری، حذف یا عدم تأمین پارکینگ توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین ماده ۶ دفترچه عوارض محلی سال ۱۳۹۹ شهرداری ارومیه که تحت عنوان عوارض تأمین پارکینگ به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده، به دلایل مذکور در دادنامه‌های فوق‌الاشاره خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۰۰۰۰۵۶۹

۱۴۰۰/۶/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۲۵ مورخ ۱۴۰۰/۶/۱۶ با موضوع: «با اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی نسبت به دادنامه شماره ۱۶۹۹-۱۳۹۹/۱۱/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موافقت شد و اعتبار حقوقی مصوبه شماره ۱۷۳۰۸۵/ت/۵۶۳۴۲-هـ-مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۲ هیأت وزیران و بخشنامه شماره ۱۴/۹۸/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۲/۳۱ سازمان امور مالیاتی کشور مورد تأیید قرار گرفت» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۱۶ شماره دادنامه: ۱۴۲۵ شماره پرونده: ۰۰۰۰۵۶۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

درخواست کننده: رئیس دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت و خواسته: اعمال مقررات ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به دادنامه شماره ۱۶۹۹-۱۳۹۹/۱۱/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شده و این امر در بخشنامه شماره ۱۵۴۲۸/۲۰/ص - ۱۳۹۲/۹/۲ سازمان امور مالیاتی کشور و دادنامه شماره ۲۲۸ - ۱۳۹۶/۱۱/۲ هیأت تخصصی اقتصادی، مالی دیوان عدالت اداری نیز مورد تأیید قرار گرفته است. بنا بر مراتب مصوبه شماره ۱۷۳۰۸۵/ت/۵۶۳۴۲ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۲ هیأت وزیران و بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۱۴ - ۱۳۹۸/۲/۳۱ سازمان امور مالیاتی کشور که متضمن تأیید مجدد معافیت مقرر در قسمت اخیر تبصره ماده ۵ قانون ایجاد شهرهای جدید است، خلاف قانون و خارج از اختیار وضع شده و ابطال می‌شود.» مطابق تبصره ۵ قانون ایجاد شهرهای جدید مصوب ۱۳۸۰ که مقرر نموده: «شرکتهای وابسته یا متقاضی ایجاد شهر مکلفند اراضی ملکی خود را به کاربری آموزشی برابر ماده ۱۸ قانون تشکیل شوراهای آموزشی و پرورشی در استانها، شهرستانها و مناطق کشور و ملحقات آن مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۲۶ و سایر کاربریهای خدماتی (به استثنای اراضی با کاربری تجاری) را به طور رایگان حسب مورد در اختیار دستگاههای دولتی خدمات دهنده، شهرداری و شرکتهای آب و فاضلاب قرار دهند، تغییر کاربری یا واگذاری اراضی یاد شده به غیرمسموع است سرمایه‌گذاری از منابع داخلی شرکت برای ایجاد فضاهای آموزشی، خدماتی، فرهنگی، مذهبی به حساب مالیاتهای مستقیم قطعی شده شرکت منظور خواهد شد.

حکم مذکور عیناً در ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی قانون ایجاد شهرهای جدید مصوب ۱۳۸۲/۵/۱۵ نیز تکرار گردیده است و در ماده ۲۷۳ اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم که اشعار می‌دارد: «تاریخ اجرای این قانون از اول سال ۱۳۸۱ خواهد بود و کلیه اشخاص حقوقی که شروع سال مالی آنها از اول فروردین ماه سال ۱۳۸۰ به بعد باشد نیز از لحاظ ترتیب رسیدگی و نرخ مالیاتی مشمول این قانون خواهند شد از تاریخ اجرای این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر به استثنای احکام مالیاتی مقرر در قانون برنامه سوم توسعه در دوران برنامه مزبور و نیز ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ و استفساریه مصوب ۱۳۷۴/۱/۲۱ قانون اخیرالذکر لغو می‌گردد. این حکم شامل قوانین و مقررات مغایری که شمول قوانین و مقررات عمومی به آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است نیز می‌باشد.» با توجه به مراتب فوق، نظر به اینکه اولاً تبصره ماده ۵ قانون ایجاد شهرهای جدید راجع به معافیت‌های مالیاتی شرکتهای عمران شهر جدید نمی‌باشد، بلکه حساب مالیات‌های قطعی شده شرکت از طریق سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در فضاهای آموزشی، خدماتی، فرهنگی و مذهبی منظور شده است که این امر با معافیت قید شده در ماده ۲۷۳ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ متفاوت می‌باشد. ثانیاً ماده ۲۷۳ قانون مالیات‌های مستقیم ناسخ تبصره ماده ۵ قانون ایجاد شهرهای جدید نمی‌باشد، زیرا ماده ۲۷۳ قانون مذکور صرفاً قوانین مغایر را لغو نموده است در صورتی که در قانون مالیات‌های مستقیم حکمی برای نحوه محاسبه سرمایه‌گذاری در شهرهای جدید وضع نشده است، لذا تبصره ماده ۵ قانون ایجاد شهرهای جدید به قوت خود باقی است. ثالثاً تبصره ماده ۵ قانون مزبور در خصوص منظور نمودن سرمایه‌گذاری از محل منابع داخلی شرکت عمران شهر جدید به حساب مالیات‌های قطعی شده می‌باشد که مصوبه شماره ۱۷۳۰۸۵/ت/۵۶۳۴۲ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۲ هیأت وزیران نیز در راستای تبصره فوق‌الذکر صادر گردیده، بنابراین رأی شماره ۱۶۹۹ - ۱۳۹۹/۱۱/۱۴ هیأت عمومی که ماده ۲۷۳ قانون مالیات‌های مستقیم را ناسخ تبصره ماده ۵ دانسته مغایر قوانین و مقررات بوده و پیشنهاد اعمال ماده ۹۱ قانون دیوان عدالت اداری مورد استدعاست. مع‌الوصف مراتب جهت صدور دستور مقتضی به حضور ایفاد می‌گردد.»

۴- رئیس وقت دیوان عدالت اداری پس از ملاحظه گزارش معاون نظارت و بازرسی دیوان عدالت اداری، موضوع را در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری جهت بررسی به هیأت تخصصی اداری و امور عمومی ارجاع می‌کند.

۵- رئیس دیوان عدالت اداری پس از ملاحظه نظریه هیأت تخصصی مربوطه و در هامش گزارش مورخ ۱۴۰۰/۵/۱۱ معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی در اجرای ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی مصوب سال ۱۳۹۲ موضوع را به هیأت عمومی ارجاع می‌کند.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: مطابق تبصره ماده ۵ قانون ایجاد شهرهای جدید مصوب سال ۱۳۸۰: «سرمایه‌گذاری از منابع داخلی شرکت برای ایجاد فضاهای آموزشی، خدماتی، فرهنگی و مذهبی به حساب مالیات‌های قطعی شرکت منظور خواهد شد.» ثانیاً: اصل بر پرداخت مالیات بوده و استثناء بر آن یعنی معافیت مالیاتی نیازمند نص صریح قانونی (از جمله مواد ۱۳۲ تا ۱۴۶ قانون مالیات‌های مستقیم) است و این در حالی است که مفاد تبصره ماده ۵

شماره ۹۹۰۲۴۷۵ ۱۴۰۰/۶/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۲۶ مورخ ۱۴۰۰/۶/۶ با موضوع: «ابطال بند ۲ تعرفه شماره ۲۱ - ۲ سال ۱۳۹۶، بند ۲ تعرفه شماره ۱۹ - ۲ سال ۱۳۹۷، بند ۲ تعرفه شماره ۱۷ - ۲ سال ۱۳۹۸، بند ۲ تعرفه شماره ۱۷ - ۲ سال ۱۳۹۹، بند (الف) ماده ۷ و تبصره ۱ بند (ب) ماده ۷ سال ۱۳۹۶، بند (الف) و تبصره ۱ بند (ب) ماده ۱۴ سال ۱۳۹۷، بند (الف) و تبصره ۱ بند (ب) ماده ۱۳ سال ۱۳۹۸ و بند (الف) و تبصره ۱ بند (ب) ماده ۱۳ سال ۱۳۹۹ از تعرفه عوارض و بهای خدمات محلی مصوب شورای اسلامی شهر بوکان از تاریخ تصویب» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یادلله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۶ شماره دادنامه: ۱۴۲۶ شماره پرونده: ۹۹۰۲۴۷۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای صلاح‌الدین رنجبری بلوز

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند (الف) ماده ۷ و تبصره ۱ بند (ب) ماده

۷ از تعرفه عوارض و بهای خدمات محلی سال ۱۳۹۶، بند (الف) و تبصره ۱ بند (ب) ماده

۱۴ از تعرفه عوارض و بهای خدمات محلی سال ۱۳۹۷، بند (الف) و تبصره ۱ بند (ب) ماده

۱۳ از تعرفه عوارض و بهای خدمات محلی سال ۱۳۹۸ و بند (الف) و تبصره ۱ بند

(ب) ماده ۱۳ از تعرفه عوارض و بهای خدمات محلی سال ۱۳۹۹ شهرداری بوکان

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال موارد خواسته شده در ستون

موضوع شکایت و خواسته را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام

کرده است که:

در سال ۱۳۹۸ زمینی به مساحت ۳۳۴/۷۳ مترمربع پلاک ثبتی بخش ۱۷ بوکان از

خانم نسرین حسینی اصل خریداری نموده قبل از انتقال سند به استناد وکالتنامه

درخواست صدور پروانه ساختمانی به نام فروشنده نمودم و کلیه عوارضات توسط اینجانب

۴- ابطال بند ۲ تعرفه شماره ۱۷ - ۲ عوارض و بهاء خدمات محلی سال ۹۹ -
عوارض فضای سبز

ردیف	عنوان تعرفه عوارض	مأخذ و نحوه محاسبه عوارض	توضیحات
۲	فضای سبز	معادل ۵٪ عوارض زیربنا و عرصه	بند ۱: این عوارض هنگام صدور پروانه، اصلاح پروانه و یا پایان کار ساختمانی توسط شهرداری وصول و صرفاً می‌بایستی در ارتباط با توسعه و تجهیز آتش نشانی (عوارض ردیف ۱) و یا فضای سبز (عوارض ردیف ۲) هزینه گردد. بند ۲: ضریب K حداکثر پنج درصد تعیین می‌گردد. بند ۳: عوارض فوق از بناهایی که توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ رأی ابقاء صادر می‌شود نیز وصول و صرفاً می‌بایستی در ارتباط با توسعه و تجهیز آتش نشانی (عوارض ردیف ۱) و یا فضای سبز (عوارض ردیف ۲) هزینه گردد.

۵ - ابطال بند (الف) ماده واحده ماده ۷ تعرفه عوارض و بهاء خدمات محلی سال ۹۶
هزینه‌های آماده سازی

ماده ۷: هزینه‌های آماده‌سازی و ترمیم حفاری

الف: ماده واحده: هزینه‌های خدمات آماده‌سازی و جدول و آسفالت و بتن معابر به عهده تفکیک‌کننده بوده و به صورت یکجا در هنگام تفکیک و یا برای هر یک از قطعات به هنگام صدور پروانه ساختمانی یا پایانکار یا گواهی مفصاحساب محاسبه و اخذ خواهد گردید. مبنای محاسبه هزینه‌های مذکور یا ۶۰٪ فهرست بهای اعلامی سال ۱۳۹۴ و یا به شرح زیر:

بتن معابر و پیاده رو هر مترمربع مبلغ ۹۰۰۰۰ ریال
مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال

آسفالت یک رویه و دو هر مترمربع مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال
مبلغ ۱۳۰۰۰۰ ریال

جدول دو طرفه (جوب) متر طول مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال
طول مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال

فضای سبز هر مترمربع مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال

۶ - ابطال تبصره یک بند (ب) ماده ۷ تعرفه عوارض و بهاء خدمات محلی سال ۹۶
شهرداری بوکان:

تبصره ۱: در کوچه‌های قدیمی چنانچه نیاز به آسفالت مجدد کل کوچه باشد ۵۰ درصد سهم شهرداری و ۵۰ درصد سهم اهالی کوچه

۷- ابطال بند (الف) ماده ۱۴ تعرفه عوارض و بهاء خدمات محلی سال ۹۷ هزینه‌های آماده‌سازی شهرداری بوکان:

ماده ۷: هزینه‌های آماده‌سازی و ترمیم حفاری

الف: ماده واحده: هزینه‌های خدمات آماده سازی، جدول، آسفالت و بتن معابر به‌عهده تفکیک‌کننده بوده و به صورت یکجا در هنگام تفکیک و یا برای هر یک از قطعات به هنگام صدور پروانه ساختمانی یا پایانکار یا گواهی مفصاحساب محاسبه و اخذ خواهد گردید. مبنای محاسبه هزینه‌های مذکور به شرح زیر می‌باشد:

بتن معابر و پیاده رو هر مترمربع مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال
مبلغ ۸۰/۰۰۰ ریال

آسفالت هر مترمربع مبلغ ۳۵۰/۰۰۰ ریال
مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال

جدول دو طرفه (جوب) هر متر طول مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال
هر متر طول مبلغ ۲۵۰/۰۰۰ ریال

فضای سبز هر مترمربع مبلغ ۸۰/۰۰۰ ریال

۸ - ابطال تبصره یک بند (ب) ماده ۱۴ تعرفه عوارض و بهاء خدمات محلی سال ۹۷
شهرداری بوکان:

تبصره ۱: در کوچه‌های قدیمی چنانچه نیاز به آسفالت مجدد کل کوچه باشد ۵۰ درصد سهم شهرداری و ۵۰ درصد سهم اهالی کوچه

۹- ابطال بند (الف) ماده ۱۳ تعرفه عوارض و بهاء خدمات محلی سال ۹۸ هزینه‌های آماده‌سازی شهرداری بوکان:

ماده ۷: هزینه‌های آماده‌سازی و ترمیم حفاری

الف: ماده واحده: هزینه‌های خدمات آماده سازی، جدول، آسفالت و بتن معابر به عهده تفکیک‌کننده بوده و به صورت یکجا در هنگام تفکیک و یا برای هر یک از قطعات به هنگام صدور پروانه ساختمانی یا پایانکار یا گواهی مفصاحساب محاسبه و اخذ خواهد گردید. مبنای محاسبه هزینه‌های مذکور به شرح زیر می‌باشد:

بتن معابر و پیاده رو هر مترمربع مبلغ ۳۵۰/۰۰۰ ریال
مبلغ ۱۹۰/۰۰۰ ریال

آسفالت هر مترمربع مبلغ ۴۸۰/۰۰۰ ریال
مبلغ ۷۰۰/۰۰۰ ریال

به حساب شهرداری واریز که مبلغ ۲۵۱/۳۹۸/۹۸۸ ریال بابت هزینه آماده‌سازی از قبیل بتن معابر و پیاده‌رو، زیرسازی، آسفالت، جدول پاکاتیو، جدول دو طرفه جوب و فضای سبز اخذ گردیده در سال ۱۳۷۸ برابر صورت جلسه تفکیکی دفترخانه اسناد رسمی ۱۲ بوکان از شهرداری استعمال و شهرداری طی نامه ۱۳۷۸/۸/۱۹ اعلام کرده ملک به مالکیت بنیاد شهید در حق خانم نسرین حسینی اصل با توجه به طرح هادی در مسیر طرح عمرانی قرار نداشته و با شهرداری مفصاحساب نموده است. شورای اسلامی شهر در راستای قانون تشکیلات، وظایف و ... خارج از حیطه و اختیارات خود اقدام به تصویب مصوبه غیرقانونی مبنی بر اخذ هزینه‌های آماده‌سازی و فضای سبز از مرتب‌تین نموده و ابطال آن را از تاریخ تصویب درخواست کرده و به استناد ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۸۰ و تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه سال ۱۳۸۹ و ماده ۱ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب سال ۱۳۴۷ و اصلاحیه‌های بعدی و تبصره ۴ ماده ۴ لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب سال ۱۳۵۹ و اصلاحات سال ۱۳۸۸ مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و ... درخواست ابطال آن را خواسته است. با عنایت به مراتب فوق و با توجه به قوانین جاری و اعمال ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و آراء مذکور هیأت عمومی دیوان تقاضای رسیدگی و ابطال مصوبات شورای اسلامی شهر بوکان را از زمان تصویب از قضات معزز دیوان را دارم.

متن مقرره‌های مورد اعتراض به شرح زیر است:

"۱- ابطال بند ۲ تعرفه شماره ۲۱- ۲ عوارض و بهاء خدمات محلی سال ۹۶ -
عوارض فضای سبز

ردیف	عنوان تعرفه عوارض	مأخذ و نحوه محاسبه عوارض	توضیحات
۲	فضای سبز	معادل ۵٪ عوارض زیربنا و عرصه	بند ۱: این عوارض هنگام صدور پروانه، اصلاح و یا پایان کار ساختمانی توسط شهرداری وصول و صرفاً می‌بایستی در ارتباط با توسعه و تجهیز آتش نشانی و یا فضای سبز هزینه گردد. بند ۲: ضریب K حداکثر پنج درصد تعیین می‌گردد. بند ۳: عوارض فوق از بناهایی که توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ رأی ابقاء صادر می‌شود نیز وصول و صرفاً می‌بایستی در ارتباط با توسعه و تجهیز آتش نشانی و یا فضای سبز هزینه گردد.

۲- ابطال بند ۲ تعرفه شماره ۱۹ - ۲ عوارض و بهاء خدمات محلی سال ۹۷ -
عوارض فضای سبز

ردیف	عنوان تعرفه عوارض	مأخذ و نحوه محاسبه عوارض	توضیحات
۲	فضای سبز	معادل ۵٪ عوارض زیربنا و عرصه	بند ۱: این عوارض هنگام صدور پروانه، اصلاح پروانه و یا پایان کار ساختمانی توسط شهرداری وصول و صرفاً می‌بایستی در ارتباط با توسعه و تجهیز آتش نشانی (عوارض ردیف ۱) و یا فضای سبز (عوارض ردیف ۲) هزینه گردد. بند ۲: ضریب K حداکثر پنج درصد تعیین می‌گردد. بند ۳: عوارض فوق از بناهایی که توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ رأی ابقاء صادر می‌شود نیز وصول و صرفاً می‌بایستی در ارتباط با توسعه و تجهیز آتش نشانی (عوارض ردیف ۱) و یا فضای سبز (عوارض ردیف ۲) هزینه گردد.

۳- ابطال بند ۲ تعرفه شماره ۱۷ - ۲ عوارض و بهاء خدمات محلی سال ۹۸ -
عوارض فضای سبز

ردیف	عنوان تعرفه عوارض	مأخذ و نحوه محاسبه عوارض	توضیحات
۲	فضای سبز	معادل ۵٪ عوارض زیربنا و عرصه	بند ۱: این عوارض هنگام صدور پروانه، اصلاح پروانه و یا پایان کار ساختمانی توسط شهرداری وصول و صرفاً می‌بایستی در ارتباط با توسعه و تجهیز آتش نشانی (عوارض ردیف ۱) و یا فضای سبز (عوارض ردیف ۲) هزینه گردد. بند ۲: ضریب K حداکثر پنج درصد تعیین می‌گردد. بند ۳: عوارض فوق از بناهایی که توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ رأی ابقاء صادر می‌شود نیز وصول و صرفاً می‌بایستی در ارتباط با توسعه و تجهیز آتش نشانی (عوارض ردیف ۱) و یا فضای سبز (عوارض ردیف ۲) هزینه گردد.

توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص و ابطال شده است و همچنین طبق بند ۱ ماده ۵۵ قانون شهرداری، ایجاد خیابانها، کوچهها، میدانها، باغهای عمومی و مجاری آب و توسعه معابر در حدود مقررات موضوعه از وظایف شهرداریها است و در قوانین موضوعه صرفاً در تبصره ۴ ماده واحده قانون تعیین وضعیت اراضی و املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها در هنگام تقاضای ورود به محدوده و استفاده از امکانات شهری، پرداخت هزینه آماده‌سازی برعهده مالکین گذاشته شده است، بنابراین بند (الف) ماده ۷ و تبصره ۱ بند (ب) ماده ۷ از تعرفه عوارض و بهای خدمات محلی سال ۱۳۹۶، بند (الف) و تبصره ۱ بند (ب) ماده ۱۴ از تعرفه عوارض و بهای خدمات محلی سال ۱۳۹۷، بند (الف) و تبصره ۱ بند (ب) ماده ۱۳ از تعرفه عوارض و بهای خدمات محلی سال ۱۳۹۸ و بند (الف) و تبصره ۱ بند (ب) ماده ۱۳ از تعرفه عوارض و بهای خدمات محلی سال ۱۳۹۹ شهرداری بوکان که تحت عنوان هزینه‌های آماده‌سازی به تصویب شورای اسلامی شهر بوکان رسیده، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۲۹۸۶

۱۴۰۰/۶/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۲۷ مورخ ۱۴۰۰/۶/۱۶ با موضوع: «ابطال ردیف ۵ بند ۱ ماده ۱۲ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۹ شورای اسلامی شهر اردبیل» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۱۶ شماره دادنامه: ۱۴۲۷ شماره پرونده: ۹۹۰۲۹۸۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: شرکت تولیدی خوراک دام و طیور آرتا شهر

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ردیف ۵ بند ۱ ماده ۱۲ از تعرفه عوارض محلی

سال ۱۳۹۹ مصوب شورای اسلامی شهر اردبیل در خصوص عوارض ارزش افزوده حاصل

از تغییر کاربری املاک واقع در محدوده و حریم شهر

گردش کار: شرکت تولیدی خوراک دام و طیور آرتا شهر به موجب دادخواستی

ابطال ردیف ۵ بند ۱ ماده ۱۲ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۹ مصوب شورای اسلامی شهر اردبیل را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً با تقدیم اسناد و مدارک مثبت تقدیمی مواردی را در راستای ابطال بند ۱ از

ماده ۱۲ مصوبه تصویبی شورای شهر اردبیل به سال ۱۳۹۹ با موضوع عوارض ارزش افزوده

ناشی از تغییر کاربری بر اراضی و املاک طی شکواییه حاضر تنظیم و تقدیم آن مقامات

عالیقدر می‌دارم. معروض دارد به دلالت مندرجات و کپی سند رسمی ملک به پلاک ثبتی

شماره باقیمانده ۳۵۲ فرعی از ۱۲۷ اصلی واقع در بخش ۳ اردبیل به صورت شش‌دانگ در

ملکیت شرکت تولیدی خوراک دام و طیور آرتا شهر بوده و برابر استعلامات به عمل آمده از

ارگانهای دولتی و ذیصلاح به سال ۱۳۶۲ مجوز کاربری (تولیدی) به‌عنوان تولیدات

محصولات دامی اخذ نموده است و در راستای اخذ مجوز قانونی برای احداث کارخانه در آن

سنه از مراجع قانونی نسبت به پرداخت کلیه هزینه‌های متعلقه و جاری به آن مراجع اقدام

نموده است حال شهرداری با تصویب مصوبه غیرقانونی در شورای شهر با استناد به بند ۱

ماده ۱۲ به عنوان عوارض محلی اقدام به اخذ مبلغ ۶۵/۰۱۰/۷۵۰/۰۰۰ ریال به عنوان

عوارض ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری برای اراضی و املاک بالای ۶۰۰۰ متر با تعرفه و

فرمول خاص نموده است و این در حالی بوده که مصوبه مزبور مغایر با اصل ۴۷ قانون

اساسی و برخلاف اصل تسلیط و اعتبار مالکیت مشروع اشخاص است که این امر تهدید به

دایره اعمال حقوقی مالکانه اشخاص و کاهش قلمرو آن بدون تمسک به حکم قانونگذار بوده

و وجه دریافتی فاقد وجهت قانونی و خلاف قانون و نهائماً خارج از حدود صلاحیت شورای

شهر و شهرداری است و اخذ عوارض غیر از قوانین آن هم با تصویب شورای شهر با عنوان

تغییر کاربری اجحاف در حق مردم و مخالف قانون بوده و اخذ عوارضی که غیر از آنچه در

قانون تجمیع عوارض ثانوی بوده و وجهت قانونی نداشته است.

از سوی دیگر برخلاف مفاد بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات

شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ که صرفاً تصویب نرخ

خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سازمان‌های وابسته به آن را با رعایت آیین‌نامه مالی

جدول دو طرفه (جوب) هر متر طول مبلغ ۹۰۰/۰۰۰ ریال رفیوژ یا تک جدول

هر متر طول مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال

فضای سبز هر مترمربع مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ ریال

۱۰- ابطال تبصره یک بند (ب) ماده ۱۳ تعرفه عوارض و بهاء خدمات محلی سال

۹۸ شهرداری بوکان:

تبصره ۱: در کوچه‌های قدیمی چنانچه نیاز به آسفالت مجدد کل کوچه باشد ۵۰

درصد سهم شهرداری و ۵۰ درصد سهم اهالی کوچه و ادارات خدمات رسان خواهد بود

۱۱- ابطال بند (الف) ماده ۱۳ تعرفه عوارض و بهاء خدمات محلی سال ۹۹

هزینه‌های آماده‌سازی شهرداری بوکان:

ماده ۷: هزینه‌های آماده‌سازی و ترمیم حفاری

الف: ماده واحده: هزینه‌های خدمات آماده سازی، جدول، آسفالت و بتن معابر به

عهده تفکیک‌کننده بوده و به صورت یکجا در هنگام تفکیک و یا برای هر یک از قطعات

به هنگام صدور پروانه ساختمانی یا پایانکار یا گواهی مفصاحساب محاسبه و اخذ خواهد

گردید. مبنای محاسبه هزینه‌های مذکور به شرح زیر می‌باشد:

بتن معابر و پیاده رو هر مترمربع مبلغ ۳۵۰/۰۰۰ ریال

زیرسازی هر مترمربع

مبلغ ۱۹۰/۰۰۰ ریال

آسفالت مترمربع مبلغ ۴۸۰/۰۰۰ ریال

جدول پاکتیو هر مترمربع

مبلغ ۷۰۰/۰۰۰ ریال

جدول دو طرفه (جوب) هر متر طول مبلغ ۹۰۰/۰۰۰ ریال رفوژ یا تک جدول

هر متر طول مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال

فضای سبز هر مترمربع مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ ریال

۱۲- ابطال تبصره یک بند (ب) ماده ۱۳ تعرفه عوارض و بهاء خدمات محلی سال

۹۹ شهرداری بوکان:

تبصره ۱: در کوچه‌های قدیمی چنانچه نیاز به آسفالت مجدد کل کوچه باشد ۵۰

درصد سهم شهرداری و ۵۰ درصد سهم اهالی کوچه و ادارات خدمات رسان خواهد بود.

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر بوکان به موجب لایحه

شماره ۲۳۰۵/ش/الف - ۱۳۹۹/۱۲/۹ به طور خلاصه توضیح داده است که:

«شهرداری‌ها مؤسسه عمومی خدماتی غیردولتی هستند و بودجه و اعتبارات خود را

باید خود تأمین نمایند و مصوبات شوراها برای یک سال تصویب و در طول یکسال قابلیت

اجرائی دارد و لذا مصوبات سال‌های ۱۳۹۶ الی ۱۳۹۸ از اعتبار ساقط است و منتفی

شده‌اند و درخواست ابطال آن سالیه به انتفاء موضوع است و درخواست ابطال آن کاری

عبث و بیهوده است. مطابق تبصره ۳ ماده ۱۰۱ قانون شهرداری‌ها حق السهم شهرداری

در زمین‌های بالاتر از ۵۰۰ مترمربع تا ۲۵ درصد برای سرانه‌های فضای عمومی و خدماتی

و تا ۲۵ درصد از باقیمانده برای تأمین شوارع طبق طرح تفصیلی می‌باشد و شهرداری

می‌تواند با توافق مالک قدرالسهم خود را بر اساس قیمت روز دریافت نماید و ردیف

عوارض و بهاء خدمات مشمول زمین‌هایی است که بعد از سال ۱۳۹۰ و بدون اخذ مجوز

تفکیک و قطعه بندی شده‌اند می‌گردد نه تنها مغایرتی با قانون ندارد بلکه مطابق قانون

است و شهرداری طبق نظر کارشناس ۸ درصد قیمت روز آن را مطالبه می‌نماید.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۱۶ با حضور رئیس و معاونین

دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از

بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - هرچند در بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای

اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی، تعیین نرخ و

میزان عوارض از اختیارات شوراهای اسلامی شهر ذکر شده است، ولی با توجه به اینکه در

قوانین مرتبط با فضای سبز از جمله قانون گسترش فضای سبز شهرها و اصلاحیه‌های

بعدی آن، عوارض فضای سبز شهری پیش‌بینی نشده است. بنابراین بند ۲ تعرفه شماره

۲-۲۱ از تعرفه عوارض و بهای خدمات محلی سال ۱۳۹۶، بند ۲ تعرفه شماره ۱۹ - ۲ از

تعرفه عوارض و بهای خدمات محلی سال ۱۳۹۷، بند ۲ تعرفه شماره ۱۷ - ۲ از تعرفه

عوارض و بهای خدمات محلی سال ۱۳۹۸ و بند ۲ تعرفه شماره ۱۷ - ۲ از تعرفه عوارض

و بهای خدمات محلی سال ۱۳۹۹ شهرداری بوکان که تحت عنوان عوارض فضای سبز به

تصویب شورای اسلامی شهر بوکان رسیده، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و

مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت

اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

ب - با توجه به اینکه در آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله

دادنامه شماره ۱۱۴۵ - ۱۳۹۹/۹/۲۵ این هیأت، وضع عوارض برای هزینه آماده‌سازی

تبصره ۱: سایر هزینه‌های متعلقه اعم از آماده‌سازی تفکیک و ... مطابق ماده و بندهای مربوطه مندرج در تعرفه سال ۱۳۹۹ محاسبه و اخذ خواهد شد.

تبصره ۲: در صورتی که برای سهم شهرداری کمتر از سهم مشخص شده در جدول فوق توافق و یا تصمیم‌گیری شود شهرداری می‌تواند با اخذ مجوز از شورای شهر اقدام نماید.

تبصره ۳: برای کلیه املاکی که از طریق مراجع قانونی از جمله دیوان عدالت اداری پروانه ساختمانی در کاربری‌های عمومی یا غیرمسکونی صادر شده باشد در صورت تغییر کاربری از طریق کمیسیون ماده ۵ و یا طرح تفصیلی جدید عوارض مربوطه مطابق همین ماده محاسبه و اخذ خواهد شد.

تبصره ۴: در صورت توأمان بودن تفکیک و تغییر کاربری برابر ماده تفکیک و افراز این تعرفه اقدام خواهد شد.

تبصره ۵: سهم شهرداری اردبیل به میزان مندرج در جدول و به صورت زمین دریافت می‌شود. در صورت تقاضای مالک برای خرید سهم شهرداری و موافقت شهرداری معادل قیمت روز زمین طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری اخذ خواهد شد.

۲- برای املاک و اراضی خارج از محدوده و داخل حریم که درخواست پروانه غیرمسکونی نمایند عوارضات احداثی پذیره تغییر کاربری و ... اخذ شده و سایر عوارضات از قبیل آماده‌سازی تفکیک حق مشرفیت و ورود به محدوده اخذ نخواهد و بعداً در صورت ورود به محدوده طبق ضوابط زمان مراجعه محاسبه و اخذ خواهد بود.

تبصره: عوارض تغییر کاربری برای احداثی‌های تولیدی و صنعتی ۱۰٪ عوارض تعیین شده در جدول و برای احداثی‌های تجاری و خدماتی ۵۰٪ عوارض تعیین شده در جدول خواهد بود.

۳- عوارض بر ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری بر اثر طرح تفصیلی تا مورخ ۱۳۸۴/۴/۱۲ برای املاک دایر و بایر در مناطق کم برخوردار P۱۲ و سایر مناطق P۲۰ و برای اصلاحیه‌های طرح تفصیلی بعد از تاریخ فوق مطابق همین ماده محاسبه و اخذ خواهد شد.

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر اردبیل به موجب لایحه شماره ۴۲۳۷۳-۱۳۹۹/۱۲/۲۸ توضیح داده است که:

«۱- مستحضرید مطابق بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۹ آیین‌نامه مالی شهرداریها، عوارض از منابع درآمد شهرداریها است. از جمله مبانی قانونی این مصوبات می‌توان به بند ۱ ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور مصوب اول آذر ۱۳۶۱، بند ۱۶ ماده ۷۱ و ماده ۷۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب اول خرداد ۱۳۷۵ اشاره کرد برابر رأی هیأت تخصصی عمران، شهرسازی و اسناد در شماره پرونده هـ.ع/۹۱/۹۱ به شماره دادنامه ۲۱۲-۱۳۹۵/۹/۲۹ که مقرر نموده «طبق بند ۱۶ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵، تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود از جمله وظایف و مسئولیتهای شورای اسلامی شهرها محسوب شده و در تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷، وضع عوارض محلی جدید که تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده باشند، با رعایت مقررات مربوط تجویز شده است.

۲- به تجویز قوانین متعدد از جمله ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده، تصویب عوارض پیش‌بینی شده است. برابر آرای متعدد وحدت رویه نیز تصویب عوارض نسبت به‌مواردی که در قانون تصریح نشده توسط شورای اسلامی شهر مجاز می‌باشد. برابر بند مورد اعتراض شاکی آنچه مصوب گردیده مطالبه عوارض نسبت به زمینهایی است که در اثر تغییر کاربری املاک مشمول افزایش ارزش افزوده شده‌اند لیکن از بابت این ارزش افزوده و استفاده از مزایای آن در محدوده حریم شهر حقوق دیوانی و عوارض آن پرداخت نشده است. اینکه ملکی بدون پرداخت هیچ گونه حق دیوانی و بدون هیچ فعالیتی بر روی آن که منجر به ایجاد ارزش افزوده گردد و صرفاً به لحاظ وقوع ملک در محدوده شهر و بدون پرداخت ریالی عوارض و حقوق دیوانی، مشمول تغییر کاربری گشته و ریالی از بابت عوارض برابر قوانین فوق پرداخت نکند مصداق بارز دارا شدن ناعادلانه است که هم در شرع و هم در قانون مذموم دانسته شده و حکم بر ممنوعیت آن صادر گردیده است. آیه ۲۹ سوره نساء دارا شدن ناعادلانه را به شدت سرزنش و از آن نهی گردیده است «یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل» مطابق با قانون مدنی، قاعده کلی مبنی بر این می‌باشد که کسی که بدون جهت یعنی بدون سبب مشروع، مال فرد دیگری را دارا شده است، می‌بایست آن را به صاحبش برگرداند، ماده ۳۰۱ قانون مدنی بیان نموده «کسی که عمداً یا اشتهاً چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است آن را به مالک تسلیم کند.» در مانحن فیه علی‌رغم تغییر کاربری ملک در اوایل دهه ۶۰ شاکلی نسبت به پرداخت حقوق دیوانی خود چه آنچه در قوانین متعدد وضع شده و چه آنچه که پارلمان محلی تصویب کرده اقدام نموده است لذا در این خصوص با توجه به اینکه برابر ماده ۴ قانون مدنی و ماده ۱۲۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی مدنی ناظر بر قانون

و معاملاتی شهرداریها با رعایت مقررات از جمله وظایف شورای اسلامی شهر اعلام کرده است و شهرداری خدماتی در خصوص تغییر کاربری ارائه نمی‌نماید و شورای شهر صلاحیت و اختیار قانونی برای تصویب عوارض تحت عنوان عوارض تغییر کاربری که در رأی شماره ۲۲۹ کلاسه پرونده ۱۰۳۱/۹۴-۱۳۹۵/۳/۲۲ و سایر آراء صادره از هیأت عمومی نیز غیرقانونی بودن آن اعلام شده است و مفاد ماده ۱۲ تعرفه عوارض فوق‌الذکر مغایر با ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و تبصره‌های آن و نیز خلاف قانون تجمیع عوارض بود زیرا به استناد رأی وحدت رویه صادره در دیوان عدالت اداری پس از پرداخت جریمه ماده ۱۰۰ قانون شهرداری فقط می‌تواند عوارضات قانونی را مطالبه نماید که غیرقانونی بودن آن نیز طی دادنامه شماره ۱۵۲۹ موضوع پرونده کلاسه ۴۷۸/۹۱-۱۳۹۳/۹/۲۴ صادره از هیأت عمومی دیوان اعلام شده است که اینکه هرگونه تغییراتی در ملک اینجانب صورت پذیرفته توسط ارگانهای ذیربط و ذی صلاح با پرداخت هزینه‌های متعلقه صورت پذیرفته و شهرداری اقدامی انجام نداده تا مستحق دریافت عوارض آن هم با تعرفه یک طرفه و غیرقانونی شده باشد. از سوی دیگر مطابق اصل ۵۱ قانون اساسی ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران اخذ هرگونه مال، وجه، کالا و خدمات از شهروندان می‌بایست با تجویز قانونی باشد. اخذ وجه بابت تغییر کاربری در هیچ جای قانون تصریح نشده و شهرداری بابت تغییر کاربری حق اخذ وجه از شهروندان ندارد. دیگر اینکه مطابق اصل ۳۶ قانون اساسی حکم به مجازات و تعیین جریمه صرفاً از طریق قانون ممکن است و وضع قاعده در این باب صرفاً در صلاحیت مقنن (مجلس شورای اسلامی) است. مقنن نیز در ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها، مرجع تغییر مجازات بازدارنده و همچنین تعیین جریمه برای شهروندان متخلف را پیش‌بینی نموده و بر اساس این ماده صرفاً کمیسیون ماده ۱۰۰ صالح رسیدگی به این موضوع و تغییر جریمه شده است و شهروندان صرفاً موظف به پرداخت جریمه تعیینی توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ می‌باشند، بنابراین هنگامی که شورای اسلامی شهرها حق در جریمه نمودن شهروندان ندارند علی‌القاعده نسبت به آن نیز نمی‌توانند وضع قاعده نماید و مصوبه معترض بر خلاف اصل ۳۶ قانون اساسی تصویب شده است که از آن مقام با لحاظ قرار دادن دادنامه استنادی و موارد اعلامی تقاضای رسیدگی و صدور حکم شرح ستون خواسته مبنی بر ابطال بند ۱ از ماده ۱۲ مصوبه تصویبی شورای شهر اردبیل مربوط به عوارض ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری املاک با ملحوظ قرار دادن نظریه شورای نگهبان در خلاف بودن اخذ مبلغ از بابت تغییر کاربری مورد تمناست.

در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۹ - ۲۹۸۶ - ۴ مورخ ۱۴۰۰/۲/۱۲ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده، توضیح داده است که:

«منظور از خلاف شرع بودن در دادخواست تقدیمی این است که چون در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و شرع مقدس اسلام مالکیت اشخاص محترم دانسته شده لذا تصویب مقرراتی که مالکیت اشخاص را محدود کند در صورتی که مصوبه خارج از حدود اختیارات اداره تصویب‌کننده باشد با دستور شرع مقدس اسلام که می‌فرماید «الناس مسلطون علی اموالهم» منافات خواهد داشت و مواد خاصی از قوانین اسلام مورد ادعای ما نیست.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«تعرفه مصوب عوارض محلی و بهاء خدمات شهرداری اردبیل

برای اجرا در سال ۱۳۹۹

ماده ۱۲ عوارض ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری املاک

۱- عوارض ارزش افزوده حاصل از تغییر کاربری املاک واقع در محدوده و حریم شهر به شرح ذیل می‌باشد.

مساحت عرصه	سهم شهرداری
ارضی و املاک تا ۵۰ مترمربع	۳۰ p
ارضی و املاک ۵۰۱ الی ۱۰۰۰ مترمربع	۲۷p
ارضی و املاک ۱۰۰۱ الی ۳۰۰۰ مترمربع	٪۲۵
ارضی و املاک ۳۰۰۱ الی ۶۰۰۰ مترمربع	٪۳۰
ارضی و املاک ۶۰۰۱ الی ۱۰۰۰۰ مترمربع	٪۳۵
ارضی و املاک ۱۰۰۰۱ الی ۱۵۰۰۰ مترمربع	٪۴۰
ارضی و املاک بیش از ۱۵۰۰۰ مترمربع	٪۴۳/۷۵

سود و یا بازده مورد انتظار به تصویب شورای پول و اعتبار و تأیید رئیس جمهور خواهد رسید. این در حالی است که به موجب ماده ۲۰ دستورالعمل فوق‌الذکر عملاً نرخ کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه پرداختی که ۴٪ درصد بوده و توسط شورای پول و اعتبار تعیین گردیده است، افزایش یافته و متقاضی استفاده از تسهیلات، نرخ کارمزد مبلغ مسدودی را نیز پرداخت می‌نماید در حالی که مبلغ کمتری دریافت نموده، بنابه مراتب ماده ۲۰ دستورالعمل شماره ۳۰۸۴ - ۳ - ۱۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۷/۵ مدیرعامل صندوق کارآفرینی امید، مغایر با قانون یاد شده و خارج از حدود اختیارات واضع تشخیص و ابطال آنها در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری (به صورت فوق‌العاده و خارج از نوبت) با لحاظ ماده ۱۳ قانون اخیرالذکر مورد تقاضا می‌باشد.

متن مقرر در مورد شکایت به شرح زیر است:

«ماده ۲۰ دستورالعمل شماره ۳۰۸۴ - ۳ - ۱۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۷/۵ صندوق کارآفرینی امید:

«ماده ۲۰ - آورده متقاضی حداقل باید ۱۰٪ یا ۲۰٪ کل مبلغ تسهیلات باشد و به‌صورتی که سهم آورده به مبلغ تسهیلات اضافه می‌گردد و به منظور حسن اجرای تعهدات و اجرای طرح با اخذ رضایت‌نامه کتبی از متقاضی مبلغ موصوف تا پایان اقساط در حساب متقاضی نزد صندوق تودیع می‌شود و در صورت عدم اجرای طرح و یا در صورتی که اقساط متقاضی بیش از ۳ قسط و در وضعیت سررسید گذشته قرار گیرد از حساب مذکور به‌منظور کارسازی جریمه عدم اجرای طرح یا اقساط معوق برداشت می‌گردد.

مثال: چنانچه مبلغ مصوب تسهیلات متقاضی ۱۰۰ میلیون ریال باشد با احتساب ۲۰٪ سهم آورده متقاضی مبلغ تسهیلات ۱۲۰ میلیون ریال مصوب و ثبت می‌گردد و مبلغ ۲۰ میلیون ریال در حساب متقاضی تا پایان اقساط به منظور حسن اجرای تعهدات نزد صندوق تودیع می‌گردد.»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیر حقوقی و امور قراردادهای صندوق کارآفرینی امید به موجب لایحه شماره ۱۴۰۰/۸/۱۸ - د/۱۴۰۰/۸/۱۸ توضیح داده است که:

«چنانچه مستحضرید به جهت وجود مبانی قانونی در تصویب حداقل و حداکثر نرخ سود و کارمزد تسهیلات پرداختی در شبکه بانکی از سوی شورای پول و اعتبار موضوع ماده ۲ اصلاحی فصل سوم آیین‌نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا، ممنوعیت بلوکه نمودن بخشی از تسهیلات اعطایی به مشتریان در بخشنامه ابلاغی بانک مرکزی به‌شماره ۹۱/۶۲۶۶۸ - ۱۳۹۱/۳/۱۰ مدیرکل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تأکید بر این مهم طی بخشنامه شماره ۹۹/۱۰۰۸۳۲ - ۹۹/۱۰۰۸۳۲ از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، صندوق کارآفرینی امید پیشتر موضوع ممنوعیت انسداد مبلغی از تسهیلات اعطایی به‌مشتریان خود را ملحوظ نظر قرار داده است که در این راستا فارغ از اینکه مفاد ماده ۲۰ دستورالعمل اعطایی تسهیلات قرض‌الحسنه اشتغال به شماره سند ۳۰۸۴ - ۳ - ۱۰۵ عملاً در عرصه اجرا تحقق نیافته است. با اعلام نظر دفتر حقوقی صندوق طی مکاتبه شماره ۹۷/۲۳۷۹۷ - ۱۳۹۷/۱۱/۲۸ مبنی بر ممنوعیت قانونی مسدود نمودن ۱۰٪ الی ۲۰٪ درصد از مبلغ تسهیلات اعطایی عنوان شده در ماده ۲۰ دستورالعمل اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه، از مشتریان خود بخواهد مبلغ مورد نظر (۱۰٪ الی ۲۰٪ درصد) را به‌عنوان وثیقه (سپرده نقدی) در وجه صندوق پرداخت نماید» که اخیراً در بخشنامه شماره ۹۹/۱۰۰۸۳۲ - ۹۹/۱۰۰۸۳۲ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مورد اشاره واقع و به‌بانکها ابلاغ گردیده است در همان فواصل زمانی ابلاغ دستورالعمل تسهیلاتی مقرر گردید، مدیر امور تلفیق برنامه و فناوری اطلاعات صندوق کارآفرینی امید (مرجع ابلاغ مقررات داخلی صندوق) مراتب این مهم را در قالب بخشنامه‌ای تحت عنوان الحاقیه به‌دستورالعمل یاد شده به صندوق استانهای سراسر کشور ابلاغ دارند (مکاتبه شماره ۹۷/۲۴۵۳۶ - ۱۳۹۷/۱۲/۵). علی‌ای حال فارغ از مباحث یاد شده ضمن پذیرش نظر معاون حقوقی، نظارت همگانی و امور مجلس سازمان بازرسی کل کشور، موضوع ممنوعیت انسداد ۱۰٪ الی ۲۰٪ درصد از مبلغ تسهیلات اعطایی مصحح درماده ۲۰ دستورالعمل اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه اشتغال به شماره سند ۳۰۸۴ - ۳ - ۱۰۵ و ابطال این ماده به موجب بخشنامه شماره ۵۲۱۴ - ۵ - ۱۰۵ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۸ به صندوق استانهای سراسر کشور ابلاغ گردیده است. ضمن اینکه با توجه به جایگاه صندوق کارآفرینی امید در حوزه پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه اشتغال، رسالت عمل به تکالیف قانونی و بخشنامه‌های ابلاغی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران همواره سرلوحه کار این صندوق می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

مدنی اثر قانون نسبت به آتیه بوده و عطف بماسبق نمی‌گردد برابر ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری اثر رأی وحدت رویه نسبت به آینده است بنابراین قابل تسری به آراء و تصمیمات سابق نیست با توجه به تاریخ رأی تغییر کاربری زمین موضوع پرونده بدیهی است که این رأی قابل تسری به موضوع نبوده و شاکی می‌بایست حقوق دیوانی را پرداخت نماید.

۳- مستفاد از دادخواست شاکی این است که اعتراض مشارالیه نسبت به عوارض مورد مطالبه شهرداری می‌باشد برابر ماده ۷۷ قانون شهرداریها، در خصوص عوارض مورد مطالبه شهرداری هرگونه اعتراض اشخاص مودی نسبت به عوارض شهرداری، بدو در کمیسیون موضوع این ماده قانونی بررسی می‌گردد. با عنایت به اینکه در خصوص عوارض موضوع شکایت تاکنون اعتراضی از ناحیه شاکیان به این کمیسیون و اصل نشده و از سویی توجهاً به تاریخ تصویب قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در سال ۱۳۹۲ و عطف بماسبق نشدن این قانون و نیز با توجه به تاریخ عوارض موضوع شکایت، بدیهی است که قانون زمان مطالبه عوارض به صورت عام حاکم بوده و برابر این قانون شاکیان بایستی بدو نسبت به اعتراض به موضوع در کمیسیون موضوع ماده ۷۷ اقدام می‌نمودند. علی‌ایحال با عنایت به مطالب مرقوم رد شکایت مورد استدعاست.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

هرچند براساس آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۳۶۷ الی ۳۸۱ مورخ ۱۳۹۷/۳/۸ این هیأت، وضع عوارض ارزش افزوده ناشی از طرح‌های توسعه شهری و تغییر کاربری توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص نگردیده است، لکن طبق ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان توسط کمیسیون موضوع آن ماده انجام می‌شود و تعیین عوارض ارزش افزوده برای املاک یا اراضی قبل از طرح در کمیسیون ماده ۵ یا بدون اخذ مجوز از مراجع ذیربط قانونی مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار است. بنابراین اطلاق ردیف ۵ بند ۱ ماده ۱۲ از تعرفه عوارض محلی و بهاء خدمات شهرداری اردبیل در سال ۱۳۹۹ که درخصوص عوارض ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری املاک بالای ۶۰۰۰ مترمربع به تصویب شورای اسلامی شهر اردبیل رسیده، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۲۸۰۸

۱۴۰۰/۶/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۳۲ - ۳۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۳۲ مورخ ۱۴۰۰/۶/۶ با موضوع: «ابطال ماده ۲۰ دستورالعمل شماره ۳۰۸۴ - ۳ - ۱۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۷/۵ صندوق کارآفرینی امید از تاریخ تصویب» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۶ شماره دادنامه: ۱۴۳۲ شماره پرونده: ۹۹۰۲۸۰۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۲۰ دستورالعمل شماره ۳۰۸۴ - ۳ - ۱۰۵

مورخ ۱۳۹۶/۷/۵ صندوق کارآفرینی امید

گردش کار: معاون حقوقی، نظارت همگانی و امور مجلس سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۳۰۰/۲۸۸۳۴۵ - ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ اعلام کرده است که:

«احتراماً دستورالعمل شماره ۳۰۸۴ - ۳ - ۱۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۷/۵ صندوق کارآفرینی امید از جهت انطباق با قانون در این سازمان مورد بررسی قرار گرفته که نتیجه آن به‌شرح ذیل جهت استحضار و اقدام شایسته قانونی اعلام می‌شود. مطابق با قانون عملیات بانکی بدون ربا و طبق ماده ۲ آیین‌نامه فصل سوم قانون مذکور (تسهیلات اعطایی) ضوابط تعیین سود و نرخ بازده مورد انتظار ناشی از تسهیلات اعطایی بانکها و حداقل و حداکثر

رأی هیأت عمومی

مطابق قانون عملیات بانکی بدون ربا و ماده ۲ آیین‌نامه فصل سوم قانون مذکور (تسهیلات اعطایی) ضوابط تعیین سود و نرخ بازده مورد انتظار ناشی از تسهیلات اعطایی بانکها و حداقل و حداکثر سود و یا بازده مورد انتظار به تصویب شورای پول و اعتبار و تأیید رئیس‌جمهور خواهد رسید. نظر به اینکه به موجب ماده ۲۰ دستورالعمل شماره ۳۰۸۴ - ۳ - ۱۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۷/۵ صندوق کارآفرینی امید نرخ کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه پرداختی که ۰.۴٪ بوده و توسط شورای پول و اعتبار تعیین شده، افزایش یافته و متقاضی استفاده از تسهیلات با وجود اینکه مبلغ کمتری دریافت نموده نرخ کارمزد مبلغ مسدودی را نیز پرداخت می‌نماید و اعمال تغییرات فوق خارج از حدود اختیار مرجع وضع مقرر مذکور و به منزله مداخله در صلاحیت شورای پول و اعتبار است، لذا مقرر فوق مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۱۲۹۹

۱۴۰۰/۶/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۴۵ مورخ ۱۴۰۰/۶/۶ با موضوع: «ابطال ماده ۱۴ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ و ماده ۵ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۹ شهرداری اراک مصوب شورای اسلامی شهر اراک از تاریخ تصویب» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۶ شماره دادنامه: ۱۴۴۵ شماره پرونده: ۹۹۰۱۲۹۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: شرکت آب منطقه ای مرکزی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- ماده ۱۴ دفترچه تعرفه عوارض محلی سال

۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر اراک

۲- ماده ۵ دفترچه تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۹ شورای اسلامی شهر اراک

گردش‌کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال ماده ۱۴ سال ۱۳۹۸ و ماده ۵ سال ۱۳۹۹ از دفترچه تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر اراک را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«شهرداری اراک اخیراً بدون مراعات مقررات، پیشنهاد اخذ عوارضی تحت عنوان «عوارض حفاری» از شرکت‌های خدمات رسان را در دفترچه تعرفه عوارض و بهای خدمات سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ پیش‌بینی و به تصویب شورای شهر رسانده است. عنوان عوارض حفاری اولین بار در ماده ۱۴ دفترچه تعرفه سال ۱۳۹۸ شهرداری اراک گنجانده شده که در ماده ۵ دفترچه سال ۱۳۹۹ نیز تکرار شده است. این در حالی است که در دفترچه عوارض سال‌های قبل از ۱۳۹۸ اراک، صرفاً به عنوان «پذیره تأسیسات شهری» مثل منبع آب اشاره شده که اساساً شامل لوله آبرسانی نخواهد شد، چرا که از زیرزمین عبور می‌کند و اعیانی و ساختمان تأسیساتی در روی زمین ایجاد نمی‌کند. در ماده ۳۱ دفترچه عوارض سال ۱۳۹۷ اراک نیز با عنوان «بهای خدمات و ترمیم حفاری» به اخذ خسارت شکستن آسفالت اشاره شده و مربوط به مواردی است که شهرداری رأساً عملیات ترمیم و اعاده وضع سابق را انجام دهد و هزینه‌ها و بهای خدمات ارائه شده خود را به حساب شرکت حفار منظور کند. تحت همین عنوان، در دفترچه‌های تعرفه سال ۱۳۹۸ (ماده ۲۹) و سال ۱۳۹۹ (ماده ۲۷) شهر اراک نحوه و میزان پرداخت بهای خدمات ترمیم حفاری ذکر شده است. به عبارتی نظر به اینکه آسفالت معابر و خیابانها و میداين و تأمین هزینه‌های مربوط به ارائه خدمات مزبور و حفظ و نگهداری و مرمت آنها و همچنین جلوگیری از سد معبر در موارد ضروری در محدوده شهر به موجب بندهای ۱ و ۲ و تبصره ذیل بند ۲ ماده ۵۵ قانون شهرداری، به عنوان وظایف و مسئولیت‌های شهرداری تصریح شده است، شرکت‌های خدمات‌رسان می‌بایست هزینه‌هایی که شهرداری برای مرمت نوار حفاری متحمل می‌شود، در قالب بهای خدمات به شهرداری پرداخت کنند.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۶۶ الی ۸۶ - ۱۳۹۲/۲/۲ و آراء متعدد دیگری با این استدلال که «مطابق ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷، برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه برای ارائه خدمات که در قانون مزبور تکلیف مالیات و عوارض آنها معین شده، توسط شوراهای اسلامی شهرها ممنوع است و در

بند (الف) ماده ۳۸ قانون اخیرالذکر نرخ عوارض شهرداری‌ها و دهیاریها در رابطه با کالا و خدمات مشمول این قانون علاوه بر نرخ مالیات موضوع ماده ۱۶ قانون، یک ونیم درصد تعیین شده است و تدارک و تأمین آب، برق، گاز، تلفن و خطوط فاضلاب از ناحیه ادارات ذیربط، از مصادیق ارائه خدمات است. بنابراین وضع عوارض مجدد در این گونه موارد وجاهت قانونی ندارد و با عنایت به اینکه طرح دریافت حق‌الارض از شرکت‌های خدماتی - تأسیساتی توسط عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی مطرح و به تصویب نرسیده است، دلالت بر عدم وجود نص قانونی در این زمینه دارد» برقراری هرگونه عوارض با ماهیت حق‌الارض را که تحت عناوین دیگری مثل حق بهره‌برداری و امثالهم، وضع شده، غیرموجه تشخیص داده و ابطال نموده است.

بنابر مراتب مذکور از آنجا که ساز و کار عملیات حفاری در معابر با پیش‌بینی مسئولیت پرداخت هزینه‌ها، مطابق مقررات آیین‌نامه هماهنگی اقدامات عمرانی مؤسساتی که خدمات آنها در داخل محدوده شهرها مستلزم حفاری معابر و احداث تأسیسات می‌باشد (مصوب ۱۳۶۶ هیأت‌وزیران) و دستورالعمل مربوطه، صورت گرفته و چنانچه موجهی برای تعیین عوارض بود، در مقررات مذکور پیش‌بینی می‌شد و از آنجا که ملاحظه رویه قریب به اتفاق سایر شهرداری‌های کشور نیز حکایت از آن دارد که عوارضی تحت عنوان عوارض حفاری برای شرکت‌های خدمات رسان عمومی در نظر گرفته نمی‌شود و موضوع حفاری در فصل بهای خدمات مطرح شده است نه در فصل عوارض، لذا با توجه به آراء هیأت‌های عمومی و تخصصی دیوان و مردود شناختن وضع عوارض حق‌الارض و انواع حقوق ارتفاعی (حق عبور و مجرا) برای شهرداری، مصوبات مورد نظر شورای اسلامی شهر اراک در مورد تعیین عوارض حفاری برای شرکت‌های خدمات رسان که با پیشنهاد شهرداری اراک صورت گرفته و ماهیتاً همان عوارض حق‌الارض بوده و به «عوارض حفاری» تغییر عنوان داده است، مخالف آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بوده و تجاوز از حدود اختیارات قانونی است و به اعتبار آراء مذکور و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، ضمن درخواست اعمال اختیار ماده ۹۲ قانون مذکور ابطال آنها را از زمان تصویب و ابلاغ تعرفه استدعا دارد».

متن تعرف‌های مورد شکایت به شرح زیر است:

الف - ماده ۱۴ دفترچه تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر اراک:

«ماده ۱۴: عوارض حفاری (سال ۹۸)

اشخاص حقیقی و حقوقی هنگام حفاری معابر سطح شهر مکلفند عوارض حفاری به

شرح ذیل را پرداخت نمایند.

حفاری	آسفالت و قطعات بتنی	خاکی
سایر اشخاص	ریال به ازای هر مترمربع ۱/۲۰۰/۰۰۰	۸۰۰/۰۰۰ ریال به ازای هر مترمربع
شرکت‌های خدمات‌رسان (حفار)	ریال به ازای هر مترمربع ۱/۸۰۰/۰۰۰	۱/۲۰۰/۰۰۰ ریال به ازای هر مترمربع

در صورت ترمیم نوار حفاری توسط شهرداری، بهای آن مطابق با تعرفه بهای خدمات محاسبه و اخذ می‌گردد».

ب - ماده ۵ دفترچه تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۹ شورای اسلامی شهر اراک:

«ماده ۵: عوارض صدور مجوز حفاری (سال ۹۹)

اشخاص حقیقی و حقوقی هنگام حفاری معابر سطح شهر مکلفند عوارض

حفاری به شرح ذیل را پرداخت نمایند.

حفاری	آسفالت و قطعات بتنی	خاکی
سایر اشخاص	ریال به ازای هر متر مربع ۱/۲۰۰/۰۰۰	۸۰۰/۰۰۰ ریال به ازای هر متر مربع
شرکت‌های خدمات‌رسان (حفار)	ریال به ازای هر متر مربع ۲/۱۰۰/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال به ازای هر مترمربع

در صورت ترمیم نوار حفاری توسط شهرداری، بهای آن مطابق با تعرفه بهای خدمات محاسبه و اخذ می‌گردد.

چنانچه عملیات حفاری توسط شهرداری بهای آن مطابق با تعرفه بهای خدمات محاسبه و اخذ می‌گردد.

چنانچه عملیات حفاری توسط شرکت‌های خدمات‌رسان (حفار) در مهلت مقرر در مجوز صادره به اتمام نرسد به ازای هر روز تأخیر ۵ درصد مبلغ عوارض که روزانه از مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال کمتر نباشد محاسبه و دریافت گردد».

شماره ۹۹۰۲۴۰۱

۱۴۰۰/۶/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۴۶ مورخ ۱۴۰۰/۶/۶ با موضوع: «ابطال بندهای ۲ و ۳ نامه شماره ۱۳۹۹/۴/۲ ص - ۲۰۰/۴۶۲۲ سازمان امور مالیاتی کشور» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۶ شماره دادنامه: ۱۴۴۶ شماره پرونده: ۹۹۰۲۴۰۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: شرکت بیمه دانا با وکالت آقای امیر یاقوتی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال نامه شماره ۱۳۹۹/۴/۲ ص - ۲۰۰/۴۶۲۲

سازمان امور مالیاتی کشور

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال نامه شماره ۱۳۹۹/۴/۲ ص -

۱۳۹۹/۴/۲ سازمان امور مالیاتی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام

کرده است که:

«به استحضار می‌رساند وفق مفاد رأی شماره ۴۳۲ - ۱۳۹۶/۵/۱۰ صادره از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بخشی از بخشنامه سازمان امور مالیاتی کشور که مفاداً حق بیمه خدمت درمان تکمیلی را مشمول مالیات بر ارزش افزوده تلقی نموده بود ابطال گردید و بنابراین از تاریخ صدور رأی مذکور طی قراردادهای بیمه تکمیلی درمان در کلیه صنعت بیمه هیچ وجهی تحت عنوان مالیات بر ارزش افزوده از مودیان دریافت و بالتبع در وجه سازمان امور مالیاتی کشور تادیه نگردید. متعاقباً و با شکایت ریاست سازمان امور مالیاتی کشور در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۹ هیأت عمومی به موجب رأی لاحق رأی سابق‌الصدور هیأت عمومی را مغایر با قانون مالیات بر ارزش افزوده تلقی نموده و حکم به عدم ابطال و ابقاء بخشی از بخشنامه سازمان امور مالیاتی صادر کرد. در رأی سابق‌الصدور هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اشعار داشته بود که مطابق بند ۹ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده، انواع دارو و لوازم مصرفی درمانی، خدماتی درمانی (انسانی، حیوانی و گیاهی) و خدمات توانبخشی و حمایتی از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف اعلام شده است. نظر به اینکه در سطر آخر بخشنامه مورد اعتراض، پرداخت خدمات بیمه، درمان و تکمیل درمان از معافیت مذکور در حکم قانون پیش گفته خارج شده است. بنابراین این قسمت از بخشنامه مغایر قانون یاد شده بوده و تصویب آن از حدود اختیارات سازمان امور مالیاتی خارج می‌باشد و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود، اعضاء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با اعمال ماده ۱۳ قانون اخیرالذکر و تسری ابطال بخشنامه به زمان تصویب آن فقط نسبت به پرداخت‌کنندگان مستقیم مالیات بر ارزش افزوده موافقت کردند. در حال حاضر سازمان امور مالیاتی بدون التفات به‌قاعده عطف بماسبق نشدن آراء صادره از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری طی دستورالعمل معترض عنه اشعار داشته است که چنانچه مراحل حسابرسی و رسیدگی به‌اعتراض مالیاتی پایان نیافته باشد و پرونده مالیاتی در جریان باشد و بیمه نامه‌های صادره از تاریخ ۱۳۹۶/۵/۱۰ تا ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ مشمول مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد.

چنین تفسیر شدنی از آراء صادره از هیأت عمومی دیوان موجب بی‌اعتباری آراء صاداری از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. در تاریخ مندرج در دستورالعمل سازمان امور مالیاتی، رأی سابق‌الصدور هیأت عمومی دیوان در مقام ابطال و بی‌اعتباری بخشی از بخشنامه سازمان امور مالیاتی دایر بر شمول درآمد حق بیمه‌های درمان تکمیلی به مالیات بر ارزش و اجد اعتبار بوده و در طول این زمان حق بیمه درمان تکمیلی مشمول مالیات بر ارزش افزوده نبوده است. نظر به مفاد ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ اثر آراء صادره از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر بطلان و بی‌اعتباری مصوبات و بخشنامه‌ها و ... نسبت به آتیه است و موجب بی‌اعتباری آراء سابق نمی‌شود. با این تصریح رأی شماره ۲۸۹۵ - ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ صادره از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری دایر بر بی‌اعتباری مفاد رأی شماره ۴۳۲ - ۱۳۹۶/۵/۱۰ سابق‌الصدور پس از صدور آن لازم‌الاجرا بوده و تا پیش از لازم‌الاجرا شدن رأی لاحق به موجب رأی صاداری پیشین وضع و برقراری مالیات بر ارزش افزوده به حق بیمه درمان تکمیلی غیرمجاز و مغایر با مفاد رأی سابق‌الصدور از سوی هیأت عمومی دیوان است و هر تأویل و تغییری غیر از این موجبات از هم گسیختگی قوت و اعتبار آراء

در پاسخ به شکایت مذکور، شهردار و رئیس شورای اسلامی شهر اراک به موجب لوایح شماره ۴۲۴۸۸ - ۱۳۹۹/۸/۲۷ و ۹۹/۱۲۴۶ - ۱۳۹۹/۸/۲۷ توضیح داده‌اند که:

«اولاً: ماده ۱۴ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری اراک در سال ۱۳۹۸ و ماده ۵ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۹ مربوط به عملیات حفاری و کندمان می‌باشد که به موجب آن اشخاص حقیقی و حقوقی هنگام حفاری معابر می‌بایست پرداخت نمایند و موضوعاً با عوارض حق‌الارض متفاوت می‌باشد، به بیان دیگر عوارض حق‌الارض به جهت حق عبور تأسیسات از معابر عمومی وضع گردیده و علت وضع و موضوع آن با ماهیت عوارض حفاری متفاوت می‌باشد. ثانیاً: با وجود تفاوت موضوعی عناوین یاد شده شایسته ذکر است هیأت عمومی دیوان در بند (الف) رأی شماره ۱۴۷۷ الی ۱۴۸۱ - ۱۳۸۶/۱۲/۱۲ وضع و برقراری عوارض به واسطه خسارت وارده بر آسفالت و استفاده از معابر و خیابان‌ها و میدانی واقع در محدوده شهر و حفاری در آنها به منظور اجرای برنامه‌های مربوط به شرکتهای آب و فاضلاب، برق، مخابرات، گاز را منطبق با موازین قانونی تشخیص داده است. ثالثاً: هیأت وزیران در ماده ۱۳ دستورالعمل نحوه هماهنگی و صدور مجوز حفاری در سطح شهرهای کشور و وصول عوارض بابت اقدامات حفاری از سوی مؤسسات را به‌عنوان بخشی از بودجه کمیسیون‌های هماهنگی شهر و شهرستان در نظر گرفته که مقررات مصوبه مذکور نشانگر جواز اخذ عوارض بابت اقدامات یاد شده می‌باشد. رابعاً: مطابق حکم مقرر در ماده ۱۰۳ قانون شهرداری کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و خصوصی موظفند قبل از هرگونه اقدامی نسبت به کارهای عمرانی واقع در مناطق مندرج در ماده ۹۷ و ۹۸ از قبیل احداث شبکه تلفن و برق و آب و سایر تأسیسات و همچنین اتصال راه‌های عمومی و فرعی رعایت نقشه جامع شهرسازی را بنمایند و این قبیل اقدام باید با موافقت کتبی شهرداری انجام گیرد. خامساً: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با توجه به حکم مقرر در ماده ۱۰۳ قانون شهرداری به موجب دادنامه شماره ۱۷۶ - ۱۳۸۲/۵/۵ ماده ۱۰ دستورالعمل اخیرالذکر با عنوان نحوه هماهنگی و صدور مجوز حفاری در سطح شهرهای کشور را منطبق با موازین قانونی تشخیص داده است. سادساً: بر اساس بند ۲۲ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی، وضع مقررات و نظارت بر حفر مجازی و مسیرهای تأسیسات شهری از جمله وظایف و مسئولیت‌های شورای اسلامی محسوب می‌شود و از همین رو هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۴۸۶ - ۱۳۹۸/۷/۲۱ با استناد به مقرر قانونی یاد شده (بند ۲۲ ماده ۸۰ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی) و همچنین مواد ۹۷ و ۹۸ و ۱۰۳ از قانون شهرداری دستورالعمل صدور مجوز حفاری را منطبق با موازین قانونی تشخیص داده است. سابغاً: هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه‌های شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۰۰۶ - ۱۳۹۸/۱/۳۱ و ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۱۰۲ - ۱۳۹۹/۳/۲۴ که موخر بر آراء مورد استناد شاکی می‌باشند، عوارض پذیره تأسیسات شهری را با در نظر گرفتن بند (ب) رأی شماره ۷۹ - ۱۳۹۵/۲/۲۱ هیأت عمومی دیوان منطبق با موازین قانونی تشخیص داده است.»

با توجه به اینکه درخواست شاکی مبنی بر اعمال ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری پذیرفته نشد، پرونده در اجرای ماده ۸۴ قانون پیش گفته به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع و پس از بررسی و صدور نظریه در این هیأت به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ارجاع شد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه عوارض حفاری در واقع همان عوارض حق‌الارض است و در آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۶۶ الی ۸۶ مورخ ۱۳۹۲/۲/۲ و شماره ۲۷۳ الی ۲۷۷ مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض حق‌الارض توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص و ابطال شده است، بنابراین ماده ۱۴ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ و ماده ۵ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۹ شهرداری اراک که به تصویب شورای اسلامی شهر اراک رسیده، به دلایل مندرج در آرای فوق‌الاشاره هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

ابطال فراز پایانی بخشنامه شماره ۹۲۵۳-۱۳۹۰/۷/۹ سازمان امور مالیاتی کشور که قبلاً ابطال شده بود صادر می‌نماید.» با وصف مذکور سازمان امور مالیاتی کشور با لحاظ این نکته که در خلال فاصله زمانی ایجاد شده بین صدور رأی ابطال (دادنامه ۴۳۲-۱۳۹۶/۵/۱۰) تا نقض آن رأی و اعلام عدم ابطال فراز پایانی بخشنامه یاد شده (دادنامه ۹۲۵۳-۱۳۹۰/۷/۹) با اتخاذ ملاک از مفاد نظریه کمیسیون مشورتی اقتصادی اراضی و شهرسازی دیوان عدالت اداری اعلامی به موجب نامه شماره ۹۰۰۰/۲۳۰/۲۳۳/۲۰۰-۱۳۹۷/۷/۲۱ معاون پیشگیری و پژوهش دیوان عدالت اداری به شرح نامه شماره ۲۰۰/۴۶۲۲-۱۳۹۹/۴/۲ به استعلام رئیس کل بیمه مرکزی ایران پاسخ داد. مفاد دادنامه شماره ۴۳۲-۱۳۹۶/۵/۱۰ پرداخت‌کنندگان مستقیم را در ارتباط با تسری اثر ابطال بخشنامه به زمان تصویب آن ذیحق تلقی کرده بود اشخاص حقوقی مانند شرکت‌های بیمه‌گر از شمول حکم مقرر در دادنامه یاد شده خارج تلقی می‌شوند. (نامه شماره ۶۱۸/۹۴-۱۳۹۷/۲/۱۶ دیوان عدالت اداری) برابر قانون مالیات بر ارزش افزوده شرکت‌های بیمه‌گر به وصول مالیات از اشخاص ثالث در ارتباط با ارائه خدمات بیمه درمان و واریز مالیات و عوارض متعلقه پس از کسر مالیات و عوارض پرداختی مکلف می‌باشند. لذا ذیحق محسوب نمی‌شوند. از این روی تقاضای ابطال نامه صدرالذکر فاقد وجهت قانونی و رد شکایت شاکی مورد استعنا می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۴۳۲ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۰ اعلام کرده است که: «مطابق بند ۹ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده، انواع دارو و لوازم مصرفی درمانی، خدماتی درمانی (انسانی، حیوانی و گیاهی) و خدمات توانبخشی و حمایتی از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف اعلام شده است. نظر به اینکه در سطر آخر بخشنامه مورد اعتراض، پرداخت خدمات بیمه، درمان و تکمیل درمان از معافیت مذکور در حکم قانون پیش گفته خارج شده است، بنابراین این قسمت از بخشنامه مغایر قانون یادشده بوده و تصویب آن از حدود اختیارات سازمان امور مالیاتی خارج می‌باشد و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. اعضای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با اعمال ماده ۱۳ قانون اخیرالذکر و تسری ابطال بخشنامه به زمان تصویب آن فقط نسبت به پرداخت‌کنندگان مستقیم مالیات بر ارزش افزوده موافقت کردند.» هیأت عمومی دیوان عدالت اداری متعاقباً و به موجب دادنامه شماره ۲۸۹۵ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ با اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به دادنامه شماره ۴۳۲ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۰ هیأت عمومی موافقت کرده و اعلام کرد که: «رأی شماره ۴۳۲-۱۳۹۶/۵/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که براساس آن حکم به ابطال قسمتی از بخشنامه شماره ۹۲۵۳ مورخ ۱۳۹۰/۷/۹ سازمان امور مالیاتی کشور به دلیل عدم تسری معافیت مقرر در بند ۹ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده به خدمات بیمه درمان، تکمیل درمان و ارائه خدمات مدیریت و نظارت بر امور درمانی صادر شده، با موازین قانونی یادشده مغایرت دارد و در اجرای حکم ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ضمن نقض رأی شماره ۴۳۲-۱۳۹۶/۵/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، رأی بر عدم ابطال فراز پایانی بخشنامه شماره ۹۲۵۳ مورخ ۱۳۹۰/۷/۹ سازمان امور مالیاتی که قبلاً ابطال شده بود، صادر می‌شود.» با توجه به اینکه دادنامه شماره ۴۳۲ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از زمان صدور (۱۳۹۸/۱۰/۱۰) حاکمیت داشته و در دوره حاکمیت دادنامه فوق خدمات بیمه، درمان و تکمیل درمان از مالیات بر ارزش افزوده معاف بوده است، بنابراین حکم مقرر در بند ۱ نامه شماره ۲۰۰/۴۶۲۲-۱۳۹۹/۴/۲ مورخ ۲۰۰ سازمان امور مالیاتی کشور که براساس آن مقرر شده است که چنانچه حسابرسی یا رسیدگی به اعتراض مالیاتی، قطعی و در زمان حاکمیت بخشنامه سابق (۲۰۰/۹۶/۹۷-۱۳۹۶/۷/۳) تمام مراحل قانونی طی شده باشد، مشمول رأی اخیر دیوان عدالت اداری نمی‌باشد، با توجه به حیات حقوقی بخشنامه مذکور در دوره زمانی قبل از صدور دادنامه شماره ۲۸۹۵ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خلاف قانون و خارج از اختیار نبوده و ابطال نمی‌شود. ولی احکام مقرر در بندهای ۲ و ۳ نامه فوق که براساس آن مقرر شده است که چنانچه مراحل حسابرسی و رسیدگی به اعتراض مالیاتی پایان نیافته باشد و پرونده در جریان باشد، استناد به بخشنامه سابق (۲۰۰/۹۶/۹۷-۱۳۹۶/۷/۳) جایز نبوده و بیمه‌نامه‌های صادره با موضوع خدمات بیمه درمان و تکمیل درمان در فاصله زمانی ۱۳۹۶/۵/۱۰ لغایت ۱۳۹۸/۱۰/۱۰

صادر از عالی‌ترین مرجع اداری خواهد شد و بار شدن تکلیف مالایطاق برای مودیان را سبب می‌گردد. فلسفه قاعده عطف بمسابق نشدن آراء هیأت عمومی حاوی بطلان و بی‌اعتباری مصوبات و بخشنامه‌ها و ... جلوگیری از تزلزل نظام اداری و از هم گسیختگی اعتبار امور دیوانی و جاری است. چرا که با تفسیر حال حاضر سازمان امور مالیاتی و عدم بذل عنایت به مفاد ماده ۸۹ قانون مرقوم حق بیمه درمان تکمیلی قراردادهای بیمه‌گروهی که به اعتبار مفاد رأی وحدت رویه صادره از سوی هیأت عمومی به شماره ۴۳۲-۱۳۹۶/۱۰/۵ از شمول مالیات بر ارزش افزوده خارج گردید به یک باره و با رأی جدیدالصدور از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مشمول مالیات بر ارزش افزوده شد و اقدام سازمان مالیاتی حاکی از الغاء کلیه اعتبارات پیشین و عطف بمسابق تلقی کردن رأی صادره حاضر برخلاف مفاد ماده ۸۹ قانون مزبور و مغایر با سلامت نظام اداری و موجبات تزلزل و از هم گسیختگی اعتبار آراء صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. لذا با تقدیم این دادخواست استدعای احراز بطلان دستورالعمل معترض‌عنه را از آن مقام دارد.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«جناب آقای دکتر سلیمانی

رئیس کل محترم بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران
با سلام و احترام

بازگشت به نامه شماره ۹۹/۱۰۰/۱۳۰۷۱-۱۳۹۹/۲/۲۱، به استحضار می‌رساند:

بهموجب دادنامه شماره ۲۸۹۵-۱۳۹۸/۱۰/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر نقض دادنامه شماره ۴۳۲-۱۳۹۶/۵/۱۰ هیأت مذکور، عدم ابطال فراز پایانی بخشنامه شماره ۹۲۵۳-۱۳۹۰/۷/۹ سازمان امور مالیاتی کشور اعلام و طی بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۹/۱۳-۱۳۹۹/۱/۲۷ ابلاغ گردید. در این چارچوب با توجه به اینکه در فاصله زمانی دادنامه‌های صدرالاشاره خدمات بیمه درمان و تکمیل درمان از پرداخت مالیات و عوارض موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده معاف اعلام گردیده و با عنایت به نظریه شماره ۹۰۰۰/۲۳۰/۲۳۳/۲۰۰-۱۳۹۷/۷/۲۱ معاون حقوقی، پیشگیری و پژوهش دیوان عدالت اداری ابلاغی طی بخشنامه شماره ۲۳۰/۹۷/۱۱۵-۱۳۹۷/۸/۱۴ رعایت موارد ذیل در رابطه با پرونده‌های مالیات بر ارزش افزوده شرکت‌های بیمه‌گر در فاصله زمانی ۱۳۹۶/۵/۱۰ لغایت ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ الزامی است:

۱- چنانچه حسابرسی یا رسیدگی به اعتراض مالیاتی، قطعی و در زمان حاکمیت بخشنامه سابق (۲۰۰/۹۶/۹۷-۱۳۹۶/۷/۳) تمام مراحل قانونی طی شده باشد، مشمول رای اخیر دیوان عدالت اداری نمی‌باشد.

۲- چنانچه مراحل حسابرسی و رسیدگی به اعتراض مالیاتی پایان نیافته باشد و پرونده در جریان باشد، استناد به بخشنامه سابق (۲۰۰/۹۶/۹۷-۱۳۹۶/۷/۳) جایز نبوده و بیمه‌نامه‌های صادره با موضوع خدمات بیمه درمان و تکمیل درمان در فاصله زمانی ۱۳۹۶/۵/۱۰ لغایت ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ مشمول مالیات و عوارض موضوع می‌باشد و شرکت‌های مذکور می‌توانند با توجه به مفاد بند (۱۵) بخشنامه ۲۸۰۰۴-۱۳۸۸/۱۱/۱۲ نسبت به مطالبه مالیات و عوارض موضوعه از بیمه‌گذاران خود اقدام نمایند.

۳- بیمه‌گذاران نیز چنانچه بهای خرید بیمه‌نامه‌های مزبور را از منابع خود (نه از حقوق پرسنل) پرداخت نمایند، حسب مورد مالیات و عوارض پرداختی به عنوان اعتبار یا هزینه دوره پرداخت آنان محسوب خواهد شد. - رئیس سازمان امور مالیاتی کشور

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی و قراردادهای مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور به موجب لایحه شماره ۱۹۲۹۱-۱۳۹۹/۱۱/۲۰ توضیح داده است که:

«از آنجا که به موجب رأی شماره ۴۳۲-۱۳۹۶/۵/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال سطر پایانی بخشنامه شماره ۹۲۵۳-۱۳۹۰/۷/۹ همچنین تسری ابطال بخشنامه به زمان تصویب آن نسبت به پرداخت‌کنندگان مستقیم مالیات بر ارزش افزوده اعلام شد. سازمان امور مالیاتی کشور متعاقب اعلام ابهام پیش آمده در خصوص عبارت «پرداخت‌کنندگان مستقیم...» امعان نظر و رسیدگی مجدد را در ارتباط با رأی مذکور در اجرای ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مورد درخواست قرارداد با جری تشریفات قانونی، النهایه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۲۸۹۵-۱۳۹۸/۱۰/۱۰ عدم ابطال فراز پایانی بخشنامه شماره ۹۲۵۳-۱۳۹۰/۷/۹ را با این نتیجه گیری که «رأی شماره ۴۳۲-۱۳۹۶/۵/۱۰ هیأت عمومی که بر اساس آن حکم به ابطال بخشی از بخشنامه شماره ۹۲۵۳-۱۳۹۰/۷/۹ سازمان امور مالیاتی کشور به دلیل عدم تسری معافیت مقرر در بند ۹ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده به خدمات بیمه درمان و تکمیل درمان و ارائه خدمات مدیریت و نظارت بر امور درمانی صادر شده با موازین قانونی یاد شده مغایرت دارد و در اجرای حکم ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ضمن نقض رأی شماره ۴۳۲-۱۳۹۶/۵/۱۰ هیأت عمومی رأی بر عدم

۱- با توجه به اینکه گذشت شاکی نوعی عمل حقوقی است که در صورت وقوع موجب اسقاط حق وی جهت مطالبه دیه می‌گردد (ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی)، بنابراین با توجه به اینکه در صورت اسقاط حق، امکان اخذ دیه از جانی وجود ندارد (ماده ۱۰۱ قانون مذکور) و این گذشت و رضایت زیان‌دیده نسبت به مقصر، نه تنها در خصوص جانی و مجنی‌علیه (مقصر و زیان‌دیده)، بلکه در خصوص قائم‌مقام وی نیز معتبر می‌باشد (ماده ۱۲۹۰ قانون مدنی) و از طرفی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، قائم‌مقام زیان‌دیده در مراجعه به مقصر است (ماده ۲۵ قانون بیمه اجباری)، بنابراین با اسقاط حق و گذشت تبعاً امکان مطالبه آن از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی نیز وجود نخواهد داشت.

۲- در ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری (مصوب ۱۳۹۵) اخذ رضایت‌نامه از زیان‌دیده توسط صندوق تأمین یا شرکت‌های بیمه منع گردیده است و این امر، مانع رضایت بین جانی و مجنی‌علیه نمی‌باشد. به عبارت دیگر، عمل حقوقی زیان‌دیده در خصوص گذشت از مقصر معتبر بوده و نسبت به ایشان و قائم‌مقام وی لازم‌الاتباع بوده و مغایرتی با ماده مورد شکایت ندارد. همچنین ماده ۱۱ قانون مذکور، اخذ رضایت‌نامه را باطل و بلااثر دانسته است، نه اعلام رضایت زیان‌دیده را؛ چرا که در عبارت «اخذ رضایت‌نامه» نوعی اجبار یا اکراه نهفته است. از طرفی طبق این ماده، اخذ رضایت‌نامه، توسط بیمه‌گر و صندوق ممنوع است. اما اخذ رضایت‌نامه توسط مقصر حادثه هیچ معنی ندارد؛ چرا که مقصر حادثه معمولاً از موقعیت برتری نسبت به زیان‌دیده برخوردار نیست تا بتواند با در مضیقه گذاشتن او و به اکراه از وی رضایت‌نامه اخذ کند.

۳- صندوق تأمین مکلف است طبق ماده ۲۵ قانون بیمه اجباری (مصوب ۱۳۹۵) در مواردی پس از پرداخت خسارت به زیان‌دیده، به قائم مقامی وی وجوه پرداخت شده را از مسبب حادثه بازیافت نماید. در این موارد، اعلام رضایت زیان‌دیده نسبت به مقصر حادثه در جنبه خصوصی بزه (دیه)، مانع مراجعه زیان‌دیده به شرکت بیمه یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی خواهد بود؛ چرا که با اعلام رضایت زیان‌دیده ذمه‌ی مقصر حادثه بری شده و تعهدی به نفع زیان‌دیده بر عهده مقصر باقی نمی‌ماند تا صندوق یا شرکت‌های بیمه بتوانند به قائم مقامی از زیان‌دیده جهت دریافت آن به مقصر رجوع نمایند. به عبارت دیگر اعلام رضایت زیان‌دیده به مقصر در چنین مواردی باعث سقوط تعهدات صندوق یا بیمه‌گر خواهد بود. در نهایت هیچ دلیلی بر ابطال ماده ۶ آیین‌نامه مزبور وجود نداشته، از محضر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری رد درخواست شاکی را مستلزم دارد.

همچنین مدیرکل دفتر حقوقی وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز به موجب لایحه شماره ۱۶/۲۷۴۹۱-۹۱/۲۶/۱۴۰۰ به طور خلاصه توضیح داده است که:

۱- ماده ۶ دستورالعمل مورد شکایت، کاملاً مطابق با مفاد مواد ۱۰۱ و ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۶۴ قانون مدنی و ماده ۲۵ قانون بیمه اجباری می‌باشد. ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری دلالتی بر موضوع ماده ۶ دستورالعمل مورد شکایت ندارد؛ چرا که طبق ماده ۲۵ قانون مذکور، صندوق، قائم‌مقام زیان‌دیده است و با اعلام رضایت زیان‌دیده ذمه مقصر حادثه بری شده و تعهدی به نفع زیان‌دیده بر عهده مقصر نمانده است تا صندوق یا شرکت‌های بیمه بتوانند به قائم مقامی زیان‌دیده به مقصر رجوع کنند.

۲- ماده مورد شکایت، مغایرتی با ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری ندارد؛ چرا که این حکم به اخذ رضایت‌نامه میان بیمه‌گر و زیان‌دیده است و مانع رضایت مجنی‌علیه نسبت به مقصر حادثه نمی‌باشد و اعلام رضایت نوعی عمل حقوقی معتبر است.

۳- شاکی به اعلام رضایت ناخواسته خود اشاره کرده است. در حالی که رضایت، تمایل قلبی و موافقت شاکی مبنی بر عدم تعقیب ناقض حقوق و آزادی‌های قانونی وی است و قانون نیز برای اعلام رضایت، تشریفات خاصی را معین نکرده است که ممکن است شفاهی یا کتبی و رسمی یا غیررسمی باشد. گذشت باید دارای شرایطی باشد، از جمله اینکه با عبارتی و به صورت مدلل و صریح و روشن و قطعی باشد (ماده ۱۰۱ قانون مجازات اسلامی). بنابراین نحوه انجام گذشت از سوی شاکی از حدود صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت خارج بوده و مفروض است که گذشت شاکی به شیوه قانونی محقق شده است.

۴- فلسفه وجودی صندوق، طبق ماده ۲۱ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری (مصوب ۱۳۸۷)، در رابطه با زمانی است که خسارت‌های وارده به اشخاص ثالث، بنا به عللی نظیر فقدان یا انقضای بیمه‌نامه و... قابل پرداخت نباشد؛ نه اینکه از مسبب اصلی حادثه گذشت نموده و به صندوق مراجعه شود. چرا که این امر با اهداف تشکیل صندوق و نیز مقنن مغایر است.

۵- به موجب اصل ۱۳۸ قانون اساسی و توسط هیأت وزیران این وظیفه بر عهده مجمع عمومی صندوق مذکور نهاده شده و در حوزه صلاحیت آن می‌باشد.

بنابراین با عنایت به مطالب یاد شده، صدور مصوبه مورد شکایت در محدوده صلاحیت مجمع عمومی صندوق مذکور بوده که به موجب اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسط هیأت وزیران این وظیفه را بر عهده داشته و نیز هیچ گونه

مشمول مالیات و عوارض موضوعه می‌باشد و شرکتهای مذکور می‌توانند با توجه به مفاد بند (۱۵) بخشنامه ۲۸۰۰۴ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۲ نسبت به مطالبه مالیات و عوارض موضوعه از بیمه‌گذاران خود اقدام نمایند و بیمه‌گذاران نیز چنانچه بهای خرید بیمه‌نامه‌های مزبور را از منابع خود (نه از حقوق پرسنل) پرداخت نمایند، حسب مورد مالیات و عوارض پرداختی به عنوان اعتبار یا هزینه دوره پرداخت آنان محسوب خواهد شد، از جهت آنکه مطالبه مالیات بر ارزش افزوده را در خصوص پرونده‌های مالیاتی جرایمی در دوره زمانی حاکمیت دادنامه شماره ۴۳۲ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تجویز نموده و این در حالی است که اخذ مالیات بر ارزش افزوده در زمان ارائه خدمات باید صورت بگیرد و با لحاظ حکم مقرر در ماده ۲۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ که مقرر داشته است: «مؤدیان مکلفند، مالیات موضوع این قانون را در تاریخ تعلق مالیات، محاسبه و از طرف دیگر معامله وصول نمایند»، چون شرکتهای بیمه‌گر مالیات بر ارزش افزوده وصول نکرده‌اند تا بتوانند آن را به سازمان امور مالیاتی کشور ایصال کنند، بنابراین تکلیف مذکور در بندهای ۲ و ۳ نامه شماره ۴۶۲۲-۲۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۴/۲ سازمان امور مالیاتی کشور برای شرکتهای بیمه‌گر ملایطاق خواهد بود و در نتیجه بندهای مذکور مغایر با ماده ۲۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ و خارج از حدود اختیار هستند و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ابطال می‌شوند.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۸۰۳۴۴۴

۱۴۰۰/۶/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۶۷ مورخ ۱۴۰۰/۶/۹ با موضوع: «ابطال ماده ۶ دستورالعمل نحوه رسیدگی، پرداخت و بازیافت خسارت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مصوب ۱۳۸۹/۸/۳۰ مجمع عمومی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مصوب ۱۳۸۹/۸/۳۰ مجمع عمومی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۹ شماره دادنامه: ۱۴۶۷ شماره پرونده: ۹۸۰۳۴۴۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: خانم مریم مظفرنژاد شیخانی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۶ دستورالعمل نحوه رسیدگی، پرداخت و بازیافت خسارت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مصوب ۱۳۸۹/۸/۳۰ مجمع عمومی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال ماده ۶ دستورالعمل نحوه رسیدگی، پرداخت و بازیافت خسارت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مصوب ۱۳۸۹/۸/۳۰ مجمع عمومی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به استناد ماده مورد شکایت، از پرداخت بخشی از دیه اینجانب - با این ادعا که نسبت به مقصر حادثه ناخواسته اعلام رضایت نموده‌ام - خودداری می‌کند. در حالی که فلسفه وجودی صندوق در اجرای ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری شخص ثالث (مصوب ۱۳۹۵)، حمایت از آسیب‌دیدگان حوادث رانندگی می‌باشد، که از جبران خسارت خود محروم مانده‌اند. با توجه به اینکه مبالغ وصولی از مسببین حوادث رانندگی بخش ناچیزی از منابع درآمد صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را تشکیل می‌دهد، تقاضای ابطال دستورالعمل فوق‌الذکر را دارم.»

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«دستورالعمل نحوه رسیدگی، پرداخت و بازیافت خسارت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی (موضوع بند (ژ) ماده ۶ آیین‌نامه چگونگی اداره صندوق تأمین خسارت‌های بدنی)

«ماده ۶ - با توجه به غیرقابل عدول بودن گذشت زیان‌دیده/زیان‌دیدگان، در صورت اعلام رضایت نسبت به مسئول/مسئولان حادثه، زیان‌دیده/زیان‌دیدگان تحت هیچ عنوان حق مطالبه خسارت از صندوق را ندارند، در صورت دریافت خسارت موظفند تمامی مبالغ دریافتی را با احتساب کلیه خسارت‌ها و هزینه‌های مربوط به صندوق بازپرداخت کنند.»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرعامل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به موجب لایحه شماره ۲۰۰/۳۳۲ - ۱۴۰۰/۱/۲۹ به طور خلاصه توضیح داده است که:

مغایرتی با قوانین موضوعه نداشت، بلکه موافق منظور قانونگذار به تصویب رسیده است. از این رو برابر مفهوم مخالف بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری موافق مصلحت نظام تشخیص داده شده مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۵ شکایت شاکی در خور صدور قرار رد می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: مبنای تأسیس صندوق تأمین خسارتهای بدنی، حمایت از زیان‌دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه و جبران خسارات آنها در حوادث ناشی از وسایل نقلیه‌ای است که به‌علل و عوامل مختلف قابلیت پرداخت نداشته و یا خارج از تعهدات قانونی بیمه‌گر است و در نتیجه محرومیت زیان‌دیده از حق مطالبه خسارتهای بدنی از صندوق با اعلام رضایت وی که ممکن است به دلایلی از جمله عدم اطلاع و آگاهی از قانون موصوف صورت گرفته باشد، با فلسفه وجودی صندوق تأمین خسارتهای بدنی در تعارض است. ثانیاً: بر مبنای بند «ب» ماده ۴ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲، در صورتی که وسیله نقلیه، فاقد بیمه‌نامه یا مشمول یکی از موارد مندرج در ماده ۲۱ قانون مذکور باشد، خسارتهای بدنی وارده توسط صندوق تأمین خسارتهای بدنی جبران می‌شود و بر اساس ماده ۲۱ قانون مذکور، به منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارتهای بدنی وارد به اشخاص ثالث که به‌علت فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به‌طور کلی خسارتهای بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه‌گر است، توسط صندوق تأمین خسارتهای بدنی جبران می‌شود و در نتیجه تراضی خلاف قواعد و قوانین آمره، باطل و بلااثر است و اراده زیان‌دیده در مانحن‌فیه که اساساً رابطه بیمه-گذاری برقرار نشده است، مؤثر در اجرای قانون نیست. ثالثاً: بر مبنای تبصره ۱ ماده ۲۵ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه، در موارد مذکور در تبصره صندوق بعد از جبران خسارت زیان‌دیده به هیچ عنوان حق مراجعه به مسبب حادثه را ندارد و از همین رو رضایت یا عدم رضایت زیان‌دیده نسبت به مسبب حادثه، نمی‌تواند نقشی در عدم مراجعه به عامل ضرر داشته باشد و در عین حال هرچند در ماده ۲۵ قانون مذکور اعلام شده است که صندوق به قائم‌مقامی زیان‌دیده حق مراجعه به عامل ضرر را دارد، ولی رضایت زیان-دیده مانع از اجرای تکلیف قانونی صندوق در مراجعه به عامل ضرر در مواردی که طبق قانون صندوق مجاز به مراجعه به عامل ضرر اعلام شده، نخواهد بود. رابعاً: طبق عموماًت قوانین، اعلام رضایت امری ممدوح است و می‌تواند مطابق قوانین حقوقی و کیفری آثار دیگری از جمله تخفیف مجازات را به دنبال داشته باشد و نباید به لحاظ امری غیرقانونی، مانع از ایجاد صلح و سازش در جامعه گردید. بنا به مراتب فوق، ماده ۶ دستورالعمل نحوه رسیدگی، پرداخت و باز یافت خسارت صندوق تأمین خسارتهای بدنی مصوب ۱۳۸۹/۸/۳۰ مجمع عمومی صندوق تأمین خسارتهای بدنی که اعلام داشته رضایت زیان‌دیده نسبت به مسئولین حادثه، مانع از برخورداری وی از حق مطالبه خسارت از صندوق است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۹ شماره دادنامه: ۱۴۶۹ شماره پرونده: ۰۰۰۱۰۳۱
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: خانم عصمت صالحی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۳۲ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۸ و ماده ۳۰ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۹ شهرداری اراک (تحت عنوان بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی)

گردش کار: ۱- شاکی به موجب دادخواستی ابطال ماده ۳۲ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۸ و ماده ۳۰ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۹ شهرداری اراک (تحت عنوان بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی) را در اجرای احکام مقرر در مواد ۹۲ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری با ادعای مغایرت با آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خواستار شده است.

۲- متن مقرر در مورد اعتراض به شرح زیر است:

ماده ۳۰- بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی توسط شهرداری:

بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی به ازای هر مترمربع پارکینگ احداثی جهت کلیه کاربریها ۱ kp محاسبه و اخذ می‌گردد که از حداقل مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال کمتر و از مبلغ ۳۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال بیشتر نباشد. کلیه مالکین مکلفند بر اساس ضوابط شهرسازی برای احداث زیربنای خود نسبت به احداث پارکینگ مورد نیاز اقدام نمایند مگر در شرایط خاص که شامل ۶ بند ذیل می‌باشد:

۱- ساختمان در بر خیابانهای سریع‌السير به عرض ۴۵ متر و بیشتر قرار داشته و دسترسی به محل اتومبیل رو نداشته باشد.

۲- ساختمان در فاصله یکصد متری تقاطع خیابان‌های به عرض ۲۰ متر و بیشتر واقع شده و دسترسی به محل اتومبیل رو نداشته باشد.

۳- ساختمان در محلی قرار گرفته باشد که ورود به پارکینگ مستلزم قطع درختان کهن باشد که شهرداری اجازه قطع آن را نداده است.

۴- ساختمان در بر کوچه‌هایی قرار گرفته باشد که به علت عرض کم کوچه، امکان عبور اتومبیل نباشد.

۵- ساختمان در بر معبری قرار گرفته باشد که به علت شیب زیاد (بر اساس ضوابط طرح تفصیلی) احداث پارکینگ در آن از نظر فنی مقدور نباشد.

۶- در صورتی که وضع و فرم زمین زیر ساخت به صورتی باشد که از نظر فنی نتوان در سطح طبقات احداث پارکینگ نمود.

در مواردی که به تشخیص شهرداری امکان احداث پارکینگ مقدور نمی‌باشد (موارد شش گانه فوق) به منظور احداث پارکینگ عمومی سطح شهر که مالکین بتوانند از آنها استفاده نمایند این بهای خدمات وصول و هزینه می‌گردد.

تبصره ۱- این عوارض هنگام صدور پروانه ساختمانی به منظور مطالعه، خرید زمین، اجاره زمین، احداث و راه‌اندازی پارکینگ‌های عمومی وصول و به حساب اختصاصی جداگانه ای واریز و گزارش آن در بازه‌های شش ماهه به شورای اسلامی شهر ارسال گردد.

تبصره ۲- مطابق با صورتجلسه کمیسیون ماده ۵ مورخ ۱۳۹۱/۸/۷ مساحت هر واحد پارکینگ مطابق مقررات (به استناد تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها الحاقیه ۱۳۵۶/۶/۸ و ۱۳۵۸/۶/۲۷ و با احتساب گردش) ۲۵ مترمربع می‌باشد و در صورت تأمین آن در قالب جانمایی یا چیدمان مناسب مابه‌التفات مساحت توسط شهرداری در پارکینگ‌های عمومی پیش‌بینی می‌شود. لیکن به استناد آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال عوارض کسر پارکینگ در مواردی که پارکینگ در قالب جانمایی تأمین گردیده است مترائ مابه‌التفاوت تأمین پارکینگ تا ۲۵ متر مشمول بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی در سطح شهر نمی‌گردد.

تبصره ۳- واحدهای تجاری احداثی در کاربریهای مذهبی، در صورت عدم احداث پارکینگ جهت این واحدها همانند سایر واحدهای تجاری مشمول پرداخت بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی می‌گردد.

تبصره ۴- در صورت تصویب کمیسیون ماده ۵ و مراجع ذیصلاح بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی برابر این ماده اخذ می‌گردد.

تبصره ۵- در زمان نوسازی مالک موظف به تأمین پارکینگ برابر ضوابط روز خواهد بود و تجاری‌های قانونی در هنگام تخریب و نوسازی با همان مترائ قبلی چنانچه امکان تأمین پارکینگ نداشته باشند پس از اخذ مجوز از کمیسیون ماده ۵ بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی برابر این ماده اخذ می‌گردد.

تبصره ۶- املاکی که پس از اجرای تعریض و توسعه معابر شهری به علت قلت مساحت عرصه باقیمانده امکان تأمین پارکینگ را نداشته باشند پس از اخذ مجوز از کمیسیون ماده ۵ بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی برابر این ماده اخذ می‌گردد.

شماره ۰۰۰۱۰۳۱

۱۴۰۰/۶/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۶۹/۸/۳۰ مورخ ۱۴۰۰/۶/۹ با موضوع: «ابطال ماده ۳۲ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۸ و ماده ۳۰ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۹ شهرداری اراک (تحت عنوان بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی) از تاریخ تصویب» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تبصره ۷ - بر اساس رأی قطعی شماره ۱۴۸۱ - ۱۴۷۷ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۱۲ و رأی شماره ۱۰۱۸ - ۱۳۹۳/۶/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نظر به اینکه قانونگذار به شرح تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری تکلیف عدم رعایت پارکینگ و یا کسری آن را معین و تخلف را بر اساس رأی کمیسیون‌های مقرر در آن ماده به پرداخت جریمه محکوم نموده و وصول عوارض یا بهای خدمات در مورد عدم رعایت پارکینگ و یا کسری آن، خلاف هدف و حکم مقنن است.

تبصره ۸ - به استناد مصوبه ۹۸/۹۱۷/ش - ۱۳۹۸/۵/۶ بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی در منطقه بافت تاریخی به شرط داشتن شرایط ۶ بند (مبنی بر عدم امکان احداث پارکینگ) به ازای هر مترمربع ۱ kp با حداقل مبلغ ۱۲ میلیون ریال و حداکثر ۱۵ میلیون ریال محاسبه و اخذ می‌گردد.

۳- رئیس دیوان عدالت اداری پس از بررسی، موضوع شکایت و خواسته را در اجرای ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری با توجه به مغایرت دادنامه‌های شماره ۱۴۷۷ الی ۱۴۸۱ - ۱۳۸۶/۱۲/۱۲، ۷۷۰ - ۱۳۹۱/۱۰/۱۸، ۱۰۱۸ - ۱۳۹۳/۶/۱۷ و ۸۴۰ الی ۸۶۰ - ۱۳۹۶/۹/۷ به هیأت عمومی ارجاع کرد و در راستای حکم این ماده قانونی از شورای اسلامی شهر اراک درخواست شد نماینده خود را جهت شرکت در جلسه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری معرفی کند ولی نماینده آن شورا در جلسه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری حاضر نشد لیکن به موجب لایحه شماره ۱۴۰۰/۷۹۸/ش - ۱۴۰۰/۶/۸ درخواست رد شکایت مطروحه را اعلام کردند.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲: «چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی، الزامی است. هرگاه مراجع مربوط، مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت بدون رعایت مفاد ماده (۸۳) این قانون و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب کننده، در هیأت عمومی مطرح می‌نماید.» با توجه به اینکه براساس آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه‌های شماره ۱۴۷۷ الی ۱۴۸۱ - ۱۳۸۶/۱۲/۱۲، ۱۰۱۸ - ۱۳۹۳/۶/۱۷ و ۸۴۰ الی ۸۶۰ - ۱۳۹۶/۹/۷ این هیأت وضع عوارض برای کسری، حذف یا عدم تأمین پارکینگ توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین ماده ۳۲ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۸ و ماده ۳۰ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۹ شهرداری اراک که تحت عنوان بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی و برخلاف مفاد آرای صدرالذکر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده، به دلایل مذکور در دادنامه‌های فوق‌الاشاره خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳، ۸۸ و ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۸۰۲۳۱۳ - ۱۴۰۰/۶/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۷۰ مورخ ۱۴۰۰/۶/۹ با موضوع: «ابطال جزء (الف) از بند ۷ قسمت ۲ - ۰۱ - ۱۹ مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان شرکت ملی نفت ایران» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۹ شماره دادنامه: ۱۴۷۰ شماره پرونده: ۹۸۰۲۳۱۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: آقای افشین ترک چریک

موضوع شکایت و خواسته: ابطال جزء (الف) از بند ۷ قسمت ۲ - ۰۱ - ۱۹

مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان شرکت ملی نفت ایران

تبصره ۷- بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی هنگام صدور پروانه ساخت در منطقه بافت تاریخی به شرط داشتن یکی از شرایط شش گانه مذکور مبنی بر عدم تأمین پارکینگ به ازای هر مترمربع ۱ kp با حداقل مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و حداکثر مبلغ ۱۸/۰۰۰/۰۰۰ میلیون ریال محاسبه و اخذ می‌گردد.

تبصره ۸ - در مواردی که قرار کمیسیون ماده صد مبنی بر تأمین پارکینگ صادر می‌گردد اخذ بهای خدمات تأمین پارکینگ بر اساس این تعرفه و به شرط انعقاد توافقنامه فی مابین مالک و شهرداری صورت پذیرد.

تبصره ۹ - بر اساس رأی قطعی شماره ۱۴۷۷ - ۱۴۸۱ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۱۲ و رأی شماره ۱۰۱۸ - ۱۳۹۳/۶/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نظر به اینکه قانونگذار به شرح تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری تکلیف عدم رعایت پارکینگ و یا کسری آن را معین و تخلف را بر اساس رأی کمیسیون‌های مقرر در آن ماده به پرداخت جریمه محکوم نموده و وصول عوارض یا بهای خدمات در مورد عدم رعایت پارکینگ و یا کسری آن، خلاف هدف و حکم مقنن است.

ماده ۳۲- بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی:

بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی در سطح شهر به ازای هر مترمربع پارکینگ احداثی جهت کلیه کاربریها ۱kp محاسبه و اخذ می‌گردد که از حداقل مبلغ ۱۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال کمتر و از مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بیشتر نباشد.

کلیه مالکین مکلفند بر اساس ضوابط شهرسازی برای احداث زیربنای خود نسبت به احداث پارکینگ مورد نیاز اقدام نمایند مگر در شرایط خاص که شامل ۶ بند ذیل می‌باشد:

- ۱- ساختمان در بر خیابانهای سریع‌السير به عرض ۴۵ متر و بیشتر قرار داشته و دسترسی به محل اتومبیل رو نداشته باشد.

- ۲- ساختمان در فاصله یکصد متری تقاطع خیابان‌های به عرض ۲۰ متر و بیشتر واقع شده و دسترسی به محل اتومبیل رو نداشته باشد.

- ۳- ساختمان در محلی قرار گرفته باشد که ورود به پارکینگ مستلزم قطع درختان کهن باشد که شهرداری اجازه قطع آن را نداده است.

- ۴- ساختمان در بر کوچه‌هایی قرار گرفته باشد که به علت عرض کم کوچه، امکان عبور اتومبیل نباشد.

- ۵ - ساختمان در بر معبری قرار گرفته باشد که به علت شیب زیاد (بر اساس ضوابط طرح تفصیلی) احداث پارکینگ در آن از نظر فنی مقدور نباشد.

- ۶ - در صورتی که وضع و فرم زمین زیر ساخت به صورتی باشد که از نظر فنی نتوان در سطح طبقات احداث پارکینگ نمود. در مواردی که به تشخیص شهرداری امکان احداث پارکینگ مقدور نمی‌باشد (موارد شش گانه فوق) به منظور احداث پارکینگ عمومی سطح شهر که مالکین بتوانند از آنها استفاده نمایند این بهای خدمات وصول و هزینه می‌گردد.

تبصره ۱- این عوارض هنگام صدور پروانه ساختمانی به منظور مطالعه، خرید زمین، اجاره زمین، احداث و راه‌اندازی پارکینگ‌های عمومی وصول و به حساب اختصاصی جداگانه ای واریز می‌گردد.

تبصره ۲- مطابق با صورتجلسه کمیسیون ماده ۵ مورخ ۱۳۹۱/۸/۷ مساحت هر واحد پارکینگ مطابق مقررات (به استناد تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها الحاقیه ۱۳۵۶/۶/۸ و ۱۳۵۸/۶/۲۷ و با احتساب گردش) ۲۵ مترمربع می‌باشد و در صورت تأمین آن در قالب جانمایی یا چیدمان مناسب مابه‌التفات مساحت توسط شهرداری در پارکینگ‌های عمومی پیش‌بینی می‌شود. لیکن به استناد آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال عوارض کسر پارکینگ در مواردی که پارکینگ در قالب جانمایی تأمین گردیده است مترائز ما به التفاوت تأمین پارکینگ تا ۲۵ متر مشمول بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی در سطح شهر نمی‌گردد.

تبصره ۳- واحدهای تجاری احداثی در کاربریهای مذهبی، در صورت عدم احداث پارکینگ جهت این واحدها همانند سایر واحدهای تجاری مشمول پرداخت بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی می‌گردد.

تبصره ۴- در صورت تصویب کمیسیون ماده ۵ و مراجع ذیصلاح بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی برابر این ماده اخذ می‌گردد.

تبصره ۵ - در زمان نوسازی مالک موظف به تأمین پارکینگ برابر ضوابط روز خواهد بود و تجاری‌های قانونی در هنگام تخریب و نوسازی با همان مترائز قبلی چنانچه امکان تأمین پارکینگ نداشته باشند پس از اخذ مجوز از کمیسیون ماده ۵ بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی برابر این ماده اخذ می‌گردد.

تبصره ۶ - املاکی که پس از اجرای تعریض و توسعه معابر شهری به علت قلت مساحت عرصه باقیمانده امکان تأمین پارکینگ را نداشته باشند پس از اخذ مجوز از کمیسیون ماده ۵ بهای خدمات احداث پارکینگ عمومی برابر این ماده اخذ می‌گردد.

عمومی مربوط به دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی مستثنی است. ۳- براساس بند (۱۳) ماده (۳۳) قانون اساسنامه مذکور، «تهیه و تدوین کلیه ضوابط و مقررات اداری، استخدامی، بیمه، بازنشستگی شرکت و پیشنهاد به مجمع عمومی جهت تشریفات قانونی مطابق مواد (۱۰) و (۱۴) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت» مصوب (۱۳۹۱)، برعهده هیأت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران است. ۴- مطابق مفاد ماده (۱۰) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب (۱۳۹۱)، «نظام‌های اداری و استخدامی و پرداخت حقوق و مزایای آن تحت عنوان «آیین‌نامه نظام‌های اداری و استخدامی کارکنان صنعت نفت» در سال ۱۳۹۳ به تصویب رسیده است. ۵- حسب مفاد ماده (۴۰) آیین‌نامه مذکور، تغییرات و اصلاحات بعدی مقررات، پس از تصویب در شورای اداری و استخدامی موضوع ماده (۳۹) آیین‌نامه موصوف، مجری می‌گردد. ۶- با عنایت به جزء (الف) از بند (۷) قسمت (۱۹ - ۰۱ - ۲) و قسمت (۱ - ۳) مجموعه مقررات، استخدام افراد در دستگاه‌های دولتی، تابع تشریفات و مقررات خاص خود بوده و امری الزامی نیست و کارکنان می‌بایست دارای شرایط عمومی، سنی، تحصیلی و سایر شرایط اختصاصی دستگاه مربوط باشند و سن (۱۸) سال نیز منبعث از قانون استخدام کشوری بوده و در آن قانون، حداقل سن عضویت در صندوق بازنشستگی کشوری را هجده سال تمام ذکر کرده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: به موجب ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب سال ۱۳۹۱ نظام‌های اداری و استخدامی کارکنان شرکتهای تابعه وزارت نفت شاغل در واحدهای عملیاتی و تخصصی به موجب نظام نامهای است که بدون رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ و با رعایت سایر قوانین مربوطه به تصویب رئیس‌جمهور می‌رسد و در این راستا آیین‌نامه نظام‌های اداری و استخدامی کارکنان صنعت نفت در سال ۱۳۹۳ همراه با اصلاحات بعدی تصویب شده است. ثانیاً: به موجب بند ۱ ماده ۶ اساسنامه صندوقهای بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت (موضوع تصویب‌نامه شماره ۹۷۰۵۹/ت/۵۶۸۹۶ هـ - ۱۳۹۸/۸/۱ هیأت وزیران) کلیه کارکنان شاغل شرکتهای تابعه وزارت نفت و شرکتهای واگذار شده که کسور بازنشستگی آنان به صندوق واریز می‌شود از اعضای صندوق مذکور خواهند بود و ثالثاً: مستفاد از مواد ۷۹ و ۸۰ قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ این است که هرچند به کارگماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است، لکن در مواردی که تأمین نیروی انسانی براساس قانون کار صورت پذیرد، می‌توان اشخاص را در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال به کار گرفت و در این صورت کارفرما می‌بایست حق بیمه و کسور بازنشستگی را به صندوق ذیربط پرداخت نماید و دریافت کسور بازنشستگی در اساسنامه صندوق بازنشستگی صنعت نفت به سن مشخصی مقید نشده است، بنا به مراتب فوق و با توجه به فقدان مبنای قانونی برای عدم احتساب سابقه خدمت قابل قبول کارگری پیش از ۱۸ سالگی در صندوق بازنشستگی که حق بیمه و کسور بازنشستگی آن پرداخت شده است، اطلاق جزء (الف) از بند (۷) قسمت ۲ - ۱۹ - ۰۱ مقرر در مورد شکایت در مواردی که شخص طبق قانون کار به کارگیری شده و قبل از سن ۱۸ سالگی حق بیمه پرداخت کرده است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۲۳۶۹

۱۴۰۰/۶/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۷۱/۱۱۴۷۱/۹۷۰۵۸۱۱۴۷۱ مورخ ۱۴۰۰/۶/۹ با موضوع: «ابطال جدول امتیازات بخشنامه شماره ۱۰۴۱۷/ص/م/۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۳ مدیر کل اشتغال و کارآفرینی بنیاد شهید» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیر کل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۹ شماره دادنامه: ۱۴۷۱ شماره پرونده: ۹۹۰۲۳۶۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: خانم زهرا آلود

موضوع شکایت و خواسته: ابطال جدول امتیازات بخشنامه شماره ۱۰۴۱۷/ص/م/۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۳ مدیر کل اشتغال و کارآفرینی بنیاد شهید

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال جزء (الف) از بند ۷ قسمت ۲ - ۰۱ - ۱۹ مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان شرکت ملی نفت ایران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً اینجانب افشین ترک چریک کارمند استخدامی رسمی شرکت ملی نفتی ایران تاریخ استخدام ۱۳۷۱/۱۰/۵ شاغل در شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، از آنجا که مقررات موجود در وزارت نفت که به موجب ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت با رویکرد رقابت‌پذیری و سرعت بخشیدن به بهره‌برداری از میادین مشترک و حفظ نیروی انسانی متخصص این ارگان را الزام به رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری با رعایت سایر قوانین و مقررات مربوطه مستثنی می‌نماید. در خصوص اینجانب سبب اجحافات و بی‌عدالتی به شرح ذیل گردیده است، مطابق با اصل ۱۷۰ قانون اساسی متقاضی ابطال این قوانین و یا محدود شدن اختیارات وزارت نفت در خصوص اجرای این قانون و احقاق حقوق خویش می‌باشم.

الف - به استناد سوابق موجود بنده در سیستم جامع وزارت نفت تاریخ اولین استخدام اینجانب ۱۳۷۱/۱۰/۵ می‌باشد که با در نظر گرفتن سن اینجانب در آن تاریخ (حدود ۱۵ سال و ۴ ماه)، علیرغم پرداخت حق بیمه اینجانب و داشتن شماره پرسنلی، سوابق معتبر از لحاظ بازنشستگی اینجانب بنا به بند (الف) از ماده ۱۹ - ۰۱ - ۲ قانون داخلی وزارت نفت تا زمان ۱۸ سالگی اینجانب نادیده گرفته شده و حقوق اینجانب به شکل قانونی پامال گردیده است.

ب - در زمان تعدیل مدرک تحصیلی لیسانس اینجانب با وجود مرتبط شناخته شدن ۲ سال و ۳ ماه از سوابق شغلی بنده با مدرک تحصیلی اخذ شده به واسطه اینکه برای اخذ یک رتبه بالاتر بنده ۳ ماه سابقه کاری تا رسیدن به ملاک محاسبه یک رتبه شغلی، کم داشتم از اخذ یک رتبه کاری بالاتر محروم و در کمال تعجب تمام ۲ سال و ۳ ماه سابقه اینجانب نیز پس از تبدیل وضعیت اینجانب برای اخذ رتبه بعدی صفر در نظر گرفته شد. این در حالی بود که میزان سابقه مرتبط اینجانب با مدرک تحصیلی اخذ شده علیرغم گذشت حد یازده سال از شاغل بودنم در صنعت نفت و مدرک تحصیلی لیسانس مهندسی شیمی صنایع گاز فقط ۲ سال و ۳ ماه سابقه مرتبط شناخته شد.

تمامی اقدامات فوق در راستای عمل به قوانین داخلی وزارت نفت می‌باشد که به موجب ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت با رویکرد حفظ نیروی انسانی متخصص! در خصوص بنده اعمال و بنده و امثال اقل را در قیاس با سایر پرسنل شاغل در وزارت نفت در جایگاهی پایین‌تر از آنچه خود را شایسته آن می‌دانم قرار داده است و تحلیل قوانین فوق بنده را به این پایان می‌رساند که قوانین فوق به جای ایجاد انگیزه در اینجانب در راستای خدمت بیشتر به مملکت و وزارت متبوع خویش سعی در نادیده گرفتن حقوق حقه اینجانب و بهره‌برداری بیشتر از خدمات امثال بنده بدون پرداخت حقوق مسلم دارد که در تضاد کامل با اصول اخلاقی، انسانی و اسلامی می‌باشند. لذا استدعا دارم در راستای احقاق حقوق از دست رفته اینجانب که به واسطه قوانین داخلی وزارت نفت از اینجانب سلب گردیده است و در راستای عمل به اصل ۱۷۰ قانون اساسی، قوانین داخلی فعلی ابطال و یا هرگونه همکاری لازم جهت جبران سوابق و ترفیعات از دست رفته با اینجانب صورت گیرد. از عنایت آن مقام به رفع دغدغه‌های خویش کمال امتنان و سپاسگذاری را دارم.

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«۷- بازنشستگی، از کارافتادگی و خاتمه خدمت:

بازنشستگی، از کارافتادگی و خاتمه خدمت کارمندان تبدیل وضعیت یافته هماهنگ با مقررات بازنشستگی و خاتمه خدمت کارمندان شرکت ملی نفت ایران می‌باشد.

الف - حداقل سن عضویت در صندوق بازنشستگی شرکت ملی نفت ایران ۱۸ سال تمام می‌باشد، لذا سوابق خدمت کمتر از ۱۸ سالگی کارگرانی که تبدیل وضعیت می‌یابند اعم از اینکه بابت آن حق بیمه پرداخت نموده یا ننموده باشند، قابل احتساب و معتبر از لحاظ بازنشستگی نخواهد بود.

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس امور حقوقی شرکت ملی گاز ایران و مدیر امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران به موجب لوایح شماره گ.الف ح. ۱۰۷۲۹۵ - ۱۳۹۸/۸/۱۸ و ح. ۳۵۹۷۳۶ - ۱۳۹۸/۸/۱۳ به طور خلاصه و اجمالاً توضیح داده‌اند که:

«۱- کارکنان صنعت نفت، تابع مقررات اداری و استخدامی خاص خود می‌باشند. آرای وحدت‌رویه شماره ۱۶۵ - ۱۶۴ مورخ ۱۳۷۱/۸/۹ و شماره ۷۷۸ - ۱۳۸۸/۱۱/۵ و شماره ۶۹ - ۱۳۹۱/۲/۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با تأکید بر اعتبار قانونی قانون اساسنامه‌ی شرکت ملی نفت ایران، اختیار و صلاحیت شرکت ملی مذکور در تدوین مقررات اداری و استخدامی کارکنان را مورد تأیید قرار داده است. ۲- مطابق با مفاد تبصره (۱) ماده (۸۳) قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب (۱۳۹۵)، شرکت در غیرمواردی مانند قوانین و مقرراتی که نام شرکت در آن ذکر شده و یا به آن تصریح گردیده یا مقرر شده است آن قانون یا مقرر شامل دستگاه‌های اجرایی است که شمول قانون یا مقرر بر آنها مستلزم تصریح یا ذکر نام است و مواردی که در این اساسنامه تابع قوانین و مقررات مربوط قرار داده شده است، در سایر موارد از شمول قوانین و مقررات

تذکرات مهم:

۱- ضرایب فرزندان آزادگان اشاره شده (دارای ۵ سال اسارت و بیشتر و زیر ۵ سال اسارت) صرفاً شغل آن دسته از فرزندان آزادگان فاقد درصد جانبازی می‌شود. ضرایب فرزندان آزادگان دارای درصد جانبازی طبق روال قبل و بر اساس درصد اعمال می‌شود.

۲- ایثارگران مشمول سهمیه استخدامی ۵٪ حسب امتیاز و نمرات فصلی خود انتخاب و جذب می‌شوند و برای بنیاد مرکز امکان تأیید ایثارگری این عزیزان وجود ندارد لذا مشمولین سهمیه استخدامی ۵٪ پس از اخذ نمره قبولی در زمان ارائه مدارک به‌دستگاه ذیربط از بنیاد استان، شهر و یا منطقه خود گواهی لازم را ارائه خواهند کرد. ۳- بنیاد شهید و امور ایثارگران متوفی رسیدگی به امورات رزمندگان نبوده و این افراد می‌بایست به یگانهای مربوطه مراجعه نمایند. - مدیرکل اشتغال و کارآفرینی بنیاد شهید و امور ایثارگران

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل امور حقوقی و معاضدت قضایی بنیاد شهید و امور ایثارگران به موجب لایحه شماره ۵۴۰۷/۹۹/۳۹۶۷۳۸ - ۱۳۹۹/۱۲/۹ توضیح داده است که:

الف) حسب صراحت ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۱ قانون استخدام جانبازان، اسرا و افراد خانواده‌های شهدا، جانبازان از کارافتاده، اسرا و ... مصوب ۱۳۷۶/۹/۳۰ مجلس شورای اسلامی که مقرر نموده «تبصره ۲ قانون استخدام جانبازان، اسرا و افراد خانواده‌های شهدا ... مصوب ۱۳۶۷ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:

تبصره ۲- منظور از خانواده شهدا، جانبازان از کارافتاده، اسرا و مفقودالانهای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی از لحاظ این قانون فرزند، همسر، پدر، مادر، برادر و خواهر آنان می‌باشند که به ترتیب از مزایای این قانون استفاده خواهند کرد. فرزندان شاهد و مفقودین و از کارافتاده کلی در استفاده از تسهیلات فوق نسبت به سایر ایثارگران موضوع این قانون اولویت دارند.» بنابراین با توجه به نص صریح قانون فرزندان شاهد و مفقودین در استخدام و استفاده از تسهیلات این قانون نسبت به سایر افراد دارای اولویت می‌باشد.

ب) به استناد ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران «کلیه دستگاه‌های موضوع ماده ۲ این قانون مکلفند حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) از نیازهای استخدامی و تأمین نیروهای مورد نیاز خود را که وفق ضوابط و مجوزهای مربوط و جایگزینی نیروهای خروجی خود اخذ می‌نمایند به خانواده‌های شاهد، جانبازان و آزادگان، همسر و فرزندان شهدا و جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر، فرزندان و همسران آزادگان یک سال و بالای یک سال اسارت، اسرا و خواهر و برادر شاهد اختصاص دهند و پنج درصد (۵٪) سهمیه استخدامی را نیز به رزمندگان با سابقه حداقل شش ماه حضور داوطلبانه در جبهه‌ها و همسر و فرزندان آنان و فرزندان جانبازان زیر بیست و پنج درصد (۲۵٪) و آزادگان کمتر از یک سال اسارت اختصاص دهند.» بنابراین مشمولین این ماده اولاً: بر اساس ترتیب ذکر شده در ماده برای استفاده از سهمیه استخدامی در اولویت می‌باشند (به عنوان مثال بدون هیچ شک و شبهه ای شخص جانباز نسبت به فرزند جانباز برای استخدام در اولویت می‌باشد) و ثانیاً: به صراحت در ماده فوق ۲۵٪ از سهمیه استخدامی برای یک گروه و تنها ۵٪ از سهمیه برای گروه دیگر در نظر گرفته شده است که این موضوع نیز قرینه ای برای تعیین اولویت و افزایش ضریب برای یک گروه از مشمولین قانون می‌باشد.

ج) به استناد جزء ۴ ماده ۷۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، هرچند احکام مندرج در ماده ۲۱ قانون فوق‌الذکر جامع تر از احکام مندرج در بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه کشور می‌باشد و بند مذکور برای مجریان قابل استناد نیست ولی تبصره‌های آن همچنان به قوت خود باقی است، بنابراین به استناد تبصره ۱ الحاقی ۱۸/۱۱/۱۳۹۰ بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه همچنین بند (ج) ماده ۸۷ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه، بنیاد شهید و امور ایثارگران موظف است فرزندان شاهد و جانباز و آزاده را با اولویت فرزندان شاهد و سپس فرزندان جانبازان بر اساس درصد جانبازی و آزادگان بر اساس مدت اسارت مذکور در این بند معرفی نماید. بنابراین نظر به کثرت فرزندان معزز شهدا با داشتن مدارک دانشگاهی در رشته مورد نظر همچنین وجود فرزندان جانبازان با درصدهای بالاتر از درصد پدر شاکی اولویت مقرر حسب صراحت قانون مذکور برای این نهاد صرفاً معرفی فرزندان شهدا و در صورت عدم وجود اولویت اول سایر اولویت‌ها یعنی فرزندان جانبازان با درصدهای بالاتر به دستگاه‌های اجرایی می‌باشد. بنابراین بخشنامه صادره از طرف اداره کل اشتغال و کارآفرینی این نهاد بر مبنای قوانین فوق تنظیم گردیده لذا شکایت مطروحه فاقد وجهت قانونی بوده، رد دادخواست مشارالیه از آن مرجع مورد استعانت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال جدول امتیازات بخشنامه شماره ۱۰۴۱۷/ص/م/۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۳ مدیرکل اشتغال و کارآفرینی بنیاد شهید را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

احتراماً اینجانب زهرا آلود از آنجا که فرزند جانباز ۲۵٪ متوفی می‌باشم و در آزمون فراگیری استخدامی ثبت نام نموده ام و در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۷ امتحان آزمون شرکت نمودم و متعاقب آن در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۱۶ با نمره مکتوبه ۴۸۰۶۶ قبول گردیدم از طرف دیگر رقیب اصلی اینجانب شخصی به نام خانم ثریا برزکار که مادر مشارالیه شهید می‌باشد که آن هم با کسب نمره مکتوبه ۲۲۰۲۸ حائز نمره گردیده است از طرفی بنیاد شهید و امور ایثارگران بدون هیچ‌گونه دستورالعمل یا قانون خاصی نیز برای وی هم اولویت اول و هم ضریب ۴/۵ (معادل چهار ونیم) را در نظر گرفته است و نیز بر اساس نمره قبولی ایشان چهار و نیم برابر افزایش منظور گردیده است و از طرف دیگر برابر نامه شماره ۵۴۰/۹۸/۵۴۷۳۷ - ۱۳۹۸/۴/۱۹ در خصوص ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران هیچ قید و شرطی دال بر اولویت‌بندی و امتیازبندی برای گروه‌های ایثارگران مشمول ایجاد نشده بنابراین اعمال اولویت و ضرایب امتیاز برای گروه‌های دارای اولویت و امتیازبندی مغایر با قانون می‌باشد که این نامه مربوط به معاون حقوقی و امور مجلس بنیاد شهید و امور ایثارگران می‌باشد لذا اینجانب خواستار لغو امتحان و همچنین لغو پذیرش خانم ثریا برزکار که از این ضرایب غیرقانونی و اعمال غیرقانونی و تخلف بنیاد شهید و امور ایثارگران مرکز را دارم تا زمان احقاق حق از ناحق تقاضای رسیدگی برابر قانون را دارم. ضمناً دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی استخدام خانم ثریا برزکار مورد تقاضاست. شایان ذکر است در انجام مصاحبه توسط خواننده دیگر دعوا بانک ملی ایران نمره ۸۰۰ و بالاتر از خانم ثریا برزکار اخذ نموده ام که این موضوع متأسفانه مد نظر قرار نگرفته است.

در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۹ - ۲۳۶۹ - ۱۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۵ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده، توضیح داده است که:

در پاسخ به موارد رفع نقص اعلام شده از سوی دیوان به استحضار می‌رساند: شکایت اینجانب در رابطه با بخشنامه شماره ۸۵۱۴ که مرجع صدور آن مدیرکل اشتغال بنیاد شهید است، می‌باشد که در آن برای ایثارگران ضرایب متفاوتی را لحاظ کرده است در حالی که در ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران هیچ قید و شرطی دال بر ایجاد اولویت و امتیاز برای گروه‌های مشمول ایجاد نشده است که این بخشنامه با این قانون مغایرت دارد کما اینکه طی نامه‌ای به شماره ۵۴۰/۹۸/۵۴۷۳۷ که توسط معاون حقوقی و امور مجلس بنیاد شهید و امور ایثارگران این موضوع به اطلاع مدیرکل اشتغال بنیاد شهید و امور ایثارگران رسیده که بخشنامه ۸۵۱۴ را لغو و در آزمون‌های فراگیر هفتم و هشتم این ضرایب و اولویت حذف و رقابت داوطلبان به صورت برابر و بر اساس شایستگی‌های علمی و تخصصی بوده است. لذا بنده به عنوان داوطلب آزمون استخدامی فراگیر ششم که به مرحله مصاحبه راه پیدا کرده ام و در آن زمان با اعمال ضرایب و اولویت در رقابت با رقیبانی که نمرات کمتری داشته‌اند از رقابت و استخدام باز ماندم. لذا خواستار احقاق حق خود می‌باشم.

متن بخشنامه مورد اعتراض به شرح زیر است:

نامه شماره ۱۰۴۱۷/ص/م/۹۷ - ۱۳۹۷/۹/۱۳ مدیر کل اشتغال و کارآفرینی بنیاد شهید

رئیس محترم مرکز آزمون جهاد دانشگاهی

با سلام، احتراماً پیرو مذاکره حضوری با همکاران آن مرکز و توافق با سازمان اداری و استخدامی کشور در خصوص تعیین اولویت افراد مشمول سهمیه استخدامی حداقل ۲۵٪ در راستای اجرای ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، مستدعی است دستور فرمایید ضرایب موثر در ششمین آزمون استخدامی فراگیر سال جاری را به شرح جدول ذیل اعمال و اقدام نمایند:

نوع ایثارگری	جانباز، آزاده و فرزند شهید	فرزندان جانباز و آزادهگان دارای ۵ سال اسارت و بالاتر (در صورت نداشتن درصد)	فرزندان جانباز ۲۵-۴۹ درصد و فرزندان آزادگان یکسال تا کمتر از ۵ سال اسارت (در صورت نداشتن درصد)	والدین شهید - همسر شهید - همسر جانباز - ۲۵٪ و بالاتر - همسر آزاده یکسال اسارت و بالاتر - خواهر و برادر شهید
میزان ضریب تاثیرگذار در نمره آزمون	۴.۵	۲	۱.۶	۱.۱

رأی هیأت عمومی

اولاً: به موجب ماده ۷۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب سال ۱۳۹۱: «کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون ملغی‌الاثراً شده است» و «سایر احکام مواد، بندها، اجزاء و تبصره‌های کلیه قوانینی که طی سالهای ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱/۱۰/۲ به نفع ایثارگران به تصویب رسیده است از جمله قوانین برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور در طول زمان اعتبار قانونی خود معتبر است.» فلذا درخصوص اعمال سهمیه ایثارگران در آزمونهای استخدامی، ماده ۲۱ قانون جامع فوق‌الذکر با اصلاحات بعدی آن ملاک عمل است و در این ماده قانونی مبنایی برای اولویت قائل شدن برای برخی از مشمولین سهمیه ایثارگری ۲۵ درصدی نسبت به سایر ایثارگران مشمول ملاحظه نمی‌شود و هیأت وزیران نیز تاکنون مستند به ماده ۷۵ قانون مذکور، آیین‌نامه‌ای در این خصوص صادر نکرده است و برخی آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله رأی شماره ۵۳۸ مورخ ۱۳۹۶/۶/۷ و شماره ۱۸۴۹ - ۱۸۵۱ مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۰ نیز مؤید این نظر است. ثانیاً: حکم مقرر در بند «ج» ماده ۸۷ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران درخصوص استخدام فرزندان شهدا و جانبازان ۷۰ درصد به بالا هم به جهت دایره شمول و هم سهمیه موضوعی، با ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران متفاوت است و بنا به مراتب فوق و از آنجا که مقرره مورد شکایت استفاده از سهمیه استخدامی موضوع ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران را اولویت‌بندی کرده است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۰۰۰۰۰۹۴

۱۴۰۰/۶/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۷۳/۰۹۰۵۸۱۱۴۷۳ مورخ ۱۴۰۰/۶/۹ با موضوع: «ابطال بند ۱ ماده ۲ دستورالعمل شرایط و ضوابط اختصاصی مراکز توانبخشی معلولان (غیردولتی روزانه آموزشی و توانبخشی خانواده و کودک مبتلا به اختلالات شنوایی) مصوب شورای مدیران حوزه توانبخشی سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۹۶» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۹ شماره دادنامه: ۱۴۷۳ شماره پرونده: ۰۰۰۰۰۹۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای سعید فاطمی سالانفوج

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۱ ماده ۲ دستورالعمل شرایط و ضوابط اختصاصی مراکز توانبخشی معلولان (غیردولتی روزانه آموزشی و توانبخشی خانواده و کودک مبتلا به اختلالات شنوایی) مصوب شورای مدیران حوزه توانبخشی سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۹۶

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۱ ماده ۲ دستورالعمل شرایط و ضوابط اختصاصی مراکز توانبخشی معلولان (غیردولتی روزانه آموزشی و توانبخشی خانواده و کودک مبتلا به اختلالات شنوایی) مصوب شورای مدیران حوزه توانبخشی سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۹۶ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

بند ۱ ماده ۲ دستورالعمل معترض عنه شرایط متقاضی تأسیس مراکز آموزشی و توانبخشی خانواده و کودک مبتلا به اختلالات شنوایی را دارا بودن مدرک کارشناسی ارشد گفتار درمانی یا شنوایی شناسی یا دکترای حرفه‌ای ذکر کرده است. با توجه به ظرفیت بسیار پایین پذیرش این مقاطع در دانشگاه‌ها و کمبود این متخصصان در بسیاری از نقاط کشور عملاً باعث محرومیت بسیاری از کودکان کم شنوا از دریافت خدمات درمانی مناسب می‌گردد که در تناقض با اصل ۲۹ قانون اساسی است و این امر باعث بروز تبعیض در دریافت خدمات درمانی گردیده است که در تناقض با بند ۹ اصل سوم قانون اساسی می‌باشد. از طرفی با توجه به شرح وظایف کارشناسان گفتار درمانی و شنوایی شناسی که توسط وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی به عنوان مرجع اصلی تعیین حدود اختیارات و صلاحیت‌های حرفه‌ای حرف مختلف پزشکی صادر گردیده است، این دسته از کارشناسان دارای صلاحیت در امر درمان و توانبخشی کودکان کم شنوا

شناخته شده‌اند و مجاز به ارائه خدمات درمانی می‌باشند در حالی که وجود مقرر معترض عنه باعث ایجاد محدودیت در انتخاب شغل و اشتغال این کارشناسان گردیده است که با اصل ۲۸ قانون اساسی و آیین‌نامه‌های تسهیل فضای کسب و کار در تناقض می‌باشد. لذا از آن مقام درخواست ابطال بند فوق‌الذکر را دارم.

متن مقرره مورد شکایت به شرح زیر است:

دستورالعمل شرایط و ضوابط اختصاصی مراکز توانبخشی معلولان

(غیردولتی روزانه آموزشی و توانبخشی خانواده و کودک مبتلا به اختلالات شنوایی)

(ظرفیت ۵۰ نفر)

ماده ۲

شرایط تخصصی متقاضی و مسئول فنی

۱-۲: شرایط تخصصی متقاضی

دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی دکترای پزشکی عمومی یا کارشناس ارشد در یکی از رشته‌های شنوایی شناسی یا گفتار درمانی از دانشگاه‌های مورد تأیید وزارت علوم تحقیقات و فناوری یا وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی با معدل بالاتر از ۱۵ - رعایت شرط معدل و رشته تحصیلی مذکور در بند فوق درخصوص مقطع کارشناسی متقاضی

- سابقه کار مرتبط با کودکان مبتلا به اختلالات شنوایی حداقل به مدت ۲ سال در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل امور حقوقی سازمان بهزیستی کشور به موجب لایحه شماره ۱۴۰۰/۳/۱۲ - ۹۰۰/۱۴۰۰/۲۹۷۰۳ توضیح داده است که:

۱- تعیین شرط معدل و مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد برای متقاضیان تأسیس مراکز روزانه توانبخشی، متناسب با شرایط موجود و به دلیل بالا رفتن سطح تحصیلات در جامعه صورت پذیرفته و این اقدام در راستای شایسته‌گزینی و انتخاب افراد با مدارج علمی برتر به عنوان صاحبان امتیاز مراکز توانبخشی است.

۲- با توجه به بیکاری فراگیر نیروهای فارغ‌التحصیل دانشگاهی در کشور و تقاضای فراوان موجود در زمینه راه‌اندازی مراکز روزانه توانبخشی و از سوی وظیفه ستاد بهزیستی در افزایش ضریب نفوذ خدمات در اقصی نقاط کشور و در دسترس نمودن خدمات برای گروه‌های هدف در تمام مناطق و به ویژه مناطق محروم، انتخاب صاحب امتیازان، در هر منطقه از بین نیروهای بومی اصلح (اصل آمایش سرزمین) با نظر به تعداد افراد پشت نوبت و لزوم توجه به پراکندگی متناسب مراکز، الزامی است. چون در صورت عدم توجه به این موضوع عموم مراکز در مرکز استان و با شهرهای برخوردار راه‌اندازی شده و مناطق محروم، از خدمات توانبخشی موجود در مراکز روزانه، بی‌بهره خواهند ماند.

۳- نظر به وابسته به یارانه بودن مراکز روزانه توانبخشی، به دلیل عدم استطاعت عموم خانواده‌های متقاضی دریافت خدمات از مراکز روزانه توانبخشی (معمولاً خانواده‌هایی با استطاعت بیشتر به کلینیک‌های توانبخشی وزارت بهداشت با هزینه بسیار بالا مراجعه می‌نمایند) راه‌اندازی هر مرکز روزانه برای سازمان بهزیستی، به منزله هزینه کرد اعتبار بیشتر بوده و طبعاً به دلیل محدودیت سقف اعتبارات تخصیصی و ضمناً لزوم تسهیم متناسب اعتبارات حوزه در تمام فعالیتها، راه‌اندازی مراکز باید با لحاظ موارد پیش‌گفت صورت پذیرد و لذا تعیین شروط موضوع بند صدرالاشاره به دلیل اعمال فیلترهایی است که مدیریت درخواست متقاضیان تأسیس مراکز روزانه را امکان‌پذیر می‌سازد.

۴- در عموم موارد، متقاضیان تأسیس مراکز، تعهد مکتوب و محضری عدم درخواست یارانه برای مرکز مورد درخواست را به رزومه علمی خود ضمیمه نموده و از این طریق سعی در جلب نظر سازمان بهزیستی در موافقت با تأسیس مرکز هستند. ولیکن به محض راه‌اندازی مرکز بدون سهم یارانه، سلیلی از نامه‌ها و سفارش‌های مختلف به سازمان سرازیر می‌شود مکاتباتی که مضمون مشترک تامشان «تأکید بر تأمین یارانه» مراکز مذکور است.

در پایان خاطر نشان می‌سازد که دفتر امور توانبخشی روزانه و توانپزشکی سازمان بهزیستی کشور به عنوان دفتر متولی و صاحب فرایند، به رغم موارد مندرج در بند موصوف، به کرات و در پاسخ به «درخواست استانه‌ها» متناسب با شرایط احصایی و محرومیت منطقه مرجع یا راه‌اندازی مراکز روزانه توانبخشی با تخفیف شرط مدرک تحصیلی (مدرک کارشناسی به جای مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌های مرتبط) و یا معدل مدرک تحصیلی مذکور (کمتر از ۱۵) موافقت نموده که شماری از موارد اخیرالذکر به عنوان مستندات (با توجه به حجم بالا در قالب یک DVD) تقدیم حضور می‌گردد. با عنایت به موارد مطروحه و دفاعیات صورت گرفته تقاضای صدور رأی مبنی بر رد دادخواست خواهان مورد استدعا می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

"پیرو نقص اشاره شده در پرونده کلاسه ۹۹۰۲۱۰۵ به استحضار می‌رساند مصوبات تقاضا شده جهت ابطال عیناً مشابه مصوبه شماره ۱۵۳۹۰ - ۱۳۹۴/۱۱/۱۴ شورای شهر قم است که توسط دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۳۰۶۹ - ۱۳۹۸/۱۱/۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردید. لذا با توجه به دادنامه هیأت عمومی دیوان و نیز از آنجا که طبق احکام مقرر در مواد ۵، ۱۶، ۳۸، ۵۰ و ۵۳ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ میزان عوارض ارائه خدمات در قانون مذکور مشخص شده است و هتل‌ها هم مشمول این قانون هستند و باید مالیات و عوارض ناشی از ارزش افزوده را پرداخت کنند، بنابراین مصوبه شماره ۸۴۸۱ - ۱۳۹۶/۱۱/۳ و مصوبه شماره ۸۵۰۱ - ۱۳۹۸/۱۰/۲۴ شورای اسلامی شهر قم طبق مواد قانونی فوق‌الذکر و پیرو دادنامه صادره هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون است."

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

"مصوبه ۸۴۸۱ - ۱۳۹۶/۱۱/۳

جدول شماره ۴: مشاغل گردشگری و سایر

عوارض سالیانه	نام شغل
۵٪ از رقم قرارداد که از ۴۵۰/۰۰۰ ریال کمتر نباشد	غرف داخل شهربازی
۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال حق پذیره و ماهیانه هر تخت ۲۵/۰۰۰ ریال	حق پذیره و عوارض مهمانپذیر ممتاز
۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال حق پذیره و ماهیانه هر تخت ۲۲/۰۰۰ ریال	حق پذیره و عوارض مهمانپذیر درجه ۱
۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال حق پذیره و ماهیانه هر تخت ۱۵/۰۰۰ ریال	حق پذیره و عوارض مهمانپذیر درجه ۲
۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال حق پذیره و ماهیانه هر تخت ۱۳/۰۰۰ ریال	حق پذیره و عوارض مهمانپذیر درجه ۳
۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال حق پذیره و ماهیانه هر تخت ۳۸/۰۰۰ ریال	حق پذیره و عوارض هتل آپارتمان یک ستاره
۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال حق پذیره و ماهیانه هر تخت ۵۰/۰۰۰ ریال	حق پذیره و عوارض هتل آپارتمان دو ستاره
۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال حق پذیره و ماهیانه هر تخت ۶۴/۰۰۰ ریال	حق پذیره و عوارض هتل آپارتمان سه ستاره
۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال حق پذیره و ماهیانه هر تخت ۳۲/۰۰۰ ریال	حق پذیره و عوارض هتل یک ستاره
۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال حق پذیره و ماهیانه هر تخت ۴۴/۰۰۰ ریال	حق پذیره و عوارض هتل دو ستاره
۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال حق پذیره و ماهیانه هر تخت ۵۷/۰۰۰ ریال	حق پذیره و عوارض هتل سه ستاره
۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال حق پذیره و ماهیانه هر تخت ۸۲/۰۰۰ ریال	حق پذیره و عوارض هتل چهار ستاره
۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال حق پذیره و ماهیانه هر تخت ۱۰۸/۰۰۰ ریال	حق پذیره و عوارض هتل پنج ستاره
۲۶P	تالارهای همایش
۲/۲۰۰/۰۰۰ ریال	حق پذیره سنگ کوبی
از برگزاری هر نمایشگاه ۴/۹۵۰/۰۰۰ ریال	عوارض برگزاری نمایشگاه

تالارهای پذیرایی درجه سه	۳/۸۵۰/۰۰۰ ریال	حق پذیره ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
تالارهای پذیرایی درجه دو	۹/۳۵۰/۰۰۰ ریال	حق پذیره ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال
تالارهای پذیرایی درجه یک	۱۵/۹۵۰/۰۰۰ ریال	حق پذیره ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
تالارهای پذیرایی درجه ممتاز	۲۸/۶۰۰/۰۰۰ ریال	حق پذیره ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال

تبصره ۱: عوارض ماهیانه مهمانپذیر، هتل و هتل آپارتمان، برای ۶ ماه از سال با ضریب ۸۰٪ محاسبه خواهد شد.

تبصره ۲: عوارض مهمانپذیر یا مسافرخانه یا خانه مسافر، به نحو فوق برای سال ۱۳۹۷ تعیین و دارای یک مفهوم مشابه می‌باشد.

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر قم به موجب لایحه شماره ۶۷۵۲ - ۱۳۹۹/۱۱/۲۳ توضیح داده است که:

"۱- شورای اسلامی شهر قم وفق بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون شوراها و در اجرای تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ مجلس شورای اسلامی، عوارضی را تحت عنوان عوارض بر مکان هتل و مهمانپذیرها به تصویب رسانده که این مصوبه از طریق جرایم محلی انتشار یافته و اعلان عمومی گردیده است و شهرداری قم نیز به استناد مصوبات فوق که به اذن صریح قانونگذار و طی مراحل قانونی، تصویب و ابلاغ گردیده عوارضی را از مکان فعالیت هتل‌ها و مهمانپذیرها و بر حسب درجه مشاغل و با توجه به میزان استفاده از خدمات شهری محاسبه و دریافت می‌شود. با این اوصاف عوارض مطالبه شده شهرداری، عوارض شغلی بوده و بر حسب درجه‌بندیهای ذکر شده بوده (براساس معبر ملک) و هیچ ارتباطی با میزان درآمد، ماخذ محاسبه مالیات و سایر ممنوعیتهای ذکر شده در قانون مالیات بر ارزش افزوده ندارد.

رأی هیأت عمومی

براساس بند ۹ ماده ۲۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ سازمان بهزیستی کشور موظف است پس از بررسیهای کارشناسی برای متقاضیان تأسیس مراکز توانبخشی و نگهداری سالمندان پروانه فعالیت صادر نماید. لذا در این بند و سایر قوانین و مقررات مربوط به اعطای مجوز تأسیس مراکز توانبخشی و نگهداری سالمندان هیچگونه اختیاری مبنی بر تعیین شرایط مندرج در بند ۱ ماده ۲ دستورالعمل معترض‌عنه پیش‌بینی نشده است و عبارت «پس از بررسیهای کارشناسی» در بند ۹ ماده ۲۶ قانون مذکور نیز صرفاً جنبه موردی داشته و نسبت به هر شخص با توجه به شرایط خاص وی قابل اعمال است و متضمن اختیار تعیین شرایط عام‌الشمول برای متقاضیان تأسیس مراکز توانبخشی و نگهداری سالمندان نیست. بنا به مراتب مذکور، بند ۱ ماده ۲ دستورالعمل معترض‌عنه مغایر با قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب‌کننده آن است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۲۱۰۵

۱۴۰۰/۶/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۳۰۶۹ مورخ ۱۴۰۰/۶/۹ با موضوع: «ابطال جدول شماره ۴ مشاغل گردشگری و سایر از مصوبه شماره ۸۴۸۱ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۳ شورای اسلامی شهر قم مبنی بر حق پذیره و عوارض از مهمانپذیر، هتل آپارتمان و هتل» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۹ شماره دادنامه: ۱۴۷۴ شماره پرونده: ۹۹۰۲۱۰۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای حسین اسلامی نسب

موضوع شکایت و خواسته: ابطال جدول شماره ۴ مشاغل گردشگری و سایر از

مصوبه شماره ۸۴۸۱ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۳ شورای اسلامی شهر قم مبنی بر حق پذیره و عوارض از مهمانپذیر، هتل آپارتمان و هتل

گردش کار: شاکي به موجب درخواستی: ابطال جدول شماره ۴ مشاغل گردشگری

و سایر از مصوبه شماره ۸۴۸۱ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۳ و مصوبه شماره ۸۵۰۱ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۴ شورای اسلامی شهر قم را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"احتراماً به استحضار می‌رساند پس از شکایت اینجانب نزد دیوان عدالت اداری به منظور ابطال مصوبه شماره ۱۵۳۹۰ - ۱۳۹۴/۱۱/۱۴ شورای اسلامی شهر قم، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری طی دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۳۰۶۹ - ۱۳۹۸/۱۱/۱ مصوبه مذکور را ابطال و به شورای شهر قم نیز ابلاغ گردید. با عنایت به اینکه شورای شهر قم پس از مصوبه ابطالی اقدام به تصویب مصوبات جدید نموده است (از جمله مصوبه شماره ۸۴۸۱ - ۱۳۹۶/۱۱/۳ و مصوبه شماره ۸۵۰۱ - ۱۳۹۸/۱۰/۲۴) و با توجه به اینکه تمامی مصوبات بعدی بر اساس مصوبه ابطالی صورت گرفته‌اند و شکلاً و ماهیتاً همان مصوبه ابطالی هستند و صرفاً درصد میزان عوارض افزایش یافته است و از آنجایی که شهرداری و شورای شهر قم نسبت به دادنامه هیأت عمومی دیوان و مصوبه ابطالی استنکاف می‌نمایند و طبق قانون و همچنین مستند به نامه صادره توسط معاون حقوقی و پیشگیری و پژوهش دیوان عدالت اداری به معاون حقوقی و پارلمانی وزیر کشور تحت شماره ۹۰۰۰/۲۳۴/۱۷۵۷۷۵/۲۰۰ - ۱۳۹۶/۱۰/۶ شورای شهر مکلف به لغو و اصلاح مصوبات مشابه و مشمول آراء هیأت عمومی دیوان است، لذا مستند به قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، تقاضای اعمال مواد ۹۲ و ۹۳ جهت ابطال و لغو مصوبات شورای شهر قم (مشابه مصوبه ابطالی) و جلوگیری از تصویب مصوبات جدید توسط شورای شهر قم را از محضرتان خواستارم."

در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکي ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۹ - ۲۱۰۵ - ۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۳ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده، توضیح داده است که:

رأی هیأت عمومی

با توجه به احکام مقرر در مواد ۵، ۱۶، ۳۸، ۵۰ و ۵۳ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷، میزان عوارض مربوط به ارائه خدمات در قانون مذکور مشخص شده است و هتلهای هم مشمول مقررات این قانون هستند و در نتیجه باید مالیات و عوارض ناشی از ارزش افزوده را پرداخت نمایند. بنابراین جدول شماره ۴ مصوبه شماره ۸۴۸۱ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۳ که با عنوان «مشاغل گردشگری و سایر» در رابطه با اخذ حق پذیره و عوارض از مهمانپذیرها، هتلها و هتل آپارتمانها به تصویب شورای اسلامی شهر قم رسیده، مغایر با مواد مذکور از قانون مالیات بر ارزش افزوده و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۸۰۰۷۶۷

۱۴۰۰/۶/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۷۵ مورخ ۱۴۰۰/۶/۹ با موضوع: «ابطال مواد ۲ و ۳ و بخش‌های سوم، چهارم و پنجم از بخشنامه شماره ۹۵۳۴۰۰/۵۳۶۷۹ - ۹۵۳۴۰۰/۸/۱۱ مقررات اجرایی - انضباطی فعالیت دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - بدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۹ شماره دادنامه: ۱۴۷۵ شماره پرونده: ۹۸۰۰۷۶۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: شرکت خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی زنده رودسیر سپاهان

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه مقررات اجرایی - انضباطی فعالیت دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری به شماره ۹۵۳۴۰۰/۵۳۶۷۹ - ۹۵۳۴۰۰/۸/۱۱ (به استثناء مواد ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۹)

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه مقررات اجرایی - انضباطی فعالیت دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری به شماره ۹۵۳۴۰۰/۵۳۶۷۹ - ۹۵۳۴۰۰/۸/۱۱ را خواستار شده است و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

احتراماً به استحضار می‌رساند: معاونت گردشگری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مبادرت به صدور بخشنامه‌ای با عنوان مقررات اجرایی و انضباطی فعالیت دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری نموده است که مفاد بخشنامه مذکور برخلاف قانون اساسی و قوانین عادی (مدنی و آیین دادرسی مدنی) و تصویب نامه هیأت وزیران می‌باشد. مفاد بندهای ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۲، ۲۴، ۳۱، ۳۴ و ۳۶ تبصره ماده ۴۱ و همچنین فصل‌های سوم، چهارم و پنجم خلاف قوانین و مقررات می‌باشد.

۱- تحلیل قرارداد ابلاغی که در قرارداد مذکور و ماده ۱۰ و مواد ۲۲۱ و ۲۲۳ اشاره شده است که این موضوع بر خلاف اصل آزادی قراردادهای می‌باشد.

۲- ایجاد صلاحیت سازمان جهت رسیدگی به پرونده‌های مطروحه اینجانب گردشگر که موضوع داوری سازمان در ماده ۱۲ قرارداد تیپ ایجاد شده است و این در حالی است که مرجع رسمی تظلمات بین اشخاص حقوق خصوصی دادگستری می‌باشد و داوری سازمان برخلاف قواعد آمره قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد و به موجب آیین‌نامه دفاتر موظف به استفاده از قرارداد ابلاغی سازمان می‌باشند.

۳- تحمیل مجازات و شرایطی که خارج از حدود اختیارات معاونت گردشگری می‌باشد و نیاز به مجوز هیأت وزیران دارد به نوعی که بخشنامه خلاف مصوبات هیأت وزیران می‌باشد و رأساً مبادرت به تعیین مجازات انتظامی نموده است. علی‌هذا با توجه به مراتب مذکور تقاضای ابطال بخشنامه مذکور و همچنین ابلاغیه استفاده از قراردادهای تیپ تنظیمی توسط معاونت سازمان میراث فرهنگی را دارم.

متن مقرره مورد اعتراض به شرح زیر است:

مقررات اجرایی - انضباطی فعالیت دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری

بخش اول: تعاریف:

ماده ۱ - تعاریف عملیاتی از مفاهیم و واژه‌های به کار رفته در این بخشنامه:

سازمان: سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری

۲- شورای اسلامی شهر مطابق بخشنامه شماره ۱۶۶۴۷۲ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۱ وزارت کشور که به موجب آن توصیه به دریافت عوارض مشاغل دارد و مطابق اختیارات مصرح قانونی نسبت به تصویب عوارض مذکور اقدام نموده و شهرداری نیز مکلف به اجرای مصوبات شورای اسلامی شهر می‌باشد.

۳- یکی از دلایل ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر در سال گذشته بدین جهت بود که در مصوبه ابطال شده ماحذ محاسبه عوارض بر مبنای میزان اقامت و بر اساس استفاده از تخت‌های هتل تعیین گردیده بوده و از آن جهت که این موضوع با میزان درآمد صاحبان هتل‌ها ارتباط مستقیم داشت مغایر ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده بوده تشخیص داده شد، لکن نکته حائز اهمیتی که در مصوبه جدید تصویب شورای اسلامی شهر مد نظر قرار گرفته آن است که با عنایت به اینکه مطابق ضوابط طرح تفصیلی شهر قم که حداقل زیربنای خالص هر واحد اقامتی را برابر با ۴۰ مترمربع در نظر گرفته است لذا در مصوبه جدید ماحذ محاسبه عوارض بر اساس زیربنای خالص اقامتی هتل‌ها تعیین شده که این موضوع به لحاظ ماهیت با مصوبه ابطال شده متمایز می‌باشد و با دستورالعمل وزارت کشور مبنی بر تعیین عوارض مشاغل بر مبنای مساحت ملک، محل جغرافیایی و نوع شغل مطابقت دارد.

۴- یکی دیگر از دلایل ابطال مصوبه سابق استناد دیوان عدالت اداری به ماده ۳۸ و ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده و بیان این نکته که چون هتل‌ها مشمول قانون مالیات بر ارزش افزوده می‌باشند و عوارض و مالیات پرداخت می‌کنند لذا تعیین عوارض مجدد و جاهتی ندارد حال آن که قانونگذار در ماده ۵۰ قانون فوق‌الذکر اشعار می‌دارد «برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و تولیدی و همچنین ارائه خدمات که در این قانون تکلیف مالیات و عوارض آن معین شده توسط شوراهای اسلامی شهر ممنوع می‌باشد» که در این خصوص توجه به نکات ذیل ضروری است.

اولاً: با عنایت به ماده ۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده که اشعار می‌دارد «منظور از مالیات در این قانون به استثناء موارد مندرج در فصول هشتم و نهم مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد» بنابراین طبق این ماده هر جا در قانون مالیات بر ارزش افزوده سخنی از مالیات گفته شده (به استثناء فصل هشتم و نهم) مراد مالیات بر ارزش افزوده است لذا با توجه به اینکه ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده در فصل دهم قرار گرفته بنابراین مستند به ماده ۲ قانون فوق مراد از مالیات در ماده ۵۰، مالیات بر ارزش افزوده است.

ثانیاً: قانونگذار در قانون مالیات بر ارزش افزوده هیچ ممنوعیتی در مورد عوارض مشاغل هتل‌ها تعیین ننموده است و از سویی بخشنامه شماره ۱۶۶۴۷۲ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۱ وزارت کشور نیز توصیه به دریافت عوارض مشاغل دارد.

ثالثاً: ماهیت این عوارض و مسئول پرداخت آن با عوارض مقرر در قانون مالیات بر ارزش افزوده متفاوت است به عبارت دیگر عوارض موضوع ماده ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده، عوارضی است که النهایه پرداخت آن به عهده مشتری و مصرف‌کننده می‌باشد ولی عوارض مشاغل عوارضی است که پرداخت آن به عهده مالک یا مدیر هتل می‌باشد. در واقع در قانون مالیات بر ارزش افزوده مدیر هتل نقش واسطه را ایفا نموده و وفق ماده ۲۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده عوارض را از مشتری (مسافر) اخذ و به شهرداری می‌پردازد ولی در مصوبه شورای اسلامی شهر مسئولیت پرداخت عوارض بر عهده شخص مالک و مدیر هتل بوده و بابت استفاده از خدمات شهرداری آن را پرداخت می‌کند.

با توجه به اینکه درخواست شاکی مبنی بر اعمال ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری پذیرفته نشده است. در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۶۳ - ۱۴۰۰/۳/۲۵ مصوبه شماره ۸۵۰۱ - ۱۳۹۸/۱۰/۲۴ جدول شماره ۴ مشاغل گردشگری و سایر مبنی بر عوارض سالیانه مهمانپذیر، هتل آپارتمان و هتل مصوب شورای اسلامی شهر قم را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

رسیدگی به جدول شماره ۴ مشاغل گردشگری و سایر از مصوبه ۸۴۸۱ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۳ شورای اسلامی شهر قم مبنی بر حق پذیره و عوارض مهمانپذیر، هتل آپارتمان و هتل در دستورکار هیأت عمومی قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

ماده ۱۴ - دفتر موظف است نام و نشانی کامل خود را به همراه شماره تلفن و نوع فعالیت در سربرگ مکاتبات درج نماید. (تذکر کتبی)

ماده ۱۵ - دفتر در هنگام ثبت نام، موظف به کنترل اعتبار گذرنامه گردشگر و شرایط سنی همراهان می‌باشد. (تذکر کتبی)

ماده ۱۶ - کارکنان دفاتر ملزم به رعایت کامل شئون اخلاقی، عرفی و قانونی در دفتر و محل برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و سایر فعالیت‌های گردشگری مرتبط می‌باشند. (تذکر کتبی)

ماده ۱۷ - دفتر مجری تور موظف به تشکیل جلسه معارفه برای گردشگران قبل از اجرای گشت‌های گروهی و ارائه برنامه سفر، معرفی راهنمایی گشت و همچنین اطلاع‌رسانی درباره مقررات کشور مقصد می‌باشد. (تذکر کتبی)

ماده ۱۸ - دفتر نباید از عنوانی غیر از دفتر «خدمات مسافرتی و گردشگری (یا سیاحتی - جهانگردی)» همانند آژانس، بنگاه و ... جهت فعالیت استفاده نماید. (اخطار کتبی)

ماده ۱۹ - دفتر موظف است گزارش عملکرد خود را به صورت فصلی در فرم‌های ابلاغی به سازمان ارائه نماید. (اخطار کتبی)

ماده ۲۰ - دفتر مجاز به نگهداری مدارک شخصی علی‌الخصوص گذرنامه گردشگران و منوط کردن تحویل آن به تسویه حساب نمی‌باشد. (اخطار کتبی)

ماده ۲۱ - دفتر ملزم به استفاده از راهنمای گردشگری مورد تأیید و دارای کارت معتبر از سازمان درگشت‌ها می‌باشند. (اخطار کتبی)

ماده ۲۲ - نام دفتر باید با تابلوی سردرب، کارت ویزیت، سربرگ، لوگو و مهر دفتر مطابقت داشته باشد. (اخطار کتبی)

ماده ۲۳ - کلیه تبلیغات باید همراه با نام کامل دفتر صورت پذیرفته و در صورت درخواست سازمان نسبت به ارائه مستندات متن آگهی اقدام نماید و همچنین از به کار بردن تبلیغات نامتعارف و غیرواقعی خودداری نمایند. (اخطار کتبی)

ماده ۲۴ - دفتر ثبت نام کننده، تورگردان و مجری تور بر اساس پکیج ارائه شده موظف به انعقاد قرارداد فی‌مابین می‌باشند همچنین دفتر مجری موظف است دقیقاً نسبت به ارائه خدمات برابر پکیج معرفی شده توسط دفتر ثبت نام کننده اقدام نماید. (اخطار کتبی)

ماده ۲۵ - دفتر موظف به ارائه رسید در هنگام دریافت وجه از گردشگر با سربرگ و امضا و مهر دفتر با درج تاریخ دریافت آن می‌باشد. (اخطار کتبی)

ماده ۲۶ - پس از دریافت ۲ تذکر کتبی در صورت تکرار تخلف تذکر تبدیل به اخطار کتبی می‌گردد.

بخش چهارم: تخلفات منتهی به تعلیق از یک تا سه ماه:

ماده ۲۷ - دفتر مجری موظف است تورهای خود را تحت پوشش بیمه کامل مسافرتی مطابق دستورالعمل ابلاغی سازمان قرار دهد و دفاتر ثبت نام کننده نیز مکلف به استفاده از برنامه‌های سفر دارای بیمه مسافرتی می‌باشند. (بار اول ۱ ماه و بار دوم ۲ یا ۳ ماه)

ماده ۲۸ - استفاده از آرم سازمان در پوستره‌های تبلیغاتی، کارت ویزیت، سربرگ، تابلو یا نامه‌های اداری دفاتر ممنوع می‌باشد. (بار اول ۱ ماه و بار دوم ۲ یا ۳ ماه)

ماده ۲۹ - دفتر موظف است بنابه درخواست کتبی سازمان، اطلاعات مورد درخواست اعم از گزارش عملکرد خود را به سازمان ارائه نماید. (بار اول ۱ ماه و بار دوم ۲ یا ۳ ماه)

ماده ۳۰ - دفتر در صورت نیاز به اخذ ضمانت بازگشت از گردشگر می‌تواند از روی درخواست ارائه ضمانت نامه بانکی معتبر نمایند. لذا دریافت وجه نقد و یا واریز وجه به حساب شخصی و یا حساب دفتر ممنوع می‌باشد. (بار اول ۱ ماه و بار دوم ۲ یا ۳ ماه)

ماده ۳۱ - دفاتر مجاز به فروش رویداد تک برای هیچ یک از مسیرهای کشورهای خارجی آن نمی‌باشند. لذا انجام خدمات رویداد توأم با سایر خدمات بسته سفر از قبیل بلیط و ذخیره (رزرو) مکان اقامت مجاز می‌باشد. (بار اول ۱ ماه و بار دوم ۲ یا ۳ ماه)

ماده ۳۲ - دفتر می‌بایست قبل از انجام هرگونه همکاری و فعالیت با دفاتر، مؤسسات و شرکت‌ها، از قانونی بودن فعالیت دفتر یا مؤسسه یا شرکت مذکور اطمینان حاصل نماید. (بار اول ۱ ماه و بار دوم ۲ یا ۳ ماه)

ماده ۳۳ - معرفی گردشگر به واسطه (دلال) یا شخص ثالث غیرمجاز، ممنوع می‌باشد. (بار اول ۱ ماه و بار دوم ۲ یا ۳ ماه)

ماده ۳۴ - دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری چنانچه به هر علت ظرف مدت ۲ ماه سه شکایت (شکایت مجزا) که منجر به محکومیت شود، داشته باشد. (بار اول ۱ ماه و بار دوم ۲ یا ۳ ماه)

ماده ۳۵ - دفتر مجاز نیست به فعالیتی که مغایر با موضوع فعالیت بوده یا سنخیتی با آن نداشته باشد بپردازد. (بار اول ۱ ماه و بار دوم ۲ یا ۳ ماه)

دفتر: هر یک از دفاتر و شرکت‌های خدمات مسافرتی و گردشگری دارای مجوز از سازمان

بسته سفر: یک طرح مسافرتی، مرکب از عناصر گوناگون سفر نظیر حمل و نقل، اقامت، پذیرایی، بازدید، راهنما، ویزا، بیمه و ... در گشت‌های کامل و گشت‌های مستقل دارای حداقل اقامت و حمل و نقل می‌باشد.

دفتر ثبت نام کننده: دفتر خدمات مسافرتی و گردشگری یک بسته سفر تهیه شده توسط دفتر خدمات مسافرتی و گردشگری دیگر را به گردشگر می‌فروشد.

تورگردان: دفتر خدمات مسافرتی و گردشگری که در زمینه طراحی و آماده‌سازی بسته‌های سفر برنامه‌ریزی شده تخصیص داشته، اجزا و عناصر گوناگون سفر را از تولیدکنندگان خدمات گردشگری خریداری نموده، پس از تلفیق و تبدیل آنها به صورت بسته‌های سفر، این خدمات را از طریق یک شبکه توزیع، در دسترس گردشگران قرار دهد.

دفتر مجری: دفتر خدمات مسافرتی و گردشگری که نسبت به تکمیل و اجرای بسته سفر اقدام می‌نماید.

بخش دوم: مقررات اجرایی:

ماده ۲ - عدم استفاده از فرم قرارداد تیپ سازمانی در سربرگ دفتر یا عدم امضا ذیل قرارداد یا عدم تحویل نسخه مربوط به گردشگر مشمول مقررات سازمانی می‌باشد. لذا در صورت عدم رعایت مراتب مذکور هنگام رسیدگی، قرارداد تیپ سازمانی برای احقاق حق احتمالی در گردشگر ملاک و مبنا قرار خواهد گرفت.

ماده ۳ - هرگونه توافق خارج از مفاد قرارداد مشروط بر این که ناقض سایر بندها نباشد، در زمان قرارداد و امضای طرفین لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۴ - درج تاریخ رفت و برگشت مقصد دقیق سفر (کشور و شهر)، درجه هتل، شرح کامل خدمات قابل ارائه به گردشگر، قیمت در قرارداد الزامی می‌باشد.

ماده ۵ - کلیه قراردادهای منعقد موضوع فروش خدمات تور جهت کنترل نهایی باید به رویت و تأیید مدیرفنی بند (ب) دفتر برسد.

ماده ۶ - در صورت صدور رأی قطعی محکومیت مالی از سوی کمیته فنی، در فرایند رسیدگی به شکایات و عدم اجرای رأی توسط دفتر، سازمان پس از یک هفته رأساً نسبت به برداشت از محل ضمانت‌نامه اقدام و دفتر موظف است حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ اعلام نسبت به جایگزینی یا تکمیل ضمانت‌نامه اقدام نماید.

ماده ۷ - درخواست تجدیدنظر به احکام صادره از طرف کمیته فنی، حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز پس از ابلاغ امکان‌پذیر خواهد بود.

ماده ۸ - سازمان در صورت صلاحدید جهت ادای توضیح و اتخاذ تصمیم، از دارنده مجوز در شخص حقیقی یا مدیرعامل در شخص حقوقی یا مدیرفنی دعوت می‌کند و آنها موظف اند جهت پاسخگویی حضور یابند.

ماده ۹ - چنانچه دفتر خدمات مسافرتی و گردشگری بسته سفر آماده شده توسط دفتر دیگری را بازاریابی، فروش و یا اجرا نماید، موظفند اولاً نسبت به عقد قرارداد با دفتر تورگردان یا مجری اقدام نموده و حدود و ثغور مسئولیت هر دفتر را به طور مجزا در آن قرارداد مشخص نمایند. ثانیاً در قرارداد با گردشگر حدود مسئولیت دفتر تورگردان و یا مجری را مشخص نمایند، در غیراین صورت مسئولیت ناشی از نقض ارائه خدمات متوجه دفتر ثبت نام کننده خواهد بود.

بخش سوم: تخلفات منتهی به:

به تذکر کتبی/ اخطار کتبی و اعلام مهلت جهت رفع اشکال:

ماده ۱۰ - حضور مدیرفنی یا مدیرعامل در دفتر الزامی است و در مواقع ضروری و خاص، ملزم به هماهنگی با مرجع صدور مجوز و تعیین جایگزین به منظور پاسخگویی به گردشگران و سایر مراجعین می‌باشند. (تذکر کتبی)

ماده ۱۱ - پروانه بهره برداری، گواهینامه مدیر فنی و منشور حقوق گردشگر باید در معرض دید مسافران نصب گردد. (تذکر کتبی)

تبصره - منشور حقوق گردشگر باید در ابعاد بزرگ و مناسب و در محلی قرار داشته باشد که کاملاً قابل رویت و خواندن باشد و همچنین دفتر ملزم به رعایت مفاد منشور حقوق گردشگر می‌باشد.

ماده ۱۲ - دفتر موظف به انعقاد قرارداد با گردشگر (نماینده گردشگر) بر اساس فرم‌های ابلاغی از طرف مرجع صدور مجوز و ارائه یک نسخه از آن به گردشگر می‌باشد. قرارداد باید به امضای گردشگر و مدیرعامل یا مدیرفنی دفتر رسیده باشد. (تذکر کتبی)

ماده ۱۳ - نام کامل دفتر در تابلوی سردرب، کارت ویزیت، سربرگ و مهر، می‌بایست از اندازه (فونت) یکسان برخوردار باشد. (تذکر کتبی)

۲- شروع به فعالیت در صنعت گردشگری بدواً مستلزم پذیرش قوانین و مقررات این دوره است.

۳- بر اساس تبصره ۳ ماده ۳۱ آیین‌نامه نظارت بر تأسیس و فعالیت دفاترهای خدمات مسافرتی ...، صرفاً در صورتی که تخلفات دفتر دارای وصف مجرمانه باشد، جهت رسیدگی به مراجع قضایی صالح ارسال می‌شود.

۴- بخشنامه مورد اعتراض دقیقاً در راستای شرح وظایف این وزارت و در چارچوب مصوبات هیأت وزیران و قوانین جاری تنظیم و ابلاغ شده است و مغایرتی با آنها ندارد. مستند به ماده ۳۰ آیین‌نامه نظارت بر تأسیس و فعالیت دفاترهای خدمات مسافرتی، سیاحتی، جهانگردی و زیارتی مصوب ۱۳۸۰ هیأت وزیران، کلیه دفاتر موظف به رعایت مقررات و دستورالعمل‌ها و خط مشی‌های ابلاغ شده توسط مرجع صدور مجوز هستند. در پایان با عنایت به موارد معنونه و بی اساس بودن شکایت، صدور قرار رد شکایت شاکی، مصراً و موکداً مورد تقاضاست.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی فرهنگی، آموزشی و پزشکی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۲۴۵ - ۱۴۰۰/۵/۹ بندهای ۴ و ۵ مقررات اجرایی انضباطی دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

«رسیدگی به قسمت‌های دیگر از بخشنامه مقررات اجرایی انضباطی فعالیت دفاتر خدمات مسافری و گردشگری مورد اعتراض در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.»
هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - هرچند معاونت گردشگری سازمان [وزارت] میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی می‌تواند بر مبنای صلاحیتهای نظارتی خود و با لحاظ محدودیتهای مقرر در ماده ۹۷۵ قانون مدنی، رعایت برخی از قیود را در قراردادهای مربوطه تکلیف نماید، لکن الزام اشخاص به انعقاد قرارداد بر اساس نمونه ابلاغی مغایر اصل ۲۲ قانون اساسی و نیز ماده ۱۰ قانون مدنی است و مفاد ماده ۳ آیین‌نامه نظارت بر تأسیس و فعالیت دفاترهای خدمات مسافرتی، سیاحتی، جهانگردی و زیارتی مصوب سال ۱۳۸۰ هیأت وزیران نیز نمی‌تواند دلیلی بر تحمیل چنین الزامی به اشخاص باشد. بنا به مراتب فوق، مواد ۲ و ۳ بخشنامه شماره ۹۵۳۴۰۰/۵۳۶۷۹ - ۱۳۹۵/۸/۱۱ با عنوان مقررات اجرایی - انضباطی فعالیت دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری که متضمن الزام اشخاص به انعقاد قرارداد بر اساس نمونه ابلاغی است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

ب - با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها که در اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۱/۲ منعکس شده، تعیین جرم بودن یا نبودن یک فعل یا ترک فعل از شئون قانونگذار است و با عنایت به شرح وظایف معاونت گردشگری سازمان [وزارت] میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی که در هیچ یک از بندهای احصاء شده در آن اختیاری مبنی بر وضع مجازات برای معاونت یادشده قابل استنتاج نیست و آنچه که در حدود صلاحیت معاون گردشگری است، صرفاً نظارت بر دفاتر خدماتی مسافرتی بوده و لازمه اعمال نظارت مذکور تعیین مجازات نیست؛ بنابراین بخش‌های سوم، چهارم و پنجم از بخشنامه شماره ۹۵۳۴۰۰/۵۳۶۷۹ - ۱۳۹۵/۸/۱۱ با عنوان مقررات اجرایی - انضباطی فعالیت دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری که متضمن اعمال مجازات در خصوص تخلفات دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری است، خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب‌کننده آن و خلاف قانون بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

ماده ۳۶ - چنانچه بر اساس مستندات و مدارک ارائه شده اثبات شود که دفتر نسبت به اعزام افراد در قالب گردشگر به خارج از کشور اقدام تا افراد پس از رسیدن به مقصد، از بازگشت به کشور خودداری نمایند. (بار اول ۱ ماه و بار دوم ۲ یا ۳ ماه)

ماده ۳۷ - در صورتی که دفتر مطابق با «بخش سوم» این مقررات، ۳ اخطار کتبی دریافت کند و تخلف را تکرار و یا نسبت به اصلاح عملکرد خود اقدام ننماید. (بار اول ۱ ماه و بار دوم ۲ یا ۳ ماه)

ماده ۳۸ - اعلام اطلاعات غیرواقعی به گردشگر در مورد اجزای بسته سفر توسط دفاتر ثبت نام‌کننده یا تورگردان همانند چارتر بودن یا نبودن هواپیما، هتل و از این قبیل. (بار اول ۱ ماه و بار دوم ۲ یا ۳ ماه)

ماده ۳۹ - دفتر مجاز به اجاره دادن کانتینر یا قسمتی از محل فعالیت خود به افراد غیرنوبده و در صورت مشاهده مجوز لغو خواهد شد. (۳ ماه تعلیق)

ماده ۴۰ - ایجاد نمایندگی (شعبه) بدون اخذ مجوز از سازمان. (۳ ماه تعلیق)

ماده ۴۱ - ارائه رویداد غیرواقعی که منجر به عدم ورود گردشگر به کشور مقصد شود. (۳ ماه تعلیق)

تبصره - در این موارد ضمن جبران کلیه خسارات وارده به گردشگر توسط دفتر موضوع به صورت قانونی از طریق سازمان مورد رسیدگی و اقدام قرار می‌گیرد.

ماده ۴۲ - دفتر موظف است ضمانت نامه خود نزد سازمان را قبل از پایان سررسید به نفع سازمان تمدید نماید. (تعلیق تا زمان رفع نقص)

ماده ۴۳ - دفتر موظف است در صورت تغییر مدیرعامل و مدیرفنی، حداکثر ظرف سه ماه نسبت به معرفی فرد جدید واجد شرایط اقدام نماید. (تعلیق تا رفع نقص)

ماده ۴۴ - مدیر در اشخاص حقیقی و مدیرعامل در اشخاص حقوقی موظف است قبل از تغییر محل فعالیت، محل پیشنهادی واجد شرایط مرجع صدور مجوز را به صورت مکتوب معرفی نموده و پس از طی مراحل و صدور تأییدیه مکتوب اقدام به جابجایی محل فعالیت نماید. همچنین مدیرعامل در اشخاص حقوقی مکلف است هرگونه امور مربوط به مدیریت سهامداران، نام و نشان شرکت را قبل از هرگونه تغییر به سازمان اعلام نماید. (تعلیق تا زمان رفع نقص)

ماده ۴۵ - مدیر در اشخاص حقیقی و مدیرعامل در اشخاص حقوقی موظف است یک ماه قبل از انقضای اعتبار مجوز نسبت به مراجعه به سازمان و تمدید آن اقدام نماید. (تعلیق تا زمان رفع نقص)

ماده ۴۶ - عدم اجرای دستور تکمیل تضمین بدون عذر موجه بنا به تشخیص سازمان. (تعلیق تا رفع نقص)

ماده ۴۷ - واگذاری مجوز بدون هماهنگی و کسب موافقت سازمان (تعلیق تا زمان رفع نقص)

بخش پنجم: تخلفات منتهی لغو مجوز:

ماده ۴۸ - درصد موظف است در زمان تعلیق از قبول تعهدات جدید خودداری نموده و به تعهدات قبلی خود در قبال گردشگران عمل نماید.

ماده ۴۹ - در صورتی که تخلف دفتر واجد وصف مجرمانه بوده و از سوی مراجع ذیصلاح منجر به محکومیت شود.

ماده ۵۰ - در صورتی که تخطی دفتر بیش از ۳ مورد از موارد مربوط به بخش تعلیق را شامل گردد، مجوز فعالیت لغو خواهد شد.

ماده ۵۱ - چنانچه دفتر در طول شش ماه، ۳ بار و یا در طول یک سال فعالیت، ۴ بار به طور متوالی یا متناوب تعلیق ۱ ماهه شود.

ماده ۵۲ - چنانچه دفتر مطابق ترتیبات مقرر در «بخش چهارم» سه ماه تعلیق گردد و ۲ بار آن تخلف را مرتکب گردد.

ماده ۵۳ - چنانچه شش ماه از موارد تعلیق تا رفع نقص، زمان سپری شود و همچنان اشکال رفتن ننگردد.

ماده ۵۴ - هرگاه دفتر پس از اخذ مجوز بیش از شش ماه بدون عذر موجه شروع به کار ننماید یا سه ماه بدون داشتن عذر قابل قبول تعطیل باشد یا به مدت یک سال هیچ گونه فعالیتی نداشته باشد به تشخیص سازمان مجوز لغو می‌گردد.

بخشنامه مقررات اجرایی - انضباطی در پنج بخش، ۵۴ ماده و ۲ تبصره از زمان ابلاغ لازم‌الاجرا بوده و کلیه مقررات مغایر ملغی می‌شود. - معاون گردشگری

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل امور حقوقی و املاک به موجب لایحه شماره ۹۹۲۳۰۳/۱۶۲۴۶ - ۱۳۹۹/۷/۷ به طور خلاصه توضیح داده است که:

«۱- اصل آزادی قراردادهای مطلق نبوده و بر اساس ضوابط قانونی از نظم عمومی قابلیت تمدید دارد. قراردادهای تیپ یکی از مهم ترین موارد اعمال محدودیت بر اساس نظم عمومی است.